



رئاسة الشؤون الدينية
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

فارسی

فارسي

الدُّعَاءُ وَيَلِيهِ الْعِلَاجُ بِالرَّقَى مِنَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ

دعا و درمان با رقیه از کتاب و سنت



د. سَعِيدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ وَهْفٍ الْقَحْطَانِيُّ
رَحِمَهُ اللَّهُ

ج) جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات ، ١٤٤٦ هـ

جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات
الدعاء ويليهِ العلاج بالرقى من الكتاب والسنة - فارسي. /
جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات - ط١. -. الرياض ، ١٤٤٦ هـ
١٦٩ ص ؛ .سم

رقم الإيداع: ١٤٤٦/١٨٧٧٥
رندمك: ٩٧٨-٦٠٣-٨٥٣٤-٧٦-٢

الدُّعَاءُ وَيَلِيهِ الْعِلَاجُ بِالرُّقَى
مِنَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ

دعا و درمان با رقیه
از کتاب و سنت

د. سَعِيدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ وَهْفِ الْقَحْطَانِيِّ
رَحِمَهُ اللَّهُ

دعا از قرآن و سنت

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۰]، یعنی: «و الله زیاترین نام‌ها را دارد؛ پس او را به آن [نام‌ها] بخوانید و کسانی را که در [مورد] نام‌هایش بیراهه می‌روند [و آنها را تحریف می‌کنند] رها کنید. آنان به [سزای] آنچه می‌کردند، مجازات خواهند شد».

الله - الأول - الآخر - الظاهر - الباطن - العلی - الأعلى - المتعال -
العظیم - المجید - الکبیر - السميع - البصیر - العليم - الخیر - الحمید -
العزیز - القدیر - القادر - المقتدر - القوی - المتین - الغنی - الحکیم -
الحلیم - العَفُو - الغفور - الغفار - التَّوَّاب - الرقیب - الشهید - الحفیظ -
اللطیف - القریب - المجیب - الودود - الشاکر - الشکور - السید -
الصمد - القاهر - القهار - الجبار - الحسیب - الهادی - الحکم -
القدوس - السلام - البَرُّ - الوهَّاب - الرحمن - الرحیم - الکریم - الأکرم -
الرءوف - الفتاح - الرَّازِق - الرَّزَّاق - الحي - الْقَیُّوم - الربّ - الملك -

المليك - الواحد - الأحد - المتكبر - الخالق - الخلاق - البارئ - المصور
- المؤمن - المهيمن - المحيط - المقيت - الوكيل - الكافي - الواسع -
الحق - الجميل - الرفيق - الحيي - الستير - الإله - القابض - الباسط -
المعطي - المقدم - المؤخر - المبين - المنان - الولي - المؤلى - النصير -
الشافى - مالك الملك - جامع الناس - نور السموات والأرض - ذو
الجلال والإكرام - بديع السموات والأرض^(۱).



(۱) برای فهم این نامها و ادله آن از قرآن و سنت مراجعه شود به کتاب: (شرح أسماء الله الحسنی فی ضوء الكتاب والسنة) اثر نویسنده.

به نام الله بخشندهٔ مهربان

مقدمه

ستایش از آنِ الله است، او را حمد گفته و از او یاری و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خویش و کارهای ناشایستمان به الله پناه می‌بریم، هرکه را الله هدایت کند او گمراه گری نخواهد داشت و هرکه را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یگانه و بی‌شریک است، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستادهٔ اوست. درود الله و سلامش بر او و بر آل و اصحابش و کسانی باد که از آنان پیروی کنند.

این خلاصه‌ای از کتابم «ذکر، دعا و درمان با رُقیه از کتاب و سنت» است.^(۱) در این خلاصه، بخش مربوط به دعا را مختصر کرده‌ام تا بهره‌برداری از آن آسان‌تر شود و همچنین دعاها و نکات مفیدی را به

(۱) اصل کتاب یادشده، بحمدالله، همراه با بررسی گسترده سندهای احادیث آن، در چهار جلد به چاپ رسیده است: اذکار (پناهگاه مسلمان) در جلد اول و دوم، دعا در جلد سوم، و درمان با رُقیه در جلد چهارم است.

آن افزوده‌ام، ان شاء الله تعالی از خداوند عزوجل، به نام‌های نیکو و صفات والایش می‌خواهم که این کار را خالصانه برای ذات بزرگوارش قرار دهد. بی‌تردید، او ولی این امر و توانا بر آن است.

و درود و سلام الله بر پیامبر ما محمد، و بر آل و اصحاب او و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند، باد.

به‌قلم: دکتر سعید بن علی بن وهف القحطانی

نوشته شده در ماه شعبان ۱۴۰۸ هجری قمری



فضیلت دعا

الله تعالی می فرماید:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: ۶۰]، یعنی: «و پروردگارتان فرمود: مرا به دعا بخوانید، تا [دعای] شما را اجابت کنم، کسانی که از عبادت من سرکشی می کنند، به زودی با خواری به جهنم وارد می شوند».

و می فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۶]، یعنی: «و [ای پیامبر]، چون بندگانم درباره من از تو پرسند [به آنان] بگو که من نزدیکم و دعای دعاکننده را - هنگامی که مرا بخواند - اجابت می کنم؛ پس [آنان فقط] باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند؛ باشد که راه یابند».

و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «الدَّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ، قَالَ رَبُّكُمْ:

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»، یعنی: «دعا همان عبادت است، پروردگارتان می گوید: مرا بخوانید شما را اجابت می کنم»^(۱).

و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ رَبَّكُمْ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَيٌِّّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي مَنْ عَبْدُهُ إِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَيْهِ أَنْ يَرُدَّهُمَا صِفْرًا»، یعنی: «پروردگار شما تبارک و تعالی حیی و کریم است و حیا می کند از اینکه بنده اش دستانش را به سوی او بلند کند و آنها را خالی برگرداند»^(۲).

و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَدْعُو بِدَعْوَةٍ لَيْسَ فِيهَا إِثْمٌ وَلَا قَطِيعَةٌ رَحِمَ، إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِهَا إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا أَنْ تُعْجَلَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَإِمَّا أَنْ يَدَّخِرَهَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ، وَإِمَّا أَنْ يَصْرِفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ

(۱) روایت ابوداود (۷۸/۲) به شماره (۱۴۸۱) و ترمذی (۲۱۱/۵) به شماره (۲۹۵۹)، و ابن ماجه (۱۲۵۸/۲) به شماره (۳۸۲۸) و شیخ آلبنی در صحیح الجامع الصغیر (۱۵۰/۳) و صحیح سنن ابن ماجه (۳۲۴/۲) آن را صحیح دانسته است.

(۲) روایت ابوداود (۷۸/۲) به شماره (۱۴۸۸)، و ترمذی (۵۵۷/۵)، به شماره (۳۵۵۶) و ابن ماجه (۱۲۷۱/۲) به شماره (۳۸۶۵) و ابن حجر گفته است: (سند آن جید است) و شیخ آلبنی در صحیح سنن ترمذی (۱۷۹/۳) آن را صحیح دانسته است.

مِثْلَهَا، قَالُوا: إِذَا نُكْثِرُ؟، قَالَ: اللَّهُ أَكْثَرُ»، یعنی: «هیچ مسلمانی نیست که دعایی بخواند، مشروط بر اینکه در آن گناه یا قطع رحم نباشد، مگر اینکه خداوند یکی از سه چیز را به او عطا می‌کند: یا دعایش را زود مستجاب می‌کند، یا آن را برای آخرتش ذخیره می‌سازد، یا به همان اندازه، بلایی را از او دور می‌کند. صحابه گفتند: پس ما زیاد دعا کنیم؟ فرمود: خدا بیشتر عطا می‌کند»^(۱).

از آداب دعا و اسباب اجابت آن^(۲)

۱- اخلاص برای خداوند.

۲- اینکه دعا را با ستایش خداوند و ثنای او و سپس با صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم آغاز نموده و با آن خاتمه دهد.

(۱) روایت ترمذی (۵۶۶/۵) و (۴۶۲/۵) به شماره (۳۵۷۳) و احمد (۱۸/۳) به شماره (۱۱۱۵۰) و شیخ آل‌بانی در صحیح الجامع الصغیر (۱۱۶/۵) و صحیح سنن ترمذی (۱۴۰/۳) آن را صحیح دانسته است.

(۲) برای اطلاع بیشتر از این آداب و اسباب اجابت دعا همراه با ادله آن مراجعه شود به اصل کتاب (۳/ ۹۲۷-۹۷۵).

- ۳- قاطعیت در دعا و یقین داشتن به اجابت.
- ۴- اصرار و پافشاری کردن در دعا و عجله نداشتن در اجابت آن.
- ۵- حضور قلب در دعا.
- ۶- دعا در راحتی‌ها و سختی‌ها.
- ۷- تنها از خداوند بخواهد.
- ۸- نفرین نکردن خانواده، مال، فرزندان و خود.
- ۹- آهسته خواندن دعا، به گونه‌ای که بین نجوا و صدای بلند باشد.
- ۱۰- اقرار به گناه، و آمرزش خواستن از آن، و اقرار به نعمت‌های الهی و شکرگزاری خداوند بابت آن.
- ۱۱- به سختی نینداختن خود با خواندن دعا‌های قافیه دار.
- ۱۲- زاری، فروتنی، امید و ترس.
- ۱۳- بازگرداندن حقوق دیگران همراه با توبه.
- ۱۴- سه بار تکرار کردن دعا.

۱۵- رو به قبله دعا کردن.

۱۶- بالا کردن دست به هنگام دعا.

۱۷- وضو گرفتن قبل از دعا در صورت امکان.

۱۸- اینکه در دعا کردن مرتکب تعدی و تجاوز نشود.^(۱)

۱۹- اینکه انسان هر وقت بخواهد برای دیگران دعا کند در ابتدا برای خودش دعا می‌کند.^(۲)

۲۰- اینکه انسان با نام‌های نیکو و صفات والای خداوند، یا با عمل

(۱) تعدی و تجاوز در دعا این است که انسان خواسته‌های غیر عقلانی داشته باشد و یا دعایی کند که بی‌فایده باشد.

(۲) از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده است که گاهی در دعا ابتدا برای خود دعا می‌کرده است، و همچنین ثابت شده که گاهی بدون شروع از خود دعا می‌کرده، مانند دعای او برای انس، ابن عباس، ام اسماعیل و دیگران.

برای اطلاع بیشتر این مسئله، می‌توانید به منابع زیر مراجعه کنید:

شرح نووی بر صحیح مسلم (۱۴۴/۱۵)، تحفة الأحوذی، شرح سنن ترمذی (۳۲۸/۹)، فتح الباری، شرح صحیح بخاری (۲۸۱/۱).

صالحی که خود انجام داده است، یا با دعای یک فرد صالح و زنده‌ای که حضور دارد، به درگاه خداوند توسل جوید.

۲۱- اینکه خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌هایش حلال باشد.

۲۲- برای گناه یا قطع رابطه خویشاوندی دعا نکند.

۲۳- اینکه امر به معروف و نهی از منکر کند.

۲۴- دوری از همه گناهان.

وقت‌ها و حالت‌ها و اماکنی که دعا در آن مستحب است^(۱):

۱- شب قدر.

۲- در دل آخر شب.

۳- پس از نمازهای فرض.

(۱) برای مطالعه بیشتر در مورد این وقت‌ها، حالت‌ها و اماکن همراه با ادله تفصیلی آن به

اصل کتاب (۹۷۵/۳-۱۱۱۷) مراجعه کنید.

۳- بین اذان و اقامه.

۵- لحظه‌ای از هر شب.

۶- هنگام اذان برای نمازهای پنج‌گانه.

۷- هنگام نزول باران.

۸- هنگام پیشروی سپاه در میدان جهاد برای خداوند.

۹- لحظه‌ای از روز جمعه.

که طبق قول راجح آخرین ساعات از عصر روز جمعه است، و امکان دارد مراد همان ساعت خطبه و نماز باشد.

۱۰- هنگام نوشیدن آب زمزم همراه با نیت راستین و صادقانه.

۱۱- در سجده.

۱۲- هنگام بیدار شدن از خواب در شب و خواندن دعاهای مأثور در آن هنگام.^(۱)

(۱) دعاهای مأثور به دعاهایی می‌گویند که در قرآن و سنت آمده‌اند.

۱۳- هرگاه با وضو بخوابد سپس در دل شب بیدار شود و دعا کند.

۱۴- هنگام گفتن دعای «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»، یعنی: «[پروردگارا،] هیچ معبودی [به حق] جز تو نیست، تو منزهی، بی تردید، من از ستمکاران بوده‌ام».

۱۵- دعا کردن پس از وفات میت.

۱۶- دعا کردن پس از ثنا و ستایش خداوند و درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و سلم در تشهد اخیر.

۱۷- هنگام دعا کردن با ذکر نام بزرگ خداوند که اگر با توسل به آن دعا شود اجابت می‌کند، و اگر با آن چیزی خواسته شود، می‌دهد^(۱).

۱۸- دعای پنهانی مسلمان برای برادر مسلمانش.

۱۹- دعا در روز عرفة.

۲۰- دعا در ماه مبارک رمضان.

(۱) نگا: نام بزرگ خداوند در حدیث شماره ۲۰۳، و شماره ۱۰۴، و شماره ۱۰۵ از این کتاب آمده است.

۲۱- دعا هنگام اجتماع مسلمانان در مجالس ذکر.

۲۲- هنگام گفتن این دعا پس از ابتلا به مصیبت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ أَجْزِنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا»، یعنی: «ما همه از آن الله هستیم و ما همه به سوی او بازمی گردیم، بارالها، مرا در مصیبتم ماجور دار و بهتر از آن را برای من جایگزین بفرما».

۲۳- دعا هنگام روی کردن قلب به سوی خداوند و شدت گرفتن اخلاص.

۲۴- دعای مظلوم علیه کسی که به او ستم نموده است.

۲۵- دعای والدین برای فرزند و یا علیه او.

۲۶- دعای مسافر.

۲۷- دعای روزه دار تا اینکه افطار کند.

۲۸- دعای روزه دار هنگام افطاری کردن.

۲۹- دعای انسان درمانده.

۳۰- دعای حاکم و فرمانروای دادگر.

۳۱- دعای فرزندی که در حق پدر و مادرش نیکی می کند.

۳۲- دعا پس از وضو اگر دعا‌های مأثور را بخواند.

۳۳- دعا بعد از سنگ زدن به ستون کوچک [در ایام حج].

۳۴- دعا بعد از سنگ زدن به ستون وسطی [در ایام حج].

۳۵- دعا داخل کعبه، و هر کسی در داخل حجر نماز بخواند در داخل کعبه نماز خوانده است [چون حجر بخشی از کعبه است].

۳۶- دعا بر بالای کوه صفا.

۳۷- دعا بر بالای کوه مروه.

۳۸- دعا در مشعر الحرام.

و انسان مؤمن همیشه پروردگارش را می خواند، هر کجا که باشد، خداوند عزوجل می فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾﴾ [البقرة: ۱۸۶]، یعنی:
«و [ای پیامبر]، چون بندگانم درباره من از تو پرسند [به آنان] بگو که

من نزدیکم و دعای دعاکننده را - هنگامی که مرا بخواند - اجابت می‌کنم؛ پس [آنان فقط] باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند؛ باشد که راه یابند».

اما این اوقات، حالت‌ها و اماکن امتیازهای بیشتری دارند.

دعا از قرآن و سنت

حمد و ستایش تنها برای الله متعال است و درود و سلام بر کسی که پیامبری بعد از او نیست.

۱- ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ۝ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ۝ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ۝﴾ [فاتحه: ۱-۷]. یعنی: «به نام الله بخشنده مهربان (۱). تمام ستایش‌ها [و سپاس‌ها] از آنِ الله - پروردگار جهانیان - است (۲). بخشنده مهربان است (۳). مالک روزِ جزاست (۴). [پروردگارا] تنها تو را عبادت می‌کنیم و تنها از تو یاری [و مدد] می‌جوییم (۵). ما را به راه راست هدایت فرما [و همواره در این راه، ثابت‌قدم بدار] (۶). راه

کسانی [همچون پیامبران، شهیدان، راستگویان و نیکوکاران] که به آنان نعمت داده‌ای، نه [راه] کسانی که بر آنان خشم گرفته شده است [=یهود] و نه [راه] گمراهان [=نصاری] (۷)».

۲- ﴿...رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [البقره: ۱۲۷]،
یعنی: «پروردگارا، [اعمالِ نیک ما - از جمله بنای این خانه‌ی مقدس را] - از ما بپذیر که بی‌تردید، تو شنوای دانایی».

۳- ﴿...وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [البقره: ۱۲۸]، یعنی:
«و توبه ما را بپذیر، بدرستی که تو توبه‌پذیر مهربانی».

۴- ﴿...رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾
[البقره: ۲۰۱]، یعنی: «پروردگارا در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز به ما نیکی عطا کن و ما را از آتش دوزخ نجات بده».

۵- ﴿...سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [البقره: ۲۸۵]،
یعنی: «پروردگارا، [سخن ترا] شنیدیم و اطاعت کردیم، گناهان ما را ببخش و بازگشت [همه] به سوی توست».

۶- ﴿...رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [البقره: ۲۸۶]، یعنی: «پروردگارا، اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را بازخواست نکن. پروردگارا، بارِ گران [و تکلیف سنگین] بر [دوش] ما مگذار؛ چنان که آن را [به مجازات گناه و سرکشی،] بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند [= یهودیان] نهادی. پروردگارا، آنچه که تاب تحملش را نداریم بر [دوش] ما مگذار و ما را بیامرز و به ما رحم کن. تو یار [و کارساز] مایی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان».

۷- ﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ [آل عمران: ۸]، یعنی: «پروردگارا، دل‌هایمان را - بعد از آنکه ما را هدایت فرمودی - [از راه حق] منحرف مگردان و از سوی خود، رحمتی به ما ارزانی دار [که] بی‌تردید، تو بسیار بخشنده‌ای».

۸- ﴿...رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [آل عمران: ۱۶]، یعنی: «پروردگارا! به راستی ما ایمان آورده‌ایم، پس گناهان ما را بیامرز، و ما را از عذاب آتش (دوزخ) دور نگه دار».

۹- ﴿...رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ [آل عمران: ۳۸]، یعنی: «پروردگارا، از جانب خویش فرزندانی پاک و پسندیده به من عطا کن [که] بی‌تردید، تو شنونده دعایی».

۱۰- ﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ [آل عمران: ۵۳]، یعنی: «پروردگارا، به آنچه نازل کرده‌ای ایمان آوردیم و از فرستاده [تو] پیروی نمودیم؛ پس ما را در زمره گواهان [به حق و مؤمنان به پیامبرت] بنویس».

۱۱- ﴿...رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۷]، یعنی: «پروردگارا! گناهان ما را بیامرز، و از زیاده روی ما در کارمان [بگذر] و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران، پیروز گردان».

۱۲- ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (۱۹۱) رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (۱۹۲) رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ (۱۹۳) رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى

رُسُلِكَ وَلَا نُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾ [آل عمران: ۱۹۱-۱۹۴]، یعنی: «پروردگارا این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای، منزّهی تو! پس ما را از عذاب آتش [دوزخ] نگه دار (۱۹۱). پروردگارا، کسی را که تو به آتش [دوزخ] درآوری، یقیناً خوار و رسوایش کرده‌ای و ستمکاران [هیچ] یآوری ندارند (۱۹۲). پروردگارا، ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرامی‌خواند که: "به پروردگار خود ایمان آورید؛ پس ما ایمان آوردیم. پروردگارا، پس گناهانمان را ببخش و بدی‌هایمان را بپوشان و ما را در زمرهٔ نیکان بمیران (۱۹۳). پروردگارا، آنچه را که به وسیلهٔ رسولانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن و در روز قیامت رسوایمان مگردان، بی‌تردید، تو خلاف وعده نمی‌کنی (۱۹۴)».

۱۳- ﴿...رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨٣﴾﴾ [المائدة: ۸۳]، یعنی: «پروردگارا! به آنچه نازل کرده‌ای، ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم؛ پس ما را از زمره گواهان بنویس».

۱۴- ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾﴾ [الأعراف: ۲۳]، یعنی: «پروردگارا، ما [با سرپیچی از

دستور تو] به خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم نکنی، قطعاً از زیانکاران خواهیم بود».

۱۵- ﴿...رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [الأعراف: ۴۷]، یعنی: «پروردگارا! ما را در زمره‌ی قوم ستمکاران قرار مده».

۱۶- خدایا ﴿...أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ﴾ [الأعراف: ۱۵۵-۱۵۶]، یعنی: «تو [دوست و] کارسازِ مایی؛ پس ما را بیامرز و بر ما رحم آور؛ و تو بهترین آمرزنده‌ای (۱۵۵). و در این دنیا و در سرای آخرت، نیکی برایمان مقرر فرما (۱۵۶)».

۱۷- ﴿...حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ [توبه: ۱۲۹]، یعنی: «الله برای من کافی است، هیچ معبودی [به حق] جز او نیست، بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است».

۱۸- ﴿...رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [یونس: ۸۵-۸۶]، یعنی: «پروردگارا، ما را

دستخوشِ فتنه [و شکنجه و آزار] گروه ستمکاران قرار نده (۸۵). و به [فضل و] رحمت خویش ما را از [شر] گروه کافران رهایی بخش (۸۶)».

۱۹- ﴿...رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [هود: ۴۷]، یعنی: «پروردگارا، من به تو پناه می‌برم از اینکه چیزی را که به آن دانشی ندارم از تو بخواهم و اگر مرا نبخشی و بر من رحم نکنی، از زیانکارانم».

۲۰- «پروردگارا، ای ﴿...فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾ [یوسف: ۱۰۱]، یعنی: «پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین، تویی که در دنیا و آخرت [دوست و] کارساز منی، مرا مسلمان بمیران و به شایستگان ملحق فرما».^(۱)

۲۱- ﴿...رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾ [ابراهیم: ۳۵]، یعنی: «پروردگارا! این شهر (مکه) را مکانی امن قرار بده، و مرا و فرزندانم را از آنکه بت‌ها را پرستش کنیم دور نگه دار».

(۱) و برای استفاده بیشتر، نگاه: الفوائد ابن القيم (ص ۴۳۶-۴۳۷).

۲۲- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ ﴿٤٠﴾

[ابراهیم: ۴۰]، یعنی: «پروردگارا! مرا و فرزندانم را بر پا دارنده‌ی نماز قرار بده، پروردگارا! و دعای مرا بپذیر».

۲۳- ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ ﴿٤١﴾

[ابراهیم: ۴۱]، یعنی: «پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را، و مؤمنان را [در] روزی که حساب بر پا می‌شود، بیامرز».

۲۴- ﴿...رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾

[الکھف: ۱۰]، یعنی: «پروردگارا! ما را از سوی خود رحمتی عطا کن، و راه نجاتی برایمان فراهم ساز».

۲۵- ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ ﴿٤٢﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٤٣﴾ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ

لِسَانِي ﴿٤٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٤٨﴾ [طه: ۲۵-۲۸]، یعنی: «پروردگارا، سینه‌ام را برایم بگشای تا آزار را تحمل کنم (۲۵). و کارم را برایم آسان گردان (۲۶). و گره از زبانم باز کن (۲۷). تا سخنم را دریابند (۲۸)».

۲۶- ﴿...رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ [طه: ۱۱۴]، یعنی: «پروردگارا! به علم من

بیفز».

۲۷- ﴿...لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۷]، یعنی: «[پروردگارا،] هیچ معبودی [به حق] جز تو نیست، تو منزهی، بی تردید، من از ستمکاران بوده‌ام».

۲۸- ﴿...رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۹]، یعنی: «پروردگارا، مرا تنها [و بی فرزند] مگذار و تو بهترین وارثانی».

۲۹- ﴿رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ﴾ ﴿۹۷﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿۹۸﴾ [مؤمنون: ۹۷-۹۸]، یعنی: «پروردگارا، من از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم (۹۷). و پروردگارا، از اینکه آنها نزد من حاضر شوند [نیز] به تو پناه می‌برم (۹۸)».

۳۰- ﴿...رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ [مؤمنون: ۱۰۹]، یعنی: «پروردگارا! [ما] ایمان آوردیم، پس ما را ببخش و بر ما رحم کن، و تو بهترین رحم‌کنندگانی».

۳۱- ﴿...رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ [مؤمنون: ۱۱۸]، یعنی: «پروردگارا! [ما] ایمان آوردیم، پس ما را ببخش و بر ما رحم کن، و تو بهترین رحم‌کنندگانی».

۳۲- ﴿رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ۖ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ۝٦٦﴾ [الفرقان: ۶۵-۶۶]، یعنی: «پروردگارا، عذاب دوزخ را از ما بازگردان [که] بی‌تردید، عذابش [سخت و] پایدار است (۶۵). حقا که دوزخ بد جایگاه و اقامتگاهی است (۶۶)».

۳۳- ﴿...رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ۝﴾ [الفرقان: ۷۴]، یعنی: «پروردگارا! از همسران مان و فرزندان مان مایه‌ی چشم روشنی به ما عطا فرما، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا قرار بده».

۳۴- ﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ۝٨٣ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ۝٨٤ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ۝٨٥﴾ [الشعراء: ۸۳-۸۵]، یعنی: «پروردگارا، به من دانشی [در دین] ببخش و مرا به شایستگان ملحق کن (۸۳). و در آیندگان آوازه‌ای نیک برایم قرار بده (۸۴). و مرا از وارثان بهشت پر نعمت بگردان (۸۵)».

۳۵- ﴿وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ۝٨٧ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ۝٨٨ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝٨٩﴾ [الشعراء: ۸۷-۸۹]، یعنی: «و روزی که

[مردم] برانگیخته می‌شوند، مرا رسوا [و شرمنده] نساز (۸۷). همان روزی که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد (۸۸). مگر کسی که با قلبی پاک [و خالی از شرک و نفاق و ریا] به پیشگاه الله بیاید (۸۹)».

۳۶- ﴿...رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ [النمل: ۱۹]، یعنی: «پروردگارا! به من توفیق ده تا شکر نعمت‌هایی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای بجای آورم، و [توفیق عطا فرما تا] کار[های] شایسته‌ای که تو خشنود شوی، انجام دهم، و مرا به رحمت خود در [زمره‌ی] بندگان صالحت در آور».

۳۷- ﴿...رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي...﴾ [القصص: ۱۶]، یعنی: «پروردگارا! من به خود ستم کردم، پس مرا ببخش».

۳۸- ﴿...رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [القصص: ۲۱]، یعنی: «پروردگارا! مرا از قوم ستمکار نجات بده».

۳۹- ﴿...عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ [القصص: ۲۲]، یعنی: «امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند».

۴۰- ﴿...رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ [القصص: ۲۴]،

یعنی: «پروردگارا! من به هر چیزی که برایم بفرستی نیازمند هستم».

۴۱- ﴿...رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ﴾ [العنکبوت: ۳۰]، یعنی:

«پروردگارا، مرا در برابر مفسدان یاری کن».

۴۲- ﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [الصافات: ۱۰۰]، یعنی:

«پروردگارا! به من [فرزندی] از صالحان عطا فرما».

۴۳- ﴿...رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ
وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي دُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ
الْمُسْلِمِينَ﴾ [الأحقاف: ۱۵]، یعنی: «پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر
نعمت را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به جای آورم و
کار شایسته‌ای انجام دهم که تو از آن خشنود شوی، و فرزندانم را صالح
گردان، بی گمان من به سوی تو بازگشتم [و توبه نمودم]، و بی شک من
از مسلمانانم».

۴۴- ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي
قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰]، یعنی:

«پروردگارا! ما را و برادرانمان را که در ایمان از ما سبقت گرفتند بیامرز، و در دل‌هایمان کینه‌ای نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا! بی‌گمان تو دلسوز و مهربانی».

۴۵- ﴿...رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾

[الممتحنة: ۴]، یعنی: «پروردگارا، بر تو توکل کردیم و به سوی تو روی آوردیم و بازگشت [همه] به سوی توست».

۴۶- ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۵﴾ [الممتحنة: ۵]، یعنی: «پروردگارا، ما را دستخوش [فتنه] کافران قرار مده و ما را بیامرز ای پروردگار ما؛ همانا تو با عزت حکیمی».

۴۷- ﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنَاتِ...﴾ [نوح: ۲۸]، یعنی: «پروردگارا، مرا و پدر و مادرم و هرکسی را که با ایمان وارد خانه‌ی من شود و [تمام] مردان مؤمن و زنان مؤمن را بیامرز».

۴۸- ﴿...رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾
[التحریم: ۸]، یعنی: «پروردگارا! نور ما را به تمام [و کمال] برسان، و ما را بیامرز بی گمان تو بر هر چیز توانایی».

۴۹- «خدایا در آنچه با اجازه تو اختلاف شده، مرا به سوی حق هدایت کن؛ چراکه تو هرکس را بخواهی به راه راست هدایت می کنی»^(۱).

۵۰- «خدایا به من همان حکمتی عنایت کن که به هر کس داده شود، خیر فراوانی به او عطا شده است»^(۲).

۵۱- «خدایا مرا در زندگی دنیا و در آخرت با سخن ثابت استوار بگردان»^(۳).

۵۲- «خدایا ایمان را محبوب ما کن و آن را در دل های ما بیارای و کفر و نافرمانی و سرکشی را در نظر ما ناخوشایند گردان و ما را از

(۱) اقتباس شده از سوره بقره آیه: ۲۱۳.

(۲) اقتباس شده از سوره بقره، آیه ۲۶۹.

(۳) اقتباس شده از سوره ابراهیم، آیه ۲۷.

پویندگانِ راه هدایت و کمال قرار ده»^(۱).

۵۳- «خدایا از شرِّ بخلِ نفسم مرا حفظ کن و مرا از رستگاران قرار بده»^(۲).

۵۴- «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»، یعنی: «خدایا در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز به ما نیکی عطا کن و ما را از آتش دوزخ نجات بده»^(۳).

۵۵- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ وَعَذَابِ النَّارِ، وَفِتْنَةِ الْقَبْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَشَرِّ فِتْنَةِ الْغَنَى، وَشَرِّ فِتْنَةِ الْفَقْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْ قَلْبِي بِمَاءِ الثَّلَجِ وَالْبَرْدِ، وَنَقِّ قَلْبِي مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَبَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ

(۱) با اقتباس از سوره حجرات، آیه ۷.

(۲) اقتباس شده از سوره تغابن، آیه ۱۶.

(۳) بخاری به شماره ۴۵۲۲، و شماره ۶۳۸۹، و مسلم به شماره ۲۶۹۰.

وَالْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ»، یعنی: «خدایا! از فتنه آتش و عذاب دوزخ و فتنه و عذاب قبر و از شر فتنه بی نیازی و از شر فتنه فقر، به تو پناه می‌برم، خدایا از شر فتنه مسیح دجال به تو پناه می‌برم، خدایا! دلم را با آب و یخ و تگرگ بشوی و از خطاها پاک گردان؛ چنان که لباس سفید را از چرک و آلودگی پاک کردی، و بین من و خطاهایم فاصله انداز؛ چنان که بین مشرق و مغرب فاصله انداختی، خدایا به تو پناه می‌برم از تبلی و گنهکاری و بدهکاری»^(۱).

۵۶- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْهَرَمِ، وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ»، یعنی: «خدایا! همانا من از ناتوانی و تبلی و ترس و پیری و بخیلی، به تو پناه می‌برم و از عذاب قبر به تو پناه می‌برم و از فتنه زندگی و مرگ، به تو پناه می‌برم»^(۲).

(۱) بخاری به شماره ۸۳۲، و مسلم به شماره ۵۸۹.

(۲) بخاری به شماره ۲۸۲۳، و مسلم به شماره ۲۷۰۶.

۵۷- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرْكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ

الْقَضَاءِ، وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ»، یعنی: «خدایا! من از شدت رنجِ بلا و بدبختی قضا و سرنوشت بد و از خوشنودی و سرزنش دشمنان، به تو پناه می‌برم»^(۱).

۵۸- «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي

دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ»، یعنی: «بار الها، دینم را که نگه‌دارنده من از بدی‌هاست اصلاح بفرما، و دنیایم را که زندگانی‌ام در آن است و آخرتم را که بازگشتم به سوی آن است، اصلاح بفرما؛ و زندگی را برای من موجب افزایش هر نیکی قرار بده و

(۱) بخاری به شماره ۶۳۴۷، و مسلم به شماره ۲۷۰۷، و لفظ آن این است، «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَعَوَّذُ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرْكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ، وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ». یعنی: «پیامبر صلی الله علیه وسلم به خداوند پناه می‌برد از شدت رنجِ بلا و بدبختی و قضا و سرنوشت بد و از خوشنودی و سرزنش دشمنان».

مرگ را برای من مایه راحتی و رهایی از همه بدی‌ها بگردان»^(۱).

۵۹- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى، وَالتَّقَى، وَالْعَفَافَ، وَالْغِنَى»، یعنی:

«بارالها، از تو هدایت و پرهیزگاری و پاکدامنی و بی‌نیازی را خواهانم»^(۲).

۶۰- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْبُخْلِ، وَالْهَرَمِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ اتِّ نَفْسِي تَقْوَاهَا، وَزَكَّهَا أَنْتَ خَيْرٌ مَنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيَّهَا وَمَوْلَاهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا»، یعنی: «خدایا!

همانا من از ناتوانی و تبلی و ترس و بخیلی و پیری و از عذاب قبر به تو پناه می‌برم، خدایا! به نفسم تقوا عطا فرما و آن را پاک گردان؛ که تو بهترین پاک‌کنندگان (نفس‌ها) هستی، تو مالک نفس من و صاحب و دوستدار آن هستی، خداوندا به تو پناه می‌آورم از علمی که سودی ندارد

(۱) روایت مسلم به‌شماره ۲۷۲۰.

(۲) روایت مسلم به‌شماره ۲۷۲۱.

و از قلبی که خشوع نمی‌کند و از نفسی که سیر نمی‌شود و از دعایی که به آن پاسخ داده نمی‌شود»^(۱).

۶۱- «اللَّهُمَّ اهْدِنِي وَسَلِّدْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالسَّادَاتِ»،

یعنی: «خدایا! مرا هدایت فرما و بر راه راست پایداری ده، خدایا من از تو هدایت و پایداری بر راه راست را خواهانم»^(۲).

۶۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ، وَفُجَاءَةِ

نِقْمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ»، یعنی: «بارالها، من از زوال نعمت تو و دگرگونی عافیتی که عطا کرده‌ای و از خشم [و عذاب] ناگهانی‌ات و از همه [انواع] خشم به تو پناه می‌برم»^(۳).

۶۳- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلْتُ، وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ أَعْمَلْ»،

یعنی: «خدایا! از شر آنچه انجام داده‌ام و از شر آنچه انجام نداده‌ام،

(۱) روایت مسلم به‌شماره ۲۷۲۲.

(۲) روایت مسلم به‌شماره ۲۷۲۵.

(۳) روایت مسلم به‌شماره ۲۷۳۹.

به تو پناه می‌برم»^(۱).

۶۴- «اللَّهُمَّ أَكْثِرْ مَالِي، وَوَلَدِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أُعْطَيْتَنِي، [وَأَطِلْ

حَيَاتِي عَلَى طَاعَتِكَ، وَأَحْسِنْ عَمَلِي،] وَاغْفِرْ لِي»، یعنی: «خدایا به مال

و فرزندان من بیفزای و در آنچه به من عطا کرده‌ای برکت قرار ده»^(۲)،

[«خدایا عمر مرا بر طاعت خود طولانی بگردان و اعمال مرا نیک کن]

و گناهان مرا بیامرزد»^(۳).

(۱) روایت مسلم به شماره ۲۷۱۶.

(۲) دلالت می‌کند بر این، دعای پیامبر صلی الله علیه وسلم برای انس بن مالک که فرمود:

«اللَّهُمَّ أَكْثِرْ مَالَهُ، وَوَلَدَهُ، وَبَارِكْ لَهُ فِيمَا أُعْطِيَتْهُ» یعنی: «خدایا مال و فرزندان او را زیاد کن

و برای او در آنچه عطا نموده‌ای برکت قرار ده». روایت بخاری به شماره ۱۹۸۲، و مسلم

به شماره ۶۶۰.

(۳) روایت بخاری در ادب مفرد به شماره ۶۵۳، و شیخ آل‌بانی در سلسله احادیث صحیح

به شماره ۲۲۴۱، و صحیح ادب مفرد ص ۲۴۴ آنرا صحیح دانسته است، و آنچه در بین

پراتز قرار دارد دلالت می‌کند به آن، این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم که وقتی از

ایشان پرسیده شد بهترین مردم چه کسی است؟ فرمودند: «کسی که عمرش طولانی و

اعمالش نیک شود» روایت ترمذی به شماره ۲۳۲۹، و احمد به شماره ۱۷۷۱۶، و شیخ آل‌بانی

۶۵- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ»، یعنی: «معبودی به حق نیست، مگر الله بزرگ مرتبه و بردبار. معبودی به حق نیست، مگر پروردگار عرش بزرگ، معبودی به حق نیست، مگر پروردگار آسمان‌ها و زمین و صاحب عرش بزرگ»^(۱).

۶۶- «اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»، یعنی: «بارالها، به رحمت تو امیدوارم، پس یک چشم بر هم زدن هم مرا به نفسم وامگذار؛ و همه‌ی کارهایم را اصلاح بفرما؛ معبود بر حقى جز تو نیست»^(۲).

در صحیح سنن ترمذی ۲/۲۷۱ آنرا صحیح دانسته است، و از شیخ و استاد ما شیخ ابن باز رحمه الله در مورد این دعا پرسیدم که آیا خواندن آن سنت است؟ ایشان پاسخ دادند: «آری».

(۱) روایت بخاری به شماره ۶۳۴۵، و مسلم به شماره ۲۷۳۰.

(۲) روایت ابوداود به شماره ۵۰۹۰، و احمد ۲/۴۲، و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن ابوداود ۳/۲۵۰، و صحیح ادب مفرد ۲۶۰ آنرا حسن دانسته است، و شیخ ابن باز نیز در تحفه

۶۷- «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»، یعنی: «[پروردگارا،] هیچ معبودی [به حق] جز تو نیست، تو منزهی، بی تردید، من از ستمکاران بوده‌ام»^(۱).

۶۸- «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ، عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رِيعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجَلَاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي»، یعنی: «بارالها، من بنده تو هستم، فرزند بنده‌ی تو، فرزند کنیز تو، پیشانی من به دست توست، حکم تو در مورد من نافذ و جاری

الاخيار ص ۲۴ آنرا حسن دانسته است.

(۱) روایت ترمذی به شماره ۳۵۰۵، و حاکم آنرا صحیح دانسته و ذهبی با وی موافقت کرده است، و شیخ آلبنی در صحیح سنن ترمذی ۱۶۸/۳ آنرا صحیح دانسته است و لفظ آن چنین است: «دَعَا ذَوَالنُّونَ [يُونُسَ] فِي شَكَمِ مَاهِي (أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ) [الأنبياء: ۸۷] هیچ مسلمانی در چیزی آنرا نمی‌خواند مگر اینکه خداوند دعایش را اجابت می‌کند».

است، قضاوت تو در حق من عادلانه است؛ از تو به واسطه هر اسمی که برای توسل و خود را به آن نامیدی یا در کتابت نازل نمودی یا به یکی از مخلوقات آموختی یا نزد خود در علم غیب باقی گذاشتی، می‌خواهم که قرآن را بهار قلبم و نور سینه‌ام و برطرف‌کننده اندوهم و از بین برنده نگرانی‌ام قرار دهی»^(۱).

۶۹- «اللَّهُمَّ مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ صَرِّفْ قُلُوبَنَا عَلَى طَاعَتِكَ»، یعنی:

«خدایا، ای گرداننده دل‌ها! دلم را به سوی طاعتت بگردان»^(۲).

۷۰- «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»، یعنی: «ای گرداننده

و دگرگون‌کننده دل‌ها، قلب مرا بر دین خود پایدار بگردان»^(۳).

(۱) احمد ۳۹۱/۱، ۴۵۲، و حاکم ۵۰۹/۱، و حافظ در تخریج اذکار آنرا حسن دانسته و شیخ آل‌بانی در تخریج الکلم الطیب ص ۷۳ آنرا صحیح دانسته است.

(۲) روایت مسلم به شماره ۲۶۵۴.

(۳) روایت ترمذی به شماره ۳۵۲۲، و احمد ۱۸۲/۴، و حاکم ۵۲۵/۱، و ۵۲۸، و آنرا صحیح دانسته و ذهبی با وی موافقت کرده است، و شیخ آل‌بانی در صحیح الجامع ۳۰۹/۶ و صحیح سنن ترمذی ۱۷۱/۳ آنرا صحیح دانسته است، و ام سلمه رضی الله عنها روایت

۷۱- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»، یعنی: «خدایا من

از تو عافیت در دنیا و آخرت را می خواهم»^(۱).

۷۲- «اللَّهُمَّ أَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، وَأَجِرْنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا

وَعَذَابِ الْآخِرَةِ»، یعنی: «خدایا فرجام ما را در همه امور نیک بگردان،

و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت پناه بده»^(۲).

کرده است که: «بیشترین دعای پیامبر صلی الله علیه وسلم این بوده است».

(۱) روایت ترمذی به شماره ۳۵۱۴، و بخاری در ادب المفرد به شماره ۷۲۶، و لفظ ترمذی

چنین است: «(سَلُوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) یعنی: «از خداوند عافیت در دنیا و

آخرت را بخواهید» و در یک لفظ: «(سَلُوا اللَّهَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فَإِنَّ أَحَدًا لَمْ يُعْطَ بَعْدَ الْيَقِينِ

خَيْرًا مِنَ الْعَافِيَةِ) یعنی: «از خداوند عفو و عافیت را بخواهید، زیرا هیچ کسی بعد از یقین

خیری مانند عافیت به او داده نشده است» و شیخ آلبنی در صحیح سنن ابن ماجه ۱۸۰/۳،

و ۱۸۵/۳، و ۱۷۰/۳ آنرا صحیح دانسته است، و این روایت شواهدی نیز دارد، نگا: مسند

امام احمد به ترتیب احمد شاکر ۱۵۶/۱-۱۵۷.

(۲) احمد ۸۱/۴، و طبرانی در الکبیر ۱۱۶۹/۳۳/۲، و در دعاء به شماره ۱۴۳۶، و ابن حبان

به شماره ۲۴۲۴، ۲۴۲۵، (موارد) و حافظ هیشمی در مجمع الزوائد ۱۷۸/۱۰ گفته است:

«رجال احمد و یکی از سندهای طبرانی ثقة هستند».

۷۳- «رَبِّ أَعِنِّي وَلَا تُعِنِّ عَلَيَّ، وَانصُرْنِي وَلَا تَنْصُرْ عَلَيَّ، وَامْكُرْ لِي وَلَا تَمْكُرْ عَلَيَّ، وَاهْدِنِي وَيَسِّرِ الْهَدَى إِلَيَّ، وَانصُرْنِي عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيَّ، رَبِّ اجْعَلْنِي لَكَ شَكَارًا، لَكَ ذَكَرًا، لَكَ رَهَابًا، لَكَ مَطْوَعًا، إِلَيْكَ مُخْبِتًا أَوْاهًا مُنِيبًا، رَبِّ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي، وَاغْسِلْ حَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، وَثَبِّتْ حُجَّتِي، وَاهْدِ قَلْبِي، وَسَدِّدْ لِسَانِي، وَاسْلُلْ سَخِيمَةَ قَلْبِي»، یعنی: «خدایا مرا یاری کن و [دشمنان را] بر علیه من یاری نکن، و مرا پیروز کن و [دشمنان را] علیه من پیروز نگردان و برای من تدبیر کن و [برای دشمنان] علیه من تدبیر نکن، و مرا هدایت کن و هدایت را برای من میسر گردان و مرا بر کسی که به من تعدی نموده پیروز بگردان، خداوندا مرا برای خود بسیار شکرگزار، بسیار ذکر کننده، بسیار ترسا، و بسیار پیرو و بازگشته و توبه کننده به درگاه خود قرار ده، خدایا توبه مرا بپذیر، اشتباهاتم را بشوی و پاک کن، و دعایم را اجابت نما، و حجت مرا ثابت بگردان، و قلبم را هدایت کن، و زبانم را به گفتار درست

راهنمایی کن و بدی‌های قلبم را از من دور کن»^(۱).

۷۴- «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْنَاكَ مِنْهُ نَبِيَّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ نَبِيَّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، وَعَلَيْكَ الْبَلَاغُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»،
یعنی: «خدایا ما از تو بهترین آنچه که بنده و پیامبرت محمد صلی الله علیه وسلم از تو خواسته است، می‌خواهیم. و به تو پناه می‌آوریم از بدترین آنچه که بنده و پیامبرت محمد صلی الله علیه وسلم از آن پناه جسته است، تو یاری‌گری و ابلاغ برتوست، و هیچ حول و قدرتی جز با الله وجود ندارد»^(۲).

(۱) روایت بخاری در الادب المفرد به شماره ۶۶۴، و ۶۶۵. و ابوداود به شماره ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، و ترمذی به شماره ۳۵۵۱، و ابن ماجه به شماره ۳۸۳۰، و احمد ۱/۱۲۷، و حاکم و آنرا صحیح دانسته و ذهبی با وی موافقت کرده است ۱/۵۱۹، و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن ابوداود ۱/۴۱۴ و صحیح سنن ترمذی ۳/۱۷۸ آنرا صحیح دانسته است.

(۲) روایت ترمذی به شماره ۳۵۲۱، و ابن ماجه به شماره ۳۸۴۶، به معنای آن، و ترمذی گفته است: «این حدیث حسن غریب است» و شیخ آل‌بانی در ضعیف سنن ترمذی

۷۵- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ سَمْعِي، وَمِنْ شَرِّ بَصَرِي، وَمِنْ شَرِّ

لِسَانِي، وَمِنْ شَرِّ قَلْبِي، وَمِنْ شَرِّ مَنِيٍّ»، یعنی: «بار الها! به تو پناه می آورم

از شر شنوایی و از شر بینایی و از شر زبانم و از شر قلبم و از شر منی ام

[یعنی: تمایل جنسی ام]^(۱).

۷۶- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُنُونِ، وَالْجَذَامِ، وَمِنْ سَيِّئِ

الْأَسْقَامِ»، یعنی: «پروردگارا! از پستی و دیوانگی و جذام، و از

بیماری های سخت به تو پناه می برم»^(۲).

ص ۳۸۷ آنرا ضعیف دانسته است.

(۱) روایت ابوداود به شماره ۱۵۵۱، و ترمذی به شماره ۳۴۹۲، و نسائی به شماره ۵۴۷۰، و دیگران، و شیخ آلبنی در صحیح سنن ترمذی ۱۶۶/۳، و صحیح سنن نسائی ۱۱۰۸/۳ آنرا صحیح دانسته است.

(۲) روایت ابوداود به شماره ۱۵۵۴، و نسائی به شماره ۵۴۹۳، و احمد ۱۹۲/۳، و شیخ آلبنی در صحیح سنن نسائی ۱۱۱۶/۳ و صحیح سنن ترمذی ۱۸۴/۳ آنرا صحیح دانسته است.

۷۷- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَعْمَالِ،

وَالْأَهْوَاءِ»، یعنی: «پروردگارا! از اخلاق و اعمال و هواهای نفسانی زشت و ناپسند به تو پناه می‌برم»^(۱).

۷۸- «اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ كَرِيمٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي»، یعنی: «خدایا!

تو بخشنده‌ای و بخشنندگی را دوست داری، پس مرا ببخش و بیامرز»^(۲).

۷۹- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ، وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ، وَحُبَّ

الْمَسَاكِينِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي، وَتَرْحَمَنِي، وَإِذَا أَرَدْتَ فِتْنَةَ قَوْمٍ فَتَوَفَّنِي غَيْرَ مُفْتُونٍ، وَأَسْأَلُكَ حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَحُبَّ عَمَلٍ يَقْرِبُنِي إِلَى حُبِّكَ»،

یعنی: «خدایا من از تو درخواست انجام کارهای نیکو، و ترک کارهای ناشایست، و محبت به فقرا را دارم. و از تو می‌خواهم که مرا ببخشی و

(۱) روایت ترمذی به شماره ۳۵۹۱، و ابن حبان به شماره ۲۴۲۲ (موارد) و حاکم ۵۳۲/۱، و طبرانی در الکبیر ۳۶/۱۹/۱۹، و شیخ آلبانی در صحیح سنن ترمذی ۱۸۴/۳ آنرا صحیح دانسته است.

(۲) روایت ترمذی به شماره ۳۵۱۳، و نسائی در الکبری به شماره ۷۷۱۲، و شیخ آلبانی در صحیح سنن ترمذی ۱۷۰/۳ آنرا صحیح دانسته است.

به من رحم کنی، و زمانی که اراده کنی که فتنه‌ای برای مردم پیش آید، در حالی که گرفتار آن فتنه نشده‌ام، جانم را بگیر. و از تو می‌خواهم محبتت را و محبت کسانی که تو را دوست دارند، و محبت هر کاری که مرا به محبت تو نزدیک کند را به من عطا کن»^(۱).

۸۰- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ: عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ شَرِّ [مَا اسْتَعَاذَ بِكَ] [مِنْهُ] عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ، وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ كُلَّ قَضَاءٍ قَضَيْتَهُ لِي خَيْرًا»، یعنی: «بار الها، همه خیر

(۱) روایت احمد با این لفظ ۲۴۳/۵، و ترمذی به شماره ۳۲۳۵ به همانند آن، و آنرا حسن دانسته است، و گفته است که: از محمد بن اسماعیل -یعنی بخاری- پرسیدم و ایشان گفت: «این حدیث حسن صحیح است» و در آخر حدیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «این حق است آنرا بیاموزید و آموزش دهید» و حاکم ۵۲۱/۱، و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن ترمذی ۳۱۸/۳ آنرا صحیح دانسته است.

و خوبی‌ها را از تو خواهانم، خوبی‌های حال و آینده را؛ آنهایی که دانستم و آنهایی را که ندانستم؛ و از همه شر و بدی‌های حال و آینده به تو پناه می‌جویم، آنهایی که دانستم و آنهایی را که ندانستم. بار اله‌ها، همان خیر و خوبی‌هایی را از تو خواهانم که بنده و پیامبرت از تو خواسته است و از همان شر و بدی‌هایی به تو پناه می‌جویم که بنده و پیامبرت از آنها به تو پناه آورده است؛ بار اله‌ها، از تو بهشت و هر سخن یا عملی را می‌خواهم که مرا به بهشت نزدیک می‌گرداند و از آتش دوزخ و هر سخن یا عملی به تو پناه می‌آورم که مرا به آن نزدیک گرداند؛ و از تو می‌خواهم هر آنچه برایم مقدر نمودی، خیر و خوبی باشد»^(۱).

۸۱- «اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِالْإِسْلَامِ قَائِمًا، واحْفَظْنِي بِالْإِسْلَامِ قَاعِدًا، واحْفَظْنِي بِالْإِسْلَامِ رَاقِدًا، وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ»،

(۱) روایت ابن ماجه به شماره ۳۸۴۶، با این لفظ و احمد ۱۳۴/۶ و لفظ زیاده دوم از اوست، و حاکم آنرا صحیح دانسته و ذهبی با وی موافقت کرده است ۵۲۱/۱، و لفظ زیاده اولی از اوست و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن ابن ماجه ۳۲۷/۲ آنرا صحیح دانسته است.

یعنی: «خداوند! مرا در حالت ایستاده و نشسته و خوابیده بر اسلام محافظت کن، و هیچ دشمن و حسودی را در حق من شادمان مکن، بار الها! هر نوع خیری را از تو می‌خواهم که تو صاحب خزینه‌های همه خیرها هستی، و از هر شری به تو پناه می‌برم که تو صاحب خزینه‌های آن هستی»^(۱).

۸۲- «اللَّهُمَّ اَقِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا تَحُولُ بِهِ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتِكَ، وَمِنْ الْيَقِينِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيْنَا مَصَائِبَ الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ مَتَّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَقُوَّتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا، وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَأْرَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا، وَانْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا»، یعنی: «خدایا! ما را چنان بهره‌ای از خشیت خود عطا فرما که با آن ما را از نافرمانی خود، باز داری و چنان طاعتی به ما

(۱) روایت حاکم ۵۲۵/۱ و آنرا صحیح دانسته و ذهبی با وی موافقت کرده است، و شیخ آل‌بانی در صحیح الجامع ۳۹۸/۲ و در سلسله احادیث صحیحہ ۵۴/۴ به شماره ۱۵۴۰ آنرا حسن دانسته است.

نصیب بفرما که با آن ما را به بهشت خود، درآوری و چنان یقینی به ما عنایت بفرما که با آن، مشکلات دنیا را برایمان آسان گردانی، خدایا! تا ما را زنده نگه داشته‌ای، ما را از شنوایی، بینایی و قدرتمان، بهره مند بدار، و آن را وارث ما بگردان، انتقام ما را از کسانی که بر ما ستم کرده‌اند، بگیر و ما را در مقابل کسانی که به ما تجاوز کرده‌اند، یاری فرما و بلا و مصیبت ما را در دین ما قرار مده و دنیا را بزرگ‌ترین دغدغه و منتهای دانش ما، مگردان، و کسانی که به ما رحم نمی‌کنند، بر ما مسلط نگردان»^(۱).

۸۳- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْقَبْرِ»،
یعنی: «پروردگارا! من از بزدلی و بخل به تو پناه می‌برم، و از اینکه به

(۱) روایت ترمذی به شماره ۳۵۰۲، و حاکم ۵۲۸/۱ و آنرا صحیح دانسته و ذهبی با وی موافقت کرده است، و ابن السنی به شماره ۴۴۶، و شیخ آلبنی در صحیح سنن ترمذی ۱۶۸/۳ و صحیح الجامع ۴۰۰/۱ آنرا حسن دانسته است.

عَلَّتْ پیری، سست و درمانده شوم، به تو پناه می‌برم، و از آزمایش‌های سخت دنیا و عذاب قبر به تو پناه می‌برم»^(۱).

۸۴- «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَجَهْلِي، وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي هَزْلِي، وَجِدِّي، وَخَطْئِي، وَعَمْدِي، وَكُلَّ ذَلِكَ عِنْدِي»، یعنی: «پروردگارا! خطا و جهل و زیاده روی در کارهایم و آنچه که تو نسبت به آن از من داناتر هستی را، ببخش، خداوندا! اعمال جدی، شوخی، اشتباه و عمدی مرا ببخش، و من همه‌ی این‌ها را مرتکب شده‌ام»^(۲).

۸۵- «اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»، یعنی: «خداایا! همانا من به خود ظلم کردم، ظلمی بسیار زیاد و جز تو کسی گناهان را نمی‌آمرزد، پس مرا بیامرزد، آمرزشی از جانب خودت و به من

(۱) روایت بخاری به شماره ۲۸۲۲.

(۲) متفق علیه، بخاری به شماره ۶۳۹۸، و مسلم به شماره ۲۷۱۹.

رحم فرما. همانا تو بسیار آمرزنده و مهربانی»^(۱).

۸۶- «اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أَنَبْتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُضِلَّنِي، أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْجِنُّ وَالْإِنْسُ يَمُوتُونَ»، یعنی: «خداوند!، تسلیم تو شدم، به تو ایمان آورده‌ام، بر تو توکل کرده‌ام، به سوی تو برگشته‌ام، و به تو در همه امورم احتجاج می‌کنم. به عزت تو پناه می‌آورم از اینکه مرا گمراه سازی. هیچ معبودی به حق جز تو نیست، تویی که زنده‌ای و نمی‌میری، در حالی که جنیان و انسان‌ها می‌میرند»^(۲).

۸۷- «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ»، یعنی: «خدایا ما از تو می‌خواهیم چیزی که موجب رحمت شود، و ارادات برای آمرزش، و ایمنی از هر گناه، و بهره‌مندی از هر

(۱) متفق علیه، بخاری به شماره ۸۳۴، و مسلم به شماره ۲۷۰۵.

(۲) متفق علیه: بخاری به شماره ۶۳۹۸، و مسلم به شماره ۲۷۱۹.

عمل نیکو، و موفقیت در رسیدن به بهشت، و نجات از آتش جهنم»^(۱).

۸۸- «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ»، یعنی: «خدایا مردان و

زنان مؤمن را ببامرز»^(۲).

۸۹- «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا

رَزَقْتَنِي»، یعنی: «خداوند! گناه من را ببامرز و خانه ام را وسیع گردان و

روزیم را برکت و فزونی بخش»^(۳).

(۱) حاکم ۵۲۵/۱ و آنرا صحیح دانسته است و ذهبی با وی موافقت کرده است، و بیهقی در الدعوات به شماره ۲۰۶، و نگا: الاذکار نووی ص ۳۴۰، و عبدالقادر آرناؤوط محقق الاذکار آنرا حسن دانسته است.

(۲) به دلیل حدیث عبادہ رضی اللہ عنہ کہ شنیدم کہ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هر کس برای مردان و زنان مؤمن آمرزش بطلبد خداوند در ازای هر مرد و زن مؤمن برای او یک نیکی می نویسد»، روایت طبرانی در الکبیر ۲۰۲/۵ به شماره ۵۰۹۲، و ۳۳۴/۳ به شماره ۲۱۵۵، و هیشمی در مجمع الزوائد ۲۱۰/۱۰ سند آنرا جید دانسته، و شیخ آلبنی در صحیح الجامع ۲۴۲/۵ به شماره ۵۹۰۲ آنرا حسن دانسته است.

(۳) روایت احمد به شماره ۱۶۵۹۹، و شماره ۲۳۱۱۴، و شماره ۲۳۱۸۸، و ترمذی به شماره ۳۵۰۰، و محققان مسند گفته اند: «حسن لغیره است» ۲۷۱۴۴، ۱۹۷/۳۸، ۱۴۵/۳۸.

۹۰- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ؛ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا إِلَّا

أَنْتَ»، یعنی: «خداوندا! فضل و رحمت تو را می‌خواهم؛ چرا که فقط تو صاحب آن هستی»^(۱).

۹۱- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَرَمِ، وَالتَّرَدِّي، وَالْهَدْمِ، وَالْعَمِّ، وَالْغَرَقِ، وَالْحَرَقِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَتَخَبَّطَنِي الشَّيْطَانُ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ فِي سَبِيلِكَ مُدْبِرًا، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ لَدِيغًا»، یعنی: «پروردگارا از آفات پیری و از بلندی پرتاب شدن و زیر آوار رفتن، و از غم و اندوه، و از غرق شدن و سوختگی به تو پناه می‌برم، و به تو پناه می‌برم از اینکه در لحظه‌ی مرگ شیطان مرا گمراه کند، و به تو پناه می‌برم از اینکه در حالتی که از راه تو رو برگردانده‌ام بمیرم، و به تو پناه می‌برم از اینکه بر اثر مارگزیدگی بمیرم»^(۲).

(۱) روایت طبرانی، و هیشمی در مجمع الزوائد ۱۵۹/۱۰ گفته است که «رجال سند آن رجال صحیح هستند مگر محمد بن زیاد که او هم ثقة است» و شیخ آل‌بانی در صحیح الجامع ۴۰۴/۱ به شماره ۱۲۷۸ آنرا صحیح دانسته است.

(۲) روایت ابوداود به شماره ۱۵۵۲، و نسائی به شماره ۵۵۳۱، و شماره ۵۵۳۲، و شیخ آل‌بانی

۹۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ؛ فَإِنَّهُ يَنْسُ الضَّجِيعُ، وَأَعُوذُ بِكَ

مِنَ الْخِيَانَةِ؛ فَإِنَّهَا يَنْسُتِ الْبِطَانَةُ»، یعنی: «خداوندا! به تو پناه می‌برم از گرسنگی؛ زیرا همبستر بدی است، و به تو پناه می‌برم از خیانت؛ چراکه همنشین بدی است»^(۱).

۹۳- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْبُخْلِ، وَالْهَرَمِ، وَالْقَسْوَةِ، وَالْغَفْلَةِ، وَالْعَيْلَةِ، وَالذُّلَّةِ، وَالْمَسْكَنَةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَالْكَفْرِ، وَالْفُسُوقِ، وَالشَّقَاقِ، وَالنِّفَاقِ، وَالسُّمْعَةِ، وَالرِّيَاءِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الصَّمَمِ، وَالْبَكَمِ، وَالْجُنُونِ، وَالْجُدَامِ، وَالْبَرَصِ، وَسَيِّئِ الْأَسْقَامِ»، یعنی: «پروردگارا! من از ناتوانی و سستی، بزدلی و بخل، پیری و سنگدلی و بی‌توجهی و نیازمندی و خواری و بینوایی به تو پناه می‌برم. و به تو پناه می‌برم از فقر و کفر و فسق و شقاق و نفاق و

در صحیح سنن نسائی ۱۱۲۳/۳، و صحیح سنن ابوداود ۴۲۵/۱ آنرا صحیح دانسته است.

(۱) روایت ابوداود به شماره ۱۵۴۷، و نسائی به شماره ۵۴۸۳، و شیخ آلبنی در صحیح سنن

نسائی ۱۱۱۲/۳ آنرا حسن دانسته است.

خودنمایی و ریا. و به تو پناه می‌برم از کُری و لال شدن و دیوانگی و بیماری جذام و پِسی و بیماری‌های خطرناک و ناگوار»^(۱).

۹۴- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَالْقِلَّةِ، وَالذَّلَّةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ

أُظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ»، یعنی: «خداوندا! از فقر و تنگدستی و خواری به تو پناه

می‌برم. و از اینکه ظلم کنم یا مورد ظلم قرار گیرم، به تو پناه می‌برم»^(۲).

۹۵- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَارِ السُّوءِ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ؛ فَإِنَّ جَارَ

الْبَادِيَةِ يَتَحَوَّلُ»، یعنی: «خداایا! از همسایه‌ی بد، در محل اقامتگاهم

[یعنی دنیا] به تو پناه می‌برم، چرا که همسایه صحرا (چادرنشین) تغییر

(۱) روایت نسائی به شماره ۵۴۹۳، و حاکم ۵۳۰/۱، و شیخ آل‌بانی در صحیح الجامع ۴۰۶/۱، و ارواء الغلیل به شماره ۸۵۲ آنرا صحیح دانسته است.

(۲) روایت ابوداود به شماره ۱۵۴۴، و نسائی به شماره ۵۴۷۵، و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن نسائی ۱۱۱۱/۳، و صحیح الجامع ۴۰۷/۱ آنرا صحیح دانسته و آنچه در بین پرائتز آمده لفظ ابن حبان در (الموارد) است و شیخ آل‌بانی در صحیح موارد الظمان ۴۵۵/۲ آنرا صحیح دانسته است.

می‌کند»^(۱).

۹۶- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعِ»، یعنی: «خداوندا! به تو پناه می‌آورم از دلی که خشوع نیابد، و از دعایی که شنیده نشود (به اجابت نرسد)، و از نفسی که سیر نشود، و از دانشی که سود نبخشد، و از همه این موارد چهار گانه به تو پناه می‌برم»^(۲).

۹۷- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمِ السُّوءِ، وَمِنْ لَيْلَةِ السُّوءِ، وَمِنْ سَاعَةِ السُّوءِ، وَمِنْ صَاحِبِ السُّوءِ، وَمِنْ جَارِ السُّوءِ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ»، یعنی:

(۱) روایت بخاری در الادب المفرد به شماره ۱۱۷، و حاکم ۵۳۲/۱، و آنرا صحیح دانسته و ذهبی با وی موافقت کرده است، و روایت نسائی به شماره ۵۵۱۷ و شیخ آلبنی در صحیح الجامع ۴۰۸/۱ و صحیح سنن نسائی ۱۱۱۸/۳ آنرا صحیح دانسته است.

(۲) روایت ترمذی به شماره ۳۴۸۲، و ابوداود به شماره ۱۵۴۹، و شیخ آلبنی در صحیح الجامع به شماره ۱۲۹۵ و صحیح سنن نسائی ۱۱۱۳/۳ آنرا صحیح دانسته است.

«خدایا! از روز بد و شب بد، و از ساعت بد و از همنشین بد و همسایه بد، در محل اقامتگاهم به تو پناه می‌برم»^(۱).

۹۸- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَاسْتَجِيرُ بِكَ مِنَ النَّارِ»، یعنی:

«خداوندا من از تو بهشت را خواهانم و از آتش به تو پناه می‌آورم»^(۲).
(سه مرتبه می‌گوید).

۹۹- «اللَّهُمَّ فَتِّهِني فِي الدِّينِ»، یعنی: «خدایا مرا در دین فقیه و آگاه بگردان»^(۳).

(۱) روایت طبرانی، و هیشمی در مجمع الزوائد ۱۴۴/۱۰ گفته است: «رجال آن رجال صحیح هستند» و شیخ آل‌بانی در صحیح الجامع ۴۱۱/۱ به‌شماره ۱۲۹۰ آن‌را حسن دانسته است.

(۲) روایت ترمذی به‌شماره ۲۵۷۲، و ابن ماجه به‌شماره ۳۳۴۰، و نسائی به‌شماره ۵۵۳۶، و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن ترمذی ۳۱۹/۲، و صحیح سنن نسائی ۱۱۲۱/۳ آن‌را صحیح دانسته است و لفظ آن چنین است: «هر کسی سه مرتبه از خداوند بهشت را بخواهد، بهشت می‌گوید: خدایا او را وارد بهشت کن. و هر کسی سه بار از دوزخ به خداوند به پناه ببرد، دوزخ می‌گوید: خدایا او را از آتش دوزخ نجات ده».

(۳) بر آن دلالت می‌کند روایت بخاری و مسلم در دعای پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ابن عباس رضی الله عنهما. روایت بخاری به‌شماره ۱۴۳، و مسلم به‌شماره ۲۴۷۷.

۱۰۰- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا

أَعْلَمُ»، یعنی: «بارالها، من از اینکه دانسته به تو شرک بورزم به تو پناه می‌آورم، و برای آنچه ندانسته به تو شرک بورزم از تو آمرزش می‌خواهم»^(۱).

۱۰۱- «اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي، وَعَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي، وَزِدْنِي عِلْمًا»،

یعنی: «خدایا مرا از آنچه به من آموخته‌ای بهره‌مند کن، و آنچه به من سود می‌رساند به من بیاموز، و بر علمم بیفز»^(۲).

۱۰۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا طَيِّبًا، وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا»،

یعنی: «بارالها، من از تو علمی سودمند و مفید و رزقی پاک و حلال و

(۱) روایت احمد ۴/۴۰۳، و ابن ابی شیبہ ۱۰/۳۳۷، و طبرانی در المعجم الاوسط ۴/۲۸۴، و شیخ آل‌بانی در صحیح ترغیب و ترهیب ۱/۱۹ آنرا حسن دانسته است.

(۲) روایت ترمذی به شماره ۳۵۹۹، و ابن ماجه به شماره ۲۵۹، و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن ابن ماجه ۱/۴۷ آنرا صحیح دانسته است.

عملی پذیرفته شده می‌خواهم»^(۱).

۱۰۳- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ بِأَنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ، الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»، یعنی: «بارالها، یا الله، من از تو که یکتا و یگانه و بی‌نیازی و نه زاده‌ای و نه زاده شده‌ای و هیچ همتایی نداری، می‌خواهم و مسالت دارم که گناهانم را بیامرزی که تو بسیار آمرزنده‌ی مهربانی»^(۲).

۱۰۴- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ [وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ] الْمَنَّانُ [يَا] بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، إِنِّي أَسْأَلُكَ [الْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ]»، یعنی: «بارالها، من از تو می‌خواهم و مسالت دارم، چون همه حمد و ستایش‌ها برای توست که معبود بر حقی جز تو نیست، [یکتایی و شریکی برای تو

(۱) روایت ابن ماجه به شماره ۹۲۵، و نسائی در عمل اليوم والليلة به شماره ۱۰۲، و احمد ۲۹۴/۶، و ۳۰۵، و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن ابن ماجه ۱۵۲/۱ آنرا صحیح دانسته است.

(۲) روایت نسائی به شماره ۱۳۰۰، و نسائی در الکبری به شماره ۷۶۶۵، و ابوداود به شماره ۹۸۵، و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن نسائی ۱۴۷/۱ آنرا صحیح دانسته است.

نیست] ای نعمت‌دهنده بخشنده، ای آفریننده آسمان‌ها و زمین، ای صاحب عظمت و کبریایی، و ای زنده و ای برپادارنده هر چیز، من از تو بهشت را می‌خواهم و از دوزخ به تو پناه می‌آورم»^(۱).

۱۰۵- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ، الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ، وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»، یعنی: «بارالها، من از تو می‌خواهم و مسالت دارم؛ به این واسطه که گواهی می‌دهم تو الله هستی و هیچ معبود بر حقی جز تو نیست، یکتا و بی‌نیازی هستی که نه زاده و نه زاده شده است و هیچ هم‌تا و مثل ومانندی برای او نیست»^(۲).

۱۰۶- «رَبِّ اغْفِرْ لِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الْعَفُورُ»، یعنی:

(۱) ابوداود به‌شماره ۱۴۹۵، و ابن ماجه به‌شماره ۳۸۵۸، و نسائی به‌شماره ۱۲۹۹، و ترمذی به‌شماره ۳۵۴۴، و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن نسائی ۲۷۹/۱، و صحیح سنن ابن ماجه ۳۲۹/۲ آنرا صحیح دانسته است.

(۲) روایت ابوداود به‌شماره ۹۸۵، و ترمذی به‌شماره ۳۴۷۵، و ابن ماجه به‌شماره ۳۸۵۷، و احمد ۳۶۰/۵، و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن ترمذی ۱۶۳/۳ آنرا صحیح دانسته است.

«خدایا مرا بیامرز و توبه مرا بپذیر، همانا که تو بسیار توبه‌پذیر و بسیار آمرزنده‌ای»^(۱).

۱۰۷- «اللَّهُمَّ بِعِلْمِكَ الْغَيْبِ، وَقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ، أَحْيِنِي مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي، وَتَوَفَّنِي إِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، وَأَسْأَلُكَ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ، وَأَسْأَلُكَ الْقَصْدَ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَأَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَنْفَدُ، وَأَسْأَلُكَ قُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ، وَأَسْأَلُكَ الرِّضَا بَعْدَ الْقَضَاءِ، وَأَسْأَلُكَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَأَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، وَالشَّوْقَ إِلَى لِقَائِكَ، فِي غَيْرِ ضَرَاءٍ مُضِرَّةٍ، وَلَا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ، اللَّهُمَّ زَيِّنَا بِزِينَةِ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْنَا هُدَاةً مُهْتَدِينَ»، یعنی: «بارالها، به واسطه علم غیب خود و قدرتی که بر خلق داری، مادامی که زنده بودن برای من خیر است، زنده‌ام بدار و آنگاه

(۱) روایت ابوداود به شماره ۱۵۱۸، و ترمذی به شماره ۳۴۳۴، و لفظ از اوست، و نسائی در الکبری به شماره ۱۰۲۹۲، و ابن ماجه به شماره ۳۸۱۴، و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن ابن ماجه ۳۲۱/۲ و صحیح سنن ترمذی ۱۵۳/۳ آنرا صحیح دانسته است.

که مردن برای من خیر است، مرا بمیران؛ بارالها، من از تو ترس از تو در
نهان و آشکار را خواهانم؛ و از تو سخن حق در وقت رضایت و آرامش
و خشم را می‌خواهم؛ و از تو میانه‌روی در فقر و ثروت را خواستارم؛ و
از تو نعمتی را می‌خواهم که از بین نرود؛ و از تو خنکی چشمی را
می‌خواهم که تمام نشود؛ و از تو رضایت بعد از قضاء و قدر را
می‌خواهم؛ و از تو زندگی خوب و سعادت‌مند بعد از مرگ را خواهانم؛
و از تو لذت نگاه کردن به رویت و شوق دیدارت را خواستارم، بی‌آنکه
ضرر و زیانی متوجه من شود و با فتنه‌ای گمراه‌کننده مواجه شوم؛
بارالها، ما را به زینت ایمان آراسته بگردان و ما را هدایت‌گرانی هدایت‌یافته
قرار بده»^(۱).

۱۰۸- «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يَنْفَعُنِي حُبُّهُ عِنْدَكَ، اللَّهُمَّ مَا
رَزَقْتَنِي مِمَّا أَحَبُّ فَاجْعَلْهُ قُوَّةً لِي فِيْمَا تُحِبُّ، اللَّهُمَّ مَا رَزَوَيْتَ عَنِّي مِمَّا

(۱) روایت نسائی به شماره ۱۳۰۵، و احمد ۴/۲۶۴، و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن نسائی
۲۸۰/۱، و ۲۸۱/۱ آن را صحیح دانسته است.

أَحِبُّ فَاجْعَلْهُ فَرَاغًا لِي فِيمَا تُحِبُّ، یعنی: «خدایا محبت خودت را، و محبت کسی که محبت او نزد تو به من سود می‌رساند را روزی من کن. خدایا از هر آنچه دوست دارم به من عطا کردی، آن را قدرتی قرار ده برای من در آنچه که دوست داری. خدایا از هر آنچه دوست دارم از من دور کردی، آن را فرصتی برای من قرار ده در آنچه که دوست داری»^(۱).

۱۰۹- «اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا، اللَّهُمَّ تَقْنِي مِنْهَا كَمَا يُنْقَى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي بِالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ وَالْمَاءِ الْبَارِدِ»، یعنی: «خداوندا مرا از گناهان و اشتباهاتم پاک کن، خداوندا مرا از گناهانم بشوی چنانکه لباس سفید از چرک پاک می‌شود، خداوندا مرا با برف و آب تگرگ از گناهانم پاک کن»^(۲).

(۱) روایت ترمذی به شماره ۳۴۹۱، و آنرا حسن دانسته است، و شیخ عبدالقادر الارناؤوط گفته است: «همان گونه است که ترمذی گفته است» نگا: تحقیق وی بر جامع الاصول ۳۴۱/۴.

(۲) روایت مسلم به شماره ۴۷۶، و نسائی به شماره ۴۰۰.

۱۱۰- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَالْجُبْنِ، وَسُوءِ الْعُمُرِ، وَفِتْنَةِ

الصَّدْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ»، یعنی: «خدایا! همانا من از بخیلی و ترس و عمر

بد و فتنه و سواس بودن و عذاب قبر به تو پناه می‌برم»^(۱).

۱۱۱- «اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ، وَمِيكَائِيلَ، وَرَبَّ إِسْرَافِيلَ، أَعُوذُ بِكَ مِنَ

حَرِّ النَّارِ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ»، یعنی: «بارالها، ای پروردگار جبرئیل و

میکائیل و اسرافیل از گرمی آتش جهنم و عذاب قبر به تو پناه

می‌برم»^(۲).

(۱) نسائی به شماره ۵۴۶۹، و لفظ آن چنین است: «پیامبر صلی الله علیه وسلم از پنج چیز به خداوند پناه می‌برد: از بخیلی، از ترسو بودن، از عمر بد، از فتنه و سواس بودن، و از عذاب قبر» و روایت ابوداود به شماره ۱۵۳۹، و شیخ عبدالقادر ارناؤوط در تخریج جامع الاصول ۴/۳۶۳ آن را حسن دانسته است.

(۲) روایت نسائی به شماره ۱۳۴۴، و احمد ۶/۶۱، و بیهقی در الدعوات به شماره ۱۰۹، و شیخ آلبنی در صحیح سنن نسائی ۳/۱۱۲۱ و سلسله احادیث صحیحه به شماره ۱۵۴۴ آن را صحیح دانسته است.

۱۱۲- «اللَّهُمَّ اَلْهِنِي رُشْدِي، وَاعِزَّنِي مِنْ شَرِّ نَفْسِي»، یعنی: «خدایا

آگاهی و هدایت را به من الهام کن، و مرا از بدی نفسم پناه ده»^(۱).

۱۱۳- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ»،

یعنی: «خدایا من از تو علمی سودمند می‌خواهم و به تو پناه می‌برم از علمی که سودی ندارد»^(۲).

۱۱۴- «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ [السَّبْعِ] وَرَبَّ الْأَرْضِ، وَرَبَّ الْعَرْشِ

الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ

(۱) روایت ترمذی، و لفظ از اوست، به شماره ۳۴۸۳، و احمد همانند آنرا روایت کرده است ۱۹۷/۳۳، به شماره ۱۹۹۹۲، و حاکم ۵۱۰/۱، همانند آن، و آنرا صحیح دانسته و ذهبی با وی موافقت کرده است، و محققان مسند در مورد روایت احمد گفته‌اند: «سند آن صحیح و بر شرط شیخین است» ۱۹۷/۳۳، اما لفظ ترمذی را شیخ آل‌بانی در ضعیف سنن ترمذی ص ۳۹۷ ضعیف دانسته است.

(۲) روایت نسائی در الکبری به شماره ۷۸۶۷، به شماره ۳۸۴۳ و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن ابن ماجه ۳۲۷/۲ آنرا حسن دانسته است، و لفظ آن چنین است: «از خداوند علم سودمند بخواهید و به او از علمی که سود ندارد پناه ببرد».

فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ
فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، أَقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَآغْنِنَا مِنَ
الْفَقْرِ»، یعنی: «الهی! پروردگار آسمان‌ها [ی هفت گانه] و پروردگار
زمین، و پروردگار عرش بزرگ، پروردگار ما و همه چیز، شکافنده دانه
و هسته، و فرود آورنده تورات و انجیل و فرقان، از شر هر آنچه که در
دست توست به تو پناه می‌برم. خداوند! اول تویی، قبل از تو چیزی
نیست. و آخر تویی، بعد از تو چیزی نیست. تو آشکاری، و هیچ چیز
بالاتر از تو نیست. تو پنهانی، و هیچ چیز از تو نزدیک‌تر نیست. الهی!
قرض‌هایمان را ادا کن، و ما را از تنگدستی به غنا و توانگری برسان»^(۱).

۱۱۵- «اللَّهُمَّ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِنَا، وَأَصْلَحْ ذَاتَ بَيْنِنَا، وَاهْدِنَا سُبُلَ السَّلَامِ،
وَنَجِّنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَجَنِّبْنَا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ،
وَبَارِكْ لَنَا فِي أَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَقُلُوبِنَا، وَأَزْوَاجِنَا، وَذُرِّيَّاتِنَا، وَتُبْ عَلَيْنَا
إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَاجْعَلْنَا شَاكِرِينَ لِنِعْمِكَ مُشِينَ بِهَا عَلَيْكَ، قَابِلِينَ

(۱) روایت مسلم از ابوهریره رضی الله عنه به شماره ۲۷۱۳.

لَهَا، وَأَتِمِّمَهَا عَلَيْنَا»، یعنی: «خدایا میان دل‌های ما محبت ایجاد کن، و روابط ما را اصلاح کن، و ما را به راه‌های صلح هدایت کن، و از تاریکی‌ها به نور نجات ده، و ما را از فواحش، چه آشکار و چه پنهان، دور نگه دار. و برای ما در گوش‌هایمان، و چشم‌هایمان، و دل‌هایمان، و همسرانمان، و فرزندانمان برکت قرار بده. و به ما توفیق توبه بده، که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی. و ما را شاکر نعمت‌هایت قرار ده، تا با ذکر آن‌ها تو را ستایش کنیم و پذیرای آن‌ها باشیم، و نعمت‌هایت را بر ما کامل کن»^(۱).

۱۱۶- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَسْأَلَةِ، وَخَيْرَ الدُّعَاءِ، وَخَيْرَ النَّجَاحِ، وَخَيْرَ الْعَمَلِ، وَخَيْرَ الثَّوَابِ، وَخَيْرَ الْحَيَاةِ، وَخَيْرَ الْمَمَاتِ، وَتُبَّنِّي، وَثَقِّلْ مَوَازِينِي، وَحَقِّقْ إِيْمَانِي، وَارْفَعْ دَرَجَاتِي، وَتَقَبَّلْ صَلَاتِي، وَاعْفِرْ خَطِيئَتِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنْ الْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فَوَاتِحَ الْخَيْرِ،

(۱) روایت ابوداود به‌شماره ۹۶۹، و لفظ از اوست ۲۶۵/۱، و گفته است: «صحیح است بر شرط مسلم» و ذهبی با وی موافقت کرده است، ۲۶/۱، و شیخ آل‌بانی در صحیح‌الادب المفرد به‌شماره ۶۳۰ آن را صحیح دانسته است.

وَحَوَاتِمَهُ، وَجَوَامِعَهُ، وَأَوَّلَهُ، وَظَاهِرَهُ، وَبَاطِنَهُ، وَالدرَجَاتِ الْعُلَا مِنَ الْجَنَّةِ
 آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا آتَى، وَخَيْرَ مَا أَفْعَلُ، وَخَيْرَ مَا أَعْمَلُ، وَخَيْرَ
 مَا بَطَّنَ، وَخَيْرَ مَا ظَهَرَ، وَالدرَجَاتِ الْعُلَا مِنَ الْجَنَّةِ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 أَنْ تَرْفَعَ ذِكْرِي، وَتَضَعَ وَزْرِي، وَتُصْلِحَ أَمْرِي، وَتُطَهِّرَ قَلْبِي، وَتُحْصِنَ
 فَرْجِي، وَتُنَوِّرَ قَلْبِي، وَتَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنَ الْجَنَّةِ
 آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ فِي نَفْسِي، وَفِي سَمْعِي، وَفِي بَصَرِي،
 وَفِي رُوحِي، وَفِي خَلْقِي، وَفِي خُلُقِي، وَفِي أَهْلِي، وَفِي مَحْيَايَ، وَفِي
 مَمَاتِي، وَفِي عَمَلِي، فَتَقَبَّلَ حَسَنَاتِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنَ الْجَنَّةِ،
 آمِينَ»، یعنی: «خدایا من از تو می‌خواهم بهترین درخواست را، بهترین
 دعا را، بهترین موفقیت را، بهترین اعمال را، بهترین پاداش را، بهترین
 زندگی و بهترین مرگ را. مرا ثابت قدم کن، و ترازوهای اعمالم را
 سنگین کن، و ایمانم را محقق ساز، و درجاتم را بالا ببر. و نمازهای مرا
 بپذیر، و خطاهایم را ببخش، و از تو می‌خواهم که بالاترین درجات
 بهشت را به من بدهی.

خدایا، از تو می‌خواهم آغاز و پایان خیر، و تمامی خیر، و اولین و آخرین خیر، و ظاهر و باطن خیر، و درجات عالی بهشت را به من عنایت کنی. آمین. خدایا من از تو می‌خواهم بهترین آنچه را که می‌آورم، بهترین آنچه را که انجام می‌دهم، بهترین آنچه را که عمل می‌کنم، بهترین آنچه را که پنهان است و بهترین آنچه را که آشکار است، و درجات عالی بهشت را. آمین. خدایا از تو می‌خواهم که نام مرا بلند کنی، بار گناهانم را برداری، کارهایم را اصلاح کنی، قلبم را پاکسازی کنی، و شرم‌گاهم را حفظ کنی، قلبم را روشن کنی، گناهانم را بیامرزی، و از تو می‌خواهم که بالاترین درجات بهشت را به من بدهی. آمین. خدایا، از تو می‌خواهم که در خودم، در شنوایی‌ام، در بینایی‌ام، در روح و جسمم، در خلق و خوی‌ام، در خانواده‌ام، در زندگی‌ام، در

مرگم و در کارهایم برکت بدهی. نیکی‌های مرا بپذیر، و از تو می‌خواهم که درجات عالی بهشت را به من عطا کنی. آمین»^(۱).

۱۱۷- «اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَهْوَاءِ، وَالْأَعْمَالِ، وَالْأَذْوَاءِ»، یعنی: «خدایا مرا از اخلاق، خواسته‌ها، کارها و بیماری‌های بد دور کن»^(۲).

۱۱۸- «اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيهِ، وَاخْلُفْ عَلَيَّ كُلَّ غَائِبَةٍ لِي بِخَيْرٍ»، یعنی: «خدایا مرا به آنچه روزی‌ام گردانده‌ای قانع بگردان،

(۱) روایت حاکم از ام سلمه به صورت مرفوع ۵۲۰/۱، و آنرا صحیح دانسته و ذهبی با وی موافقت کرده است ۵۲۰/۱، و بیهقی در الدعوات به شماره ۲۲۵، و طبرانی در الکبیر ۳۲۶/۲۳، به شماره ۷۱۷.

(۲) روایت حاکم ۵۲۳/۱، و گفته است: «صحیح است بر شرط مسلم»، و ذهبی با وی موافقت کرده است ۵۳۲/۱، و روایت طبرانی در المعجم الکبیر ۱۹/۱۹ به شماره ۳۶ و شیخ آلبانی در ظلال الجنه به شماره ۱۳ آنرا صحیح دانسته است.

و برای من در آن برکت قرار ده، و برای من در آنچه از من گرفته‌ای جایگزین نیک عطا کن»^(۱).

۱۱۹- «اللَّهُمَّ حَاسِبْنِي حِسَابًا يَسِيرًا»، یعنی: «خدایا مرا محاسبه کن،

حسابی آسان»^(۲).

(۱) روایت حاکم ۵۳۲/۱، و آنرا صحیح دانسته است و ذهبی با وی موافقت کرده است ۵۱۰/۱. از ابن عباس رضی الله عنهما، و بیهقی در آداب به شماره ۱۰۸۴، و در الدعوات الکبیر ۲۱۱، و حافظ ابن حجر در الفتوحات الربانیة ۳۸۳/۴ آنرا حسن دانسته است.

(۲) روایت احمد ۴۸/۶، و حاکم ۲۵۵/۱، و گفته است: «صحیح است بر شرط مسلم» و ذهبی با وی موافقت کرده است ۲۵۵/۱، و ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها گفته است: وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم خواست برود از ایشان پرسیدم: حساب آسان چیست؟ ایشان فرمودند: «این که خداوند در پرونده اعمال او بنگرد سپس از او در بگذرد، ای عایشه کسی که در آن روز در رابطه با پرونده اعمالش مورد مناقشه و بحث قرار بگیرد هلاک می‌شود، و هر مصیبتی که برای مؤمن می‌رسد خداوند آنرا کفاره و پاک کننده گناهانش قرار می‌دهد حتی خاری که به پایش می‌خورد»، و شیخ آلبنی در تحقیق مشکاة المصابیح گفته است: «سند آن جید است».

۱۲۰- «اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى ذِكْرِكَ، وَشُكْرِكَ، وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ»، یعنی: «بارالها، ما را بر ذکر و یادت و شکرگزاریات و عبادت نیکویت یاری بفرما»^(۱).

۱۲۱- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا لَا يَرْتَدُّ، وَنَعِيمًا لَا يَنْفَدُ، وَمُرَافَقَةً مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَعْلَى جَنَّةِ الْخُلْدِ»، یعنی: «خدایا ما از تو ایمانی بی بازگشت، و نعمتی بی پایان، و همراهی محمد صلی الله علیه و سلم در جایگاه بالای بهشت جاویدان را خواستاریم»^(۲).

(۱) روایت احمد ۲/۲۹۹، و حاکم ۱/۴۹۹، و آنرا صحیح دانسته است و ذهبی با وی موافقت کرده است، و همانگونه است که آن دو گفته‌اند، و روایت ابوداود به شماره ۱۵۲۴، و نسائی در الکبری به شماره ۹۹۷۳، و شیخ آلبنی در صحیح الادب المفرد به شماره ۵۳۴ آنرا صحیح دانسته است.

(۲) روایت ابن حبان (الموارد) ص ۶۰۴، به شماره ۲۴۳۶، از ابن مسعود رضی الله عنه به طور موقوف، و روایت احمد از طریق دیگر ۱/۳۸۶، ۴۰۰، و نسائی در عمل الیوم واللیلة به شماره ۸۶۹، و شیخ آلبنی در سلسله صحیحه به شماره ۲۳۰۱ آنرا حسن دانسته است.

۱۲۲- «اللَّهُمَّ قِنِي شَرَّ نَفْسِي، وَاعْزِمْ لِي عَلَى أَرْشِدِ أَمْرِي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا أَسْرَرْتُ، وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَخْطَأْتُ، وَمَا عَمَدْتُ، وَمَا عَلِمْتُ، وَمَا جَهَلْتُ»، یعنی: «خدایا مرا از شر نفس خودم محفوظ بدار، و اراده‌ای قوی برای هدایت بهترین کارهایم به من عطا کن. خدایا، آنچه را که پنهان کرده‌ام و آنچه را که آشکار کرده‌ام، و آنچه را که خطا کرده‌ام و آنچه را که عمداً انجام داده‌ام، و آنچه را که دانسته انجام داده‌اند و آنچه را که ندانسته انجام داده‌ام، همگی را ببخش»^(۱).

(۱) روایت نسائی در الکبری ۲۴۶/۶ به شماره ۱۰۸۳۰، و حاکم ۵۱۰/۱ و آنرا صحیح دانسته است، و ذهبی با وی موافقت کرده است، و روایت احمد ۴/۴۴۴، که در تحقیق مسند احمد به آدرس ۱۹۷/۳۳ به شماره ۱۹۹۹۲ وجود دارد، و حافظ ابن حجر در الاصابه گفته است که: «سند آن صحیح است» و شیخ آل‌بانی در تخریج احادیث ریاض الصالحین در تعلیق بر حدیث شماره ۱۴۹۵ آنرا صحیح دانسته است.

۱۲۳- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ، وَغَلَبَةِ الْعَدُوِّ، وَشَمَاتَةِ

الْأَعْدَاءِ»، یعنی: «بارالها من از غلبه بدهکاری و چیره شدن دشمن و شماتت دشمنان به تو پناه می‌آورم»^(۱).

۱۲۴- «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَاهْدِنِي، وَارْزُقْنِي، وَعَافِنِي، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ

ضَيْقِ الْمَقَامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، یعنی: «خدایا مرا بیامرز، و مرا هدایت کن، و به من روزی ده، و به من عافیت و تندرستی عطا کن، و از قرار گرفتن در تنگنا در روز قیامت به تو پناه می‌بردم»^(۲).

۱۲۵- «اللَّهُمَّ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي، وَبَصَرِي، وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي،

وَانصُرْنِي عَلَى مَنْ يَظْلِمُنِي، وَخُذْ مِنْهُ بِنَائِي»، یعنی: «خداوندا! مرا از چشم و گوشم بهره‌مند گردان و آن دو را وارث من قرار بده (پیش از

(۱) روایت نسائی به شماره ۵۴۷۵، و احمد ۱۷۳/۲، و شیخ آلبنی در صحیح سنن نسائی ۱۱۱۳/۳ آنرا صحیح دانسته است.

(۲) روایت نسائی به شماره ۱۶۱۷، و ابن ماجه به شماره ۱۳۵۶، و شیخ آلبنی در صحیح سنن نسائی ۳۵۶/۱، و صحیح سنن ابن ماجه ۲۲۶/۱ آنرا صحیح دانسته است.

مرگ آنها را از من نگیر) و مرا بر کسی که به من ستم کرده پیروز گردان و انتقامم را از او بگیر»^(۱).

۱۲۶- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِيشَةً نَقِيَّةً، وَمِيتَةً سَوِيَّةً، وَمَرَدًّا غَيْرَ مَخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ»، یعنی: «خدایا من از تو می‌طلبم زندگی‌ای پاک، و مرگی نیکو، و بازگشتی بدون شرمساری و رسوایی»^(۲).

۱۲۷- «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ، اللَّهُمَّ لَا قَابِضَ لِمَا بَسَطْتَ، وَلَا بَاسِطَ لِمَا قَبَضْتَ، وَلَا هَادِي لِمَنْ أَضَلَلْتَ، وَلَا مُضِلَّ لِمَنْ هَدَيْتَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُقَرِّبَ لِمَا بَاعَدْتَ، وَلَا مُبَاعِدَ لِمَا قَرَّبْتَ، اللَّهُمَّ ابْسُطْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ، وَرَحْمَتِكَ، وَفَضْلِكَ، وَرِزْقِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّعِيمَ الْمُتِمِّمَ الَّذِي لَا يَحُولُ وَلَا يَزُولُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

(۱) روایت ترمذی به شماره ۳۶۸۱، و بخاری در الادب المفرد به شماره ۶۵۰، و حاکم ۵۲۳/۱، و آنرا صحیح دانسته و ذهبی با وی موافقت کرده است، و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن ترمذی ۱۸۸/۳ آنرا حسن دانسته است.

(۲) روایت حاکم ۵۴۱/۱، و زوائد مسند بزار ۴۴۲/۲ به شماره ۲۱۷۷، و طبرانی در الدعاء به شماره ۱۴۳۵، و هیشمی در مجمع الزوائد ۱۷۹/۱۰ گفته است: «سند طبرانی جید است».

النَّعِيمَ يَوْمَ الْعِيلَةِ، وَالْأَمْنَ يَوْمَ الْخَوْفِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَائِدُكَ مِنْ شَرِّ مَا
أَعْطَيْتَنَا وَشَرِّ مَا مَنَعْتَنَا، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ وَزَيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا، وَكَرِّهْ إِلَيْنَا
الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الرَّاشِدِينَ، اللَّهُمَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ،
وَأَحْيِنَا مُسْلِمِينَ، وَأَلْحِقْنَا بِالصَّالِحِينَ غَيْرَ خَزَايَا وَلَا مَفْتُونِينَ، اللَّهُمَّ قَاتِلِ
الْكُفْرَةَ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ، وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ، وَاجْعَلْ عَلَيْهِمْ
رِجْزَكَ وَعَذَابَكَ، اللَّهُمَّ قَاتِلِ كُفْرَةَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ، إِلَهَ الْحَقِّ [آمِينَ]»،

یعنی: «خدایا، تمامی حمد و ستایش‌ها ویژه توست. خداوندا،
هیچ کس نمی‌تواند آنچه را که گسترش داده‌ای بگیرد، و هیچ کس
نمی‌تواند آنچه را که جمع کرده‌ای گسترش دهد. هیچ کس نمی‌تواند
هدایت کند آن کسی را که گمراه کرده‌ای، و هیچ کس نمی‌تواند گمراه
کند کسی را که هدایت کرده‌ای. هیچ کس نمی‌تواند بدهد آنچه را که
منع کرده‌ای، و هیچ کس نمی‌تواند مانع شود آنچه را که داده‌ای.
هیچ کس نمی‌تواند نزدیک کند آنچه را که دور کرده‌ای، و هیچ کس
نمی‌تواند دور کند آنچه را که نزدیک کرده‌ای. خدایا، بر ما از برکات،
رحمت، فضلت و رزقت بگستر.

خداوندا، از تو می‌خواهم نعمت‌های دائم و پایدار که نه دگرگون می‌شود و نه از بین می‌رود. خدایا، از تو می‌خواهم نعمت در روز نیاز، و امن و امان در روز ترس. خدایا از شر آنچه که به ما داده‌ای و از شر آنچه که از ما منع کرده‌ای به تو پناه می‌آورم.

خداوندا، ایمان را برای ما عزیز گردان و آن را در دل‌های ما زینت ده، و کفر، فسق و گناه را برای ما تنفرآور کن، و ما را از راه یافتگان قرار بده.

خداوندا، ما را در حالی که مسلمان هستیم بمیران، و در حالی که مسلمان هستیم زنده گردان، و ما را به جمع صالحان پیوندان، نه با شرمساری و نه با فتنه.

خدایا، نابود کن دشمنان کافری که پیامبران تو را تکذیب می‌کنند و از راه تو باز می‌دارند، نابود کن کافران اهل کتاب را ای خدای حق [آمین]^(۱).

(۱) روایت احمد با این لفظ ۴۲۴/۳، و ۲۴۶/۲۴، به شماره ۱۵۴۹۲، و آنچه در بین پرائتز قرار دارد در روایت حاکم ۵۰۷/۱، ۲۳-۲۴/۳، و بخاری در الادب المفرد به شماره ۶۹۹

۱۲۸- «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَاهْدِنِي، وَعَافِنِي، وَارْزُقْنِي»،

یعنی: «پروردگارا! از گناهان و تقصیراتم درگذر و به من رحم کن و مرا هدایت فرما و عافیت ده و روزی ام ببخش»^(۱).

«...وَاجْبُرْنِي، وَارْفَعْنِي»، یعنی: «و مرا جبران کن و مقام را بالا

ببر»^(۲).

۱۲۹- «اللَّهُمَّ زِدْنَا وَلَا تَنْقُصْنَا، وَآكِرْمَنَا وَلَا تُهِنَّا، وَأَعْطِنَا وَلَا تَحْرِمْنا،

وَأَثِرْنَا وَلَا تُؤْثِرْ عَلَيْنَا، وَأَرْضِنَا وَارْضَ عَنَّا»، یعنی: «خدایا بر ما بیفزای و

از ما کم مکن، و ما را گرامی بدار و ما را زبون مکن، و به ما بده و ما

آمده است، و شیخ آلبنی در تخریج کتاب فقه السیره ص ۲۸۴، و در صحیح الادب المفرد بخاری به شماره ۵۳۸ ص ۲۵۹ آن را صحیح دانسته است»

(۱) روایت مسلم به شماره ۲۶۹۶ و شماره ۲۶۹۷، و در روایت مسلم آمده است که: «این دعاها خیر و خوبی دنیا و آخرت را برای تو جمع می کند» و در سنن ابوداود به شماره ۸۵۰ آمده است که: وقتی آن بادیه نشین رفت پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «دستانش را مملو از خیر کرده است».

(۲) نگا: سنن ابن ماجه به شماره ۸۹۸، و سنن ترمذی به شماره ۲۸۴، و صحیح سنن ابن ماجه ۱/۱۴۸، و صحیح سنن ترمذی ۱/۹۰.

را محروم مکن، و ما را ترجیح بده و کسی را بر ما ترجیح مده، و ما را راضی کن و از ما راضی باش»^(۱).

۱۳۰- «اللَّهُمَّ أَحْسَنْتَ خَلْقِي فَأَحْسِنْ خُلُقِي»، یعنی: «خداوندا خلقت و آفرینش مرا نیکو گرداندی پس اخلاق مرا نیز نیکو بگردان»^(۲).

۱۳۱- «اللَّهُمَّ ثَبِّتْ بَنِي وَاجْعَلْنِي هَادِيًا مَهْدِيًّا»، یعنی: «خدایا! مرا ثابت قدم دار و مرا هدایت کننده (رهنما) و هدایت شده بگردان»^(۳).

(۱) روایت ترمذی ۳۲۶/۵ به شماره ۳۱۷۳، و حاکم ۹۸/۲ و آنرا صحیح دانسته و شیخ عبدالقادر الارناؤوط در تحقیق جامع الاصول ۲۸۲/۱۱ آنرا حسن دانسته است.

(۲) روایت احمد ۶۸/۶، و ۱۵۵، و ۴۰۳/۱، و ابن حبان در الموارد ۲۴۲۳، و طيالسی ۳۷۴، و مسند ابویعلی به شماره ۵۰۷۵، و شیخ آلبانی ارواء الغلیل ۱۱۵/۱ به شماره ۷۴ آنرا صحیح دانسته است.

(۳) بر آن دلالت می کند دعای پیامبر صلی الله علیه وسلم برای جریر رضی الله عنه. نگا: بخاری به شماره ۶۳۳۳ و همچنین شماره های ۳۰۲۰، و ۳۰۳۶ و غیره.

۱۳۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ، وَالْعَزِيمَةَ عَلَى الرَّشْدِ، وَأَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ قَلْبًا سَلِيمًا، وَلِسَانًا صَادِقًا، وَأَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعْلَمُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»، یعنی: «خداوندا، از تو ثبات در امور و اراده‌ای محکم برای هدایت می‌خواهم، از تو شکر نعمت‌هایت و عبادتی نیکو می‌طلبم، از تو قلبی سالم و زبانی راستگو می‌خواهم، و از تو بهترین آنچه را که می‌دانی درخواست دارم. از شر آنچه که می‌دانی به تو پناه می‌برم و از تو آمرزش می‌خواهم برای آنچه که می‌دانی. تویی که بسیار دانا به غیب‌ها هستی»^(۱).

(۱) روایت احمد ۳۳۸/۲۸ به شماره ۱۷۱۱۴، و ۳۵۶/۲۸ به شماره ۱۷۱۳۳، و ترمذی به شماره ۳۴۰۷، و طبرانی در معجم کبیر با همین لفظ به شماره‌های ۷۱۳۵، ۷۱۵۷، ۷۱۷۵، ۷۱۷۶، ۷۱۷۷، ۷۱۷۸، ۷۱۷۹، ۷۱۸۰، و روایت ابن حبان در صحیحش ۲۱۵/۳ به شماره ۹۳۵، و ۳۱۰/۵ به شماره ۱۹۷۴، و شیخ شعیب الارناؤوط در تحقیق صحیح ابن حبان ۳۱۲/۵ آنرا حسن دانسته و محققان مسند این روایت را بخاطر داشتن طرق دیگر حسن

۱۳۳- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْفِرْدَوْسَ أَعْلَى الْجَنَّةِ»، یعنی: «خدایا من

از تو فردوس اعلی از بهشت را خواستارم»^(۱).

۱۳۴- «اللَّهُمَّ جَدِّدِ الْإِيمَانَ فِي قَلْبِي»، یعنی: «خدایا ایمان را در دل

من تجدید و تازه کن»^(۲).

دانسته‌اند ۳۳۸/۲۸، و شیخ آل‌بانی آن‌را در سلسله احادیث صحیح جلد هفتم شماره ۳۲۲۸ ذکر نموده و همچنین در صحیح موارد الظمان به شماره ۲۴۱۶، همچنین ۲۴۱۸ آورده و گفته: «حسن لغیره است».

(۱) برگرفته این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم است که «... هر گاه خواستید از خداوند چیزی بطلبید از او فردوس را بطلبید که مرکز بهشت و بالاترین آن از نظر جایگاه است و بالای آن عرش خدای رحمان قرار دارد و چشمه‌های بهشت از آنجا می‌جوشد» روایت بخاری به شماره ۲۷۹۰، و شماره ۷۴۲۳.

(۲) اقتباس شده از حدیث عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ایمان در دل هریک از شما کهنه و مندرس می‌شود همانطور که لباس کهنه و مندرس می‌گردد، پس از الله بخواهید که ایمان را در دل‌هایتان نو سازد». حاکم ۴/۱ و آن‌را صحیح دانسته و ذهبی با وی موافقت کرده است، و هیشمی در مجمع الزوائد ۵۲/۱ گفته است: «طبرانی در الکبیر این روایت را ذکر نموده و سند آن حسن است» و شیخ آل‌بانی در سلسله احادیث صحیح ۱۱۳/۴ به شماره ۱۵۸۵ آن‌را حسن دانسته است.

۱۳۵- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَلَاحٍ لَا تَنْفَعُ»، یعنی: «خدایا من پناه

می‌برم به تو از نمازی که سودی نمی‌رساند»^(۱).

۱۳۶- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَارِ السُّوءِ، وَمِنْ زَوْجٍ تُشَيِّبُنِي قَبْلَ

الْمَشِيبِ، وَمِنْ وَلَدٍ يَكُونُ عَلَيَّ رَبًّا، وَمِنْ مَالٍ يَكُونُ عَلَيَّ عَذَابًا، وَمِنْ خَلِيلٍ
مَّاكِرٍ عَيْنُهُ تَرَانِي، وَقَلْبُهُ يَرْعَانِي؛ إِنْ رَأَى حَسَنَةً دَفَنَهَا، وَإِذَا رَأَى سَيِّئَةً

أَذَاعَهَا»، یعنی: «خدایا به تو پناه می‌آورم از همسایه بد، و از همسری

که مرا قبل از رسیدن به پیری، پیر و فرسوده کند، و از فرزندی که برای

من مانند یک پروردگار باشد، و از مالی که برای من تبدیل به عذاب

شود، و از دوست فریبکار که چشمانش مرا می‌بیند، اما دلش برای من

(۱) روایت ابوداود به شماره ۱۵۴۹، و شیخ آلبنی در صحیح سنن ابوداود ۴۲۴/۱ آنرا

صحیح دانسته است.

خیر نمی‌خواهد؛ اگر خوبی‌ای ببیند، آن را پنهان می‌کند، و اگر بدی‌ای ببیند، آن را منتشر می‌سازد»^(۱).

۱۳۷- «اللَّهُمَّ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، یعنی: «خدایا در روز قیامت مرا خوار و زبون مگردان»^(۲).

۱۳۸- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»، یعنی: «خدایا من از تو عافیت در دنیا و آخرت را می‌خواهم»^(۳).

(۱) روایت طبرانی در الدعاء ۱۴۲۵/۳ به شماره ۱۳۳۹، و شیخ آل‌بانی در سلسله احادیث صحیحہ ۳۷۷/۷ به شماره ۳۱۳۷ گفته است: «و می‌گوییم این سندی جید است و راویان آن همه از اشخاص مذکور در تهذیب هستند».

(۲) روایت احمد در مسند ۵۹۶/۲۹ به شماره ۱۸۰۵۶، و محققان مسند گفته‌اند: «سندش صحیح است» و روایت طبرانی در معجم کبیر ۲۰/۳ به شماره ۲۵۲۴ با لفظ: «اللَّهُمَّ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ النَّاسِ» یعنی: «خدایا در روز قیامت و روز سختی و دشواری مرا خوار و ذلیل مگردان».

(۳) روایت ابن ماجه به شماره ۳۸۵۱، و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن ابن ماجه ۲۵۹/۳ و سلسله احادیث صحیحہ به شماره ۱۱۳۸ آن را صحیح دانسته است.

۱۳۹- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَعَمَلٍ لَا يُرْفَعُ، وَقَلْبٍ

لَا يَخْشَعُ، وَقَوْلٍ لَا يُسْمَعُ»، یعنی: «خدایا! از علم و دانشی که سود و فایده‌ای نمی‌رساند و از عملی که بالا نمی‌رود و از دلی که فروتن نمی‌شود و از دعایی که شنیده [مستجاب] نمی‌شود به تو پناه می‌برم»^(۱).

۱۴۰- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ،

وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَضَلَعِ الدِّينِ، وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ»، یعنی: «خدایا، از غم و اندوه، از ناتوانی و تبلی، از بخل و بزدلی، و از سنگینی بدهی و چیرگی مردم به تو پناه می‌برم»^(۲).

۱۴۱- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ

الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ

(۱) روایت ابن حبان به شماره ۲۴۴۰ (موارد) و شیخ آلبانی در صحیح موارد الظمان ۴۵۴/۲ به شماره ۲۰۶۶ آن را صحیح دانسته است.

(۲) روایت بخاری به شماره ۶۳۶۳، انس رضی الله عنه می‌گوید: «هرگاه پیامبر صلی الله علیه و سلم جایی اطراق می‌کرد من به ایشان خدمت می‌کردم، و بسیار می‌شنیدم که می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ...» یعنی: «خدایا من به تو پناه می‌برم....»

الدَّجَالِ»، یعنی: «خدایا من به تو پناه می‌برم از عذاب دوزخ، و پناه می‌برم به تو از عذاب قبر، و پناه می‌برم به تو از فتنه‌های پیدا و پنهان، و پناه می‌برم به تو از فتنه دجال»^(۱).

۱۴۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ شَهَادَةً فِي سَبِيلِكَ»، یعنی: «خدایا من از تو شهادت در راحت را می‌خواهم»^(۲).

۱۴۳- «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَوْقَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ النَّاسِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَأَدْخِلْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُدْخَلًا كَرِيمًا»،
یعنی: «خدایا مرا ببامرز، خداوندا، مرا در روز قیامت از بسیاری از مردم

(۱) روایت مسلم به شماره ۲۸۶۷، و در آن آمده است: «پناه ببرید به خداوند از عذاب دوزخ» و ... [پناه ببرید به خداوند از عذاب قبر....] تا پایان آن.

(۲) روایت مسلم به شماره ۱۹۰۹، اقتباس شده از این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم که: «هر کسی صادقانه از خداوند شهادت را بطلبد خداوند او را به جایگاه شهدا می‌رساند حتی اگر بر بسترش مرده باشد».

بالاتر قرار ده، خدایا، گناهانم را ببخش، و مرا در روز قیامت وارد جایگاهی شرافتمندانه و محترم بگردان»^(۱).

۱۴۴- «اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ، وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ، إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ»، یعنی: «بارالها، مرا از کسانی قرار بده که آنان را هدایت نمودی و مرا از کسانی قرار بده که به آنان عافیت عنایت کردی؛ و مرا از کسانی قرار بده که آن‌ها را سرپرستی کرده‌ای و در آنچه به من عطا نمودی برکت عطا فرما؛ و مرا از شر آنچه مقدر نمودی، نجات بده. و براستی کسی که تو او را دوست بداری، خوار و زبون نمی‌شود؛ پروردگارا، تو مبارک و بلندمرتبه‌ای»^(۲).

(۱) روایت بخاری به شماره ۴۳۲۳ و مسلم به شماره ۲۴۹۸، و این دعا اقتباس شده از دعای پیامبر صلی الله علیه وسلم برای عبید ابی عامر و دعای پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ابو برده رضی الله عنهما است.

(۲) روایت احمد در مسند ۲۴۹/۳ به شماره ۱۷۲۳ و محققان مسند ۲۴۹/۳ گفته‌اند: «سند آن صحیح است» و این روایت مطلق است و مقید به وتر نیست، همچنان که در روایت

۱۴۵- «رَبِّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ»، یعنی: «خدایا در روز قیامت خطاهای مرا ببامرز»^(۱).

۱۴۶- «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، یعنی: «از الله بزرگ که معبود به حقّی جز او نیست و زنده و پاینده است، آمرزش می طلبم و به سوی او توبه می کنم»^(۲).

دیگر آمده است، و در این روایت انس رضی الله عنه می گوید: «پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ما دعا کردن می آموخت....».

(۱) روایت مسلم به شماره ۲۱۴، به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفته شد: ای پیامبر خدا، همانا ابن جدعان در زمان جاهلیت رابطه خویشاوندی را به جای می آورد و به مستمندان غذا می داد، آیا این کارها برایش سودی می رساند؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «برایش سودی نمی رساند زیرا ایشان هیچ روزی نگفتند: خدایا در روز قیامت خطاهای مرا ببامرز».

(۲) روایت ترمذی به شماره ۳۵۷۷، و شیخ آلبنی در صحیح سنن ترمذی ۴۶۹/۳ آن را صحیح دانسته است با این لفظ: «هر کس این دعا را بخواند خداوند گناهان او را می آمرزد حتی اگر در روز پیکار و نبرد با دشمنان فرار کرده باشد».

۱۴۷- «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَأَذْهَبْ عَيْظَ قَلْبِي، وَأَعِزَّنِي مِنْ مُضِلَّاتِ

الْفِتَنِ»، یعنی: «خداوندا گناه‌های مرا ببخش، خشم قلبم را از بین ببر، و مرا از فتنه‌های گمراه‌کننده حفظ فرما»^(۱).

(۱) برگرفته از دعای پیامبر صلی الله علیه وسلم برای عایشه رضی الله عنها: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهَا ذَنْبَهَا، وَأَذْهَبْ عَيْظَ قَلْبِهَا، وَأَعِزَّهَا مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ» یعنی: «خداوندا گناهان او را بیاور و خشم قلبش را از بین ببر، و او را از فتنه‌های گمراه‌کننده حفظ فرما» روایت ابن عساکر با سند خود در «الأربعین فی مناقب أمهات المؤمنین» ص ۸۵، از عایشه رضی الله عنها. و گفته است: «این روایت صحیح حسن است از حدیث بقیه بن الولید» و ابن سنی همانند آن را در «عمل الیوم واللیلۃ» به شماره ۴۵۷ روایت کرده است و در نسخه دیگر ابن سنی آمده است «و پناه بده مرا از شیطان» به جای «فتنه‌های گمراه‌کننده» برای تخریج آن نگا: سلسله ضعیفه شیخ آل‌بانی به شماره ۴۲۰۷ و این روایت شاهی از ام سلمه رضی الله عنه نزد امام احمد ۴۴/۲ به شماره ۲۶۵۷۶ دارد و لفظ آن این است که: «بگو خداوندا ای پروردگار محمد، گناهان مرا بیاور و خشم قلب مرا برطرف کن و مرا از فتنه‌های گمراه‌گر نجات بده تا وقتی زنده هستم» و هیشمی در مجمع الزوائد آن را حسن دانسته است، و طبرانی در معجم الکبیر ۳۳۸/۲۳ به شماره ۷۸۵ آن را روایت کرده است بدون لفظ «تا وقتی ما را زنده نگه داشته‌ای». و این روایت همچنین شاهی از ام هانی رضی الله عنها دارد که به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: «ای پیامبر خدا، دعایی به من بیاموز که

۱۴۸- «اللَّهُمَّ أَحْيِنِي عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَوَفَّنِي

عَلَى مِلَّتِهِ، وَأَعِزَّنِي مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ»، یعنی: «خدایا مرا بر سنت

پیامبرت صلی الله علیه وسلم زنده نگاهدار و مرا بر دین او بمیران و مرا

از فتنه‌های گمراه‌گر پناه بده»^(۱).

۱۴۹- «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى

إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى

آنرا بخوانم، ایشان فرمودند: «بگو خداوندا گناهان مرا بیامرز...» روایت خرائطی در اعتلال القلوب به شماره ۵۲، و مساوی الاخلاق به شماره ۳۲۳.

(۱) روایت بیهقی در الکبری ۹۵/۵، از دعای ابن عمر به طور موقوف، و ابن ملقن در البدر

المنیر ۳۰۹/۶ آنرا نقل نموده و به نقل از ضیاء گفته است که: «سند آن جید است» و

ابن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید: «هیچ کدام از شما نگویید: «خدایا من از فتنه به تو پناه

می‌برم»، زیرا هیچ کسی نیست که در زندگی با فتنه روبرو نباشد، زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾ [التغابن: ۱۵] یعنی: «همانا دارایی‌ها و فرزندان فتنه

هستند»، اگر هر کدام از شما خواست به خداوند پناه ببرد، از فتنه‌های گمراه‌گر به او پناه

ببرد. روایت ابن جریر در تفسیر ۴۷۵/۱۳ به شماره ۱۵۹۱۲، و ابن بطلال در شرح صحیح

بخاری ۱۳/۴.

آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ، [فِي الْعَالَمِينَ] إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ^(۱)، یعنی: «بارالها بر محمد و بر آل محمد درود فرست چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم درود فرستادی، همانا تو ستوده شده و باشکوهی، و بر محمد و بر آل محمد برکت ارزانی دار، چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم [در دو جهان] ارزانی داشتی، همانا تو ستوده شده و باشکوهی»^(۱).

و حمد و ستایش ویژه خداوندی است که پروردگار جهانیان است، همان‌طور که شایسته جلال و عظمت سلطنت اوست. خدایا بر پیامبر ما محمد درود بفرست و بر خاندان و اصحاب او، و پیروانش به نیکی تا روز قیامت.

(۱) روایت بخاری به‌شماره ۳۳۷۰، و آنچه در میان پراتنز وجود دارد از حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که نزد مسلم به شماره ۴۰۵ آمده است.

درمان با رُقیه از قرآن و سنت

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه: اهمیت درمان با قرآن و سنت

همانا ستایش مخصوص الله است؛ او را حمد می‌گوییم، از او یاری و آمرزش می‌طلبیم و از شر نفس‌های خود و بدی‌های اعمالمان به او پناه می‌بریم. هرکه را الله هدایت کند، هیچ‌کس نمی‌تواند او را گمراه سازد، و هرکه را گمراه کند، هیچ هدایتگری برای او نخواهد بود. گواهی می‌دهم که هیچ معبودی به حق جز الله نیست؛ یگانه و بی‌همتا، و شریکی برای او نیست. و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. درود الله و سلامش بر او و بر آل و اصحابش و کسانی باد که تا روز قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند، و سلام و درود بسیار بر آنان باد، اما بعد:

هیچ شک و تردیدی نیست که درمان بوسیله قرآن کریم و به رقیه‌هایی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم به ثبوت رسیده، درمانی مفید و شفای کامل است، خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ...﴾ [فصلت: ۴۴]، یعنی: «بگو

که آن [یعنی قرآن] برای مؤمنان هدایت و شفاست».

و الله متعال می‌فرماید:

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ

إِلَّا خَسَارًا﴾ (۸۴) [الإسراء: ۸۲]، یعنی: «و از قرآن، آنچه درمان [شرک

و کفر] و رحمتی برای مؤمنان است نازل می‌کنیم و [این کتاب] بر

ستمکاران [مشرک] جز زیان نمی‌افزاید». و «مِنْ» در اینجا برای بیان

جنس است؛ زیرا کل قرآن شفاست همان‌طور که در آیه پیشین بیان

شد^(۱).

و خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿يَنَاطِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي

الْصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [يونس: ۵۷]، یعنی: «ای مردم، به

(۱) نکا: الجواب الكافي لمن سأل عن الدواء الشافي اثر ابن القيم (ص ۲۰).

راستی برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمده است و شفای
برای آنچه در دل‌هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان».

پس قرآن شفای کامل برای همه بیماری‌های قلبی و بدنی، و
بیماری‌های دنیوی و اخروی است، اما هر کسی این آمادگی را ندارد
که توفیق شفا یافتن با قرآن را دریابد، اگر بیمار به‌خوبی با قرآن تداوی
شود و بیماری خود را با صداقت و ایمان و پذیرش کامل، و اعتقاد
راسخ درمان کند و شروط آن را محقق سازد، هیچ بیماری‌ای در برابر آن
مقاومت نخواهد کرد. چگونه بیماری‌ها در برابر سخن پروردگار زمین
و آسمان مقاومت می‌کند، سخنی که اگر بر کوه‌ها نازل می‌شد آن‌ها
را تکه تکه می‌کرد و اگر بر زمین نازل می‌شد آن را قطعه قطعه می‌کرد،
پس هیچ بیماری قلبی و جسمی نیست مگر اینکه در قرآن راه درمان
آن، کشف سبب آن، و پیشگیری از آن برای کسی که خداوند فهم
کتاب خود را نصیب او نموده وجود دارد، خداوند عزوجل در قرآن به
بیماری‌های قلبی و جسمی و درمان قلب و جسم اشاره نموده است.

و اما بیماری دل‌ها دو نوع هستند: بیماری شبهه و شک، و بیماری شهوت و سرکشی، و خداوند بیماری‌های قلب را به‌طور مفصل بیان نموده و به اسباب این بیماری‌ها و درمان آن اشاره کرده است^(۱)، خداوند می‌فرماید:

﴿أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [العنكبوت: ۵۱]، یعنی: «آیا برایشان کافی نیست که ما قرآن را بر تو نازل کردیم که [پیوسته] بر آنان خوانده می‌شود؟ بی‌گمان، در این [قرآن] برای مردمی که ایمان می‌آورند، رحمت و پند است».

علامه ابن القیم رحمه الله می‌فرماید: «هر کسی قرآن او را شفا ندهد خداوند او را شفا ندهد، و هر کسی که قرآن برایش کافی نبود خداوند چیزی را برای او کافی نگرداند»^(۲).

(۱) زاد المعاد اثر ابن القیم (۶/۴ و ۳۵۲/۴).

(۲) زاد المعاد (۳۵۲/۴).

و اما در مورد بیماری‌های جسمی، قرآن به اصول درمان بیماری‌ها، مکان آن‌ها و قواعد آن اشاره نموده، و قواعد درمان جسم در قرآن کریم در سه موضوع بیان شده است: حفظ سلامتی، پرهیز از چیزهای مضر، و دفع مواد فاسد و مضر از بدن که این موارد به عنوان استدلال برای دیگر انواع این بیماری‌ها به کار می‌روند^(۱).

و اگر انسان به‌درستی خود را با قرآن مداوا کند، تأثیر عجیب آن در شفای فوری را خواهد دید.

امام ابن قیم رحمه الله می‌گوید: «در مکه زمانی بر من گذشت که بیمار شدم، و هیچ پزشک و هیچ دارویی نمی‌یافتم، و خود را با سوره فاتحه درمان می‌کردم، و تأثیر عجیبی از آن می‌دیدم: جرعه‌ای از آب زمزم بر می‌داختم و بارها بر آن سوره فاتحه را می‌خواندم سپس آن را می‌نوشیدم، و به‌طور کامل شفا یافتم، سپس بعد از آن برای بسیاری از بیماری‌ها از این درمان استفاده کردم و دیدم که بسیار مفید است، و هر کسی که از بیماری

(۱) زاد المعاد اثر ابن القيم (۴/۶ و ۴/۳۵۲).

رنج می برد را به این روش درمانی توصیه می کردم، و بسیاری از آن ها خیلی زود خوب می شدند»^(۱).

و همچنین دعا با اذکار و ادعیه نبوی ثابت شده از ایشان از مفیدترین داروهاست، و دعایی که از موانع اجابت سالم مانده باشد نیز از مفیدترین اسباب در دفع بدی و دستیابی به خواسته و مفیدترین دارو است، خصوصا وقتی با اصرار و پافشاری همراه باشد، و دعا دشمن بلاست، آن را دفع نموده و درمان می کند و یا مانع نزول آن و یا کاهش آن در صورت نزول می شود^(۲)، به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم: «الدُّعَاءُ يَنْفَعُ مِمَّا نَزَلَ وَمِمَّا لَمْ يَنْزِلْ، فَعَلَيْكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِالْدُّعَاءِ»؛ «دعا مفید است برای آنچه نازل شده و آنچه نازل نشده، پس ای بندگان خدا شما را به دعا کردن توصیه می کنم»^(۳). و به دلیل این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم که می فرماید: «لَا يَرُدُّ الْقَضَاءُ إِلَّا الدُّعَاءُ، وَلَا يَزِيدُ

(۱) نگا: زاد المعاد (۴/۱۷۸) و الجواب الکافی (ص: ۲۱).

(۲) نگا: الجواب الکافی (ص ۲۲-۲۵).

(۳) روایت ترمذی به شماره (۳۵۴۸) و حاکم (۱/۶۷۰)، و احمد به شماره (۲۲۰۴۴)، و شیخ آلبنی آن را حسن دانسته است، نگا: صحیح الجامع (۳/۱۵۱) به شماره (۳۴۰۳).

فِي الْعُمْرِ إِلَّا الْبَرَّ»، «قضا را دفع نمی کند مگر دعا، و عمر را طولانی نمی کند جز نیکی کردن»^(۱). اما اینجا یک نکته هست که باید خوب نسبت به آن هشیار بود: و آن هم اینکه آیات، اذکار، دعاها، و تعویذاتی که از آن برای شفا و درمان استفاده می شود در ذات خود مفید و شفا دهنده هستند، اما لازمه آن پذیرش و قدرت فاعل و تأثیر آن است، هر چقدر شفا به تأخیر افتد بخاطر ضعف تأثیر فاعل و یا عدم پذیرش منفعل و یا مانعی قوی است که جلو موفقیت دارو را می گیرد؛ زیرا درمان به وسیله رُقِیَه (اذکار و ادعیه شرعی) از دو طریق خواهد بود:

امر نخست: از جهت بیمار، که قدرت او، و صداقتی که به خدا روی می آورد، و اعتقاد قاطع او به اینکه قرآن برای مؤمنان شفا و رحمت است بستگی دارد و همچنین پناه بردن صحیح که در آن قلب و زبان هم خوانی داشته باشند؛ زیرا این درمان یک نوع جنگ است، و جنگنده بر دشمنش پیروز نمی شود مگر به وسیله دو چیز:

(۱) به روایت حاکم (۶۷۰/۱)، و ترمذی به شماره (۲۱۳۹)، و شیخ آلبنی در سلسلة الأحادیث الصحيحة آن را حسن دانسته است (۷۶/۱)، به شماره (۱۵۴).

اینکه سلاح در ذات خود خوب باشد، و اینکه بازوان قوی باشند، و هر گاه یکی از این دو عنصر ناقص باشد سلاح بی تأثیر خواهد بود، تا چه برسد که هر دو عنصر ناقص باشد، و قلب از توحید، توکل، تقوی، و روی آوردن به خدا ویرانه باشد، و هیچ سلاحی نداشته باشد.

امر دوم: از جهت کسی که به وسیله قرآن و سنت درمان می کند، که این دو ویژگی باید در او نیز باشد^(۱)، به همین دلیل ابن تین رحمه الله تعالی می گوید: «درمان با معوذات و غیره از نام های نیک خداوند همان درمان معنوی است اگر از زبان انسان های نیکوکار خارج شود به اذن و اراده الهی شفا را حاصل می کند»^(۲).

و علما در مورد جایز بودن رُفیه اجماع دارند در صورتیکه سه شرط در آن جمع شده باشد:

شرط نخست: اینکه بوسیله کلام خداوند و یا نام ها و صفات او، و یا کلام پیامبر صلی الله علیه وسلم باشد.

(۱) نگا: زاد المعاد (۶۸/۴) و الجواب الکافی (ص: ۲۱).

(۲) فتح الباری اثر ابن حجر (۱۹۶/۱۰).

شرط دوم: اینکه به زبان عربی باشد و یا اگر به غیر زبان عربی باشد معنای آن قابل فهم باشد.

شرط سوم: اینکه معتقد باشد که رُقیه به ذات خود اثر ندارد^(۱)؛ بلکه با قدرت خداوند اثر می‌گذارد و رُقیه سببی از اسباب است.

و بخاطر اهمیت زیادی که این موضوع دارد بخش رُقیه از کتاب «ذکر و دعاء و درمان به وسیله رُقیه از کتاب و سنت» را مختصر نموده و نکات مفیدی به آن افزودم، و از خداوند می‌خواهم با نام‌های نیکو و صفات والایش این عمل را برای خود خالص گردانده، و آن را برای من و همه کسانی که آن را می‌خوانند و یا چاپ می‌کنند و در نشر آن سهیم می‌شوند و همه مسلمانان مفید بگرداند، بی‌گمان او ولی و توانای بر این کار است، و سلام و درود خداوند بر پیامبر ما محمد و بر خاندان و یاران ایشان و همه کسانی که تا روز قیامت به نیکی از آنها پیروی می‌کنند.

بنده نیازمند الله متعال

(۱) نگا: فتح الباری (۱۹۵/۱۰) و فتاوی علامه بن باز (۳۸۴/۲).

دکتر سعید بن علی بن وهف القحطانی

نوشته شده در تاریخ ۱۸ / ۶ / ۱۴۱۴ هجری قمری.

۱- درمان سحر و جادو

درمان الهی برای سحر و جادو دو نمونه است:

اول: پیش‌گیری از سحر و جادو قبل از وقوع آن:

۱- انجام واجبات و ترک کارهای حرام و توبه از همه گناهان.

۲- بسیار تلاوت کردن قرآن کریم به گونه‌ای که روزانه بخشی از قرآن را قرائت کند.

۳- محافظت از خود با دعا و تعوذات، و اذکار مشروع از جمله: سه بار گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»، یعنی: (به نام الله که با نام او هیچ چیز در زمین و آسمان زیانی نمی‌رساند، و اوست شنوای بینا) در صبح‌گاه و

شام گاه و خواندن آیت الکرسی بعد از هر نماز، و هنگام خواب و در صبح و شام و خواندن: (۱)(۲)(۳)

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ «ای پیامبر! بگو: او الله یکتا و یگانه است».

و سه بار خواندن معوذتین (سوره های فلق و ناس) در صبح گاه و شام گاه و هنگام خواب و گفتن: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (معبودی [به حق] نیست مگر الله که یگانه و بی شریک است، ملک و ستایش از آن اوست، و او بر هر چیزی تواناست). صدبار در شبانه روز، و پایبندی به اذکار صبح گاه

(۱) به روایت حاکم و آنرا صحیح دانسته است و ذهبی نیز با ایشان موافقت کرده است (۵۶۲/۱) و شیخ آلبنی در صحیح ترغیب و ترهیب آنرا صحیح دانسته است (۲۷۳/۱) به شماره (۶۵۸).

(۲) امام ترمذی به شماره (۳۳۸۸)، و امام ابو داود به شماره (۵۰۸۸)، و امام ابن ماجه به شماره (۳۸۶۹) روایت کرده اند. و شیخ آلبنی در صحیح ابن ماجه آنرا صحیح دانسته است، (۳۳۲/۲).

(۳) منظور از تعوذات آیات و دعاهایی است که با «اعوذ» و «نعوذ» آغاز می شود که به معنای پناه بردن به خداوند است.

و شام گاه و اذکار بعد از نماز، و اذکار خواب و بیدار شدن از خواب، و اذکار داخل شدن از منزل و خارج شدن از آن، و اذکار سوار شدن بر وسیله نقلیه، و اذکار دخول به مسجد و خروج از آن، و دعای دخول به توالت و خروج از آن، و دعای به هنگام دیدن شخصی که به مصیبتی گرفتار شده و غیره.^(۱)

بسیاری از این موارد را در کتاب «پناهگاه مسلمان» بر حسب احوال، مناسبت‌ها، اماکن، و اوقات بیان کرده‌ام، و شکی نیست که پابندی به آن به‌اذن الهی از اسباب جلوگیری از مبتلا شدن به سحر، چشم زخم، و جن‌زدگی است، و آن همچنین از بزرگ‌ترین درمان‌ها بعد از مبتلا شدن به این آفت‌ها و غیره است.^(۲)

(۱) امام بخاری (۹۵/۴) به شماره (۳۲۹۳)، و امام مسلم (۲۰۷۱/۴) به شماره (۲۶۹۱) روایت کرده‌اند.

(۲) نگا: زادالمعاد (۱۲۶/۴)، و مجموع الفتاوی علامه بن باز (۲۷۷/۳)، و نگا: اسباب ده گانه که شر حسود و ساحر را دفع می‌کند در بخش سوم از درمان چشم‌زخم در این کتاب.

۴- خوردن هفت دانه خرماى عَجوه همراه صبحانه در صورت امکان، به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم: «مَنْ اصْطَبَحَ بِسَبْعِ تَمْرَاتٍ عَجْوَةً لَمْ يَضُرَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ سُوءٌ وَلَا سِحْرٌ»، «هر کس صبح گاه هفت دانه خرماى عَجوه بخورد در آن روز هیچ سم و سحر و جادویی به او آسیب نمی‌رساند»^(۱). و کامل‌تر این است که از خرماى مدینه و میان دو حره باشد، همان‌گونه که در روایت مسلم آمده است، و نظر شیخ و استاد ما علامه عبدالعزيز بن عبدالله بن باز رحمه الله این است که همه خرماهای مدینه این خاصیت را دارند به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم: «مَنْ أَكَلَ سَبْعَ تَمْرَاتٍ مِمَّا بَيْنَ لَابَتَيْهَا حِينَ يُصْبِحُ...»

(۱) بخاری همراه با فتح (۲۴۷/۱۰) به شماره (۵۴۴۵)، و مسلم (۱۶۱۸/۳) به شماره (۲۰۴۷).

(۲) منظور از دو حره، دو منطقه دارای سنگ‌های آتشفشانی است که در مدینه قرار دارند و به آن‌ها حره شرقی و حره غربی گفته می‌شود.

«هر کس صبح گاه هفت دانه خرما از میان دو لابه مدینه بخورد...»^(۱).
حدیث^(۲).

همچنین نظر ایشان رحمه الله این است که حتی اگر کسی هفت دانه خرما از غیر خرمای مدینه بخورد امید است که این شفا برای او محقق شود.

دوم: درمان سحر و جادو پس از وقوع آن، که خود انواعی دارد:

نوع اول: پیدا کردن طلسم و باطل کردن آن در صورت اطلاع یافتن از مکان آن به روش‌های مباح در شریعت، و این یکی از بهترین راه‌های درمان شخص جادو شده است^(۳).

(۱) لاییتها: مثنای لابه، که همان حره است، زمین دارای سنگ‌های سیاه که گویا سوخته شده، و مراد از آن دو حره‌ای است که در اطراف مدینه وجود دارند. نگا: فیض القدر مناوی (۵۱۴/۲).

(۲) مسلم (۱۶۱۸/۳) به شماره (۲۰۴۷).

(۳) نگا: زادالمعاد (۱۲۴/۴)، و بخاری با فتح (۱۳۲/۱۰) به شماره (۵۷۶۵)، و مسلم (۱۹۱۷/۴)، به شماره (۲۱۸۹)، و مجموع الفتاوی شیخ بن باز (۲۲۸/۳).

نوع دوم: رُقیه شرعی، که نمونه‌های آن خواهد آمد^(۱):

اول: هفت برگ سدر را بین دو سنگ یا ابزار مشابه آن آسیاب می‌کند، سپس به مقدار مورد نیاز آب برای غسل اضافه می‌کند، و بر روی آن می‌خواند:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» یعنی (از شیطان رانده شده به الله پناه می‌برم).

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة:

۲۵۵]، یعنی (الله [معبودِ راستین است؛] هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ زنده پابنده [و قائم به ذات] است؛ نه خوابی سبک او را فرا می‌گیرد و نه خوابی سنگین؛ [و لحظه‌ای از تدبیر جهان هستی، غافل

(۱) نکا: فتح الحق المبين في علاج الصرع والسحر والعين (ص ۱۳۸).

نمی ماند؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست. کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند؟ گذشته و آینده آنان (بندگان) را می داند و [آنان] به چیزی از علم او احاطه [و آگاهی] نمی یابند، مگر آنچه خود [الله] بخواهد. کرسی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته است و نگهداشتن آنها بر او [سنگین و] دشوار نیست و او بلندمرتبه [و] بزرگ است).

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ﴾^(۱۱۷)
 ﴿فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^(۱۱۸) ﴿فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ﴾^(۱۱۹)
 ﴿وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ﴾^(۱۲۰) ﴿قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(۱۲۱) ﴿رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ﴾^(۱۲۲) [الأعراف: ۱۱۷-۱۲۲]، یعنی: و [ما] به موسی و حی کردیم که: «عصای خود را بیفکن». ناگهان آن [عصا، به مار بزرگی تبدیل شد و] آنچه را به دروغ ساخته بودند، فرو بلعید. (۱۱۷) پس حقیقت آشکار گردید و آنچه می کردند باطل شد. (۱۱۸) و [فرعون و فرعونیان همگی در] آنجا شکست خوردند و خوار گردیدند. (۱۱۹) و

جادوگران به سجده افتادند. (۱۲۰) گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم. (۱۲۱) پروردگار موسی و هارون (۱۲۲)».

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ اِئْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَى اَلْقُوا مَا اَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّا اَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهُ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾ وَيُحِقُّ اللّٰهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾﴾ [یونس: ۷۹-۸۲]، یعنی: «و فرعون گفت: تمام جادوگران [ماهر و] دانا را نزد من بیاورید. (۷۹) وقتی جادوگران آمدند، موسی به آنان گفت: آنچه [از وسایل جادو] می‌خواهید بیفکنید، [اکنون] بیفکنید. (۸۰) هنگامی که افکندند، موسی گفت: «آنچه آورده‌اید، جادوست. یقیناً الله آن را باطل خواهد کرد. بی‌تردید، الله کارِ مفسدان را اصلاح نمی‌کند. (۸۱) و الله با سخنان خویش حق را [ثابت و] پایدار می‌کند؛ هر چند که مجرمان نپسندند (۸۲)».

﴿قَالُوا يَا مُوسَى اِمَّا اَنْ تُلْقِيَ وَاِمَّا اَنْ نَّكُونَ اَوَّلَ مَنْ اَلْقَى ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ اَلْقُوا فَاِذَا حِبَالُهُمْ وَعَصِيُّهُمْ يُلْحِقُ اِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ اَنْهَا تَسْعَى ﴿٦٦﴾ فَاَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَى ﴿٦٧﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعْلَى ﴿٦٨﴾ وَاَلْقِ مَا فِي

يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاجِرٌ وَلَا يُفْلِحُ السَّاجِرُ حَيْثُ
 أَتَى ﴿٦٩﴾ فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ﴿٧٠﴾ [طه:
 ۶۵-۷۰]، یعنی: «[جادوگران] گفتند: ای موسی، آیا تو [آنچه را با خود
 داری] می افکنی یا [ما] نخستین کسی باشیم که می افکند؟ (۶۵)
 [موسی] گفت: [نه]، بلکه، شما بیفکنید. ناگاه ریسمان ها و
 چوبدستی های آنان از جادویشان چنان به نظرش رسید که گویی به
 شتاب می خزند. (۶۶) پس موسی در دلش ترسی احساس کرد. (۶۷)
 گفتیم: ترس [که] تو قطعاً [پیروز و] برتری. (۶۸) و آنچه را که در
 دست راست خود داری بیفکن تا [تمام] آنچه را که ساخته اند بیلعد.
 بی تردید، آنچه آنان ساخته اند، فقط نیرنگِ جادوگر است و جادوگر هر
 جا که باشد [و هر چه کند]، پیروز نمی گردد. (۶۹) [هنگامی که موسی
 عصایش را بر زمین انداخت، به مار بزرگی تبدیل شد و ساخته های آنان
 را بلعد] آنگاه جادوگران به سجده افتادند [و] گفتند: به پروردگار
 هارون و موسی ایمان آوردیم (۷۰)».

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا
 أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ

دَيْنُكُمْ وَلِي دِينَ ﴿٦﴾ [الکافرون: ۶-۱]، یعنی: «[ای پیامبر] بگو: ای کافران. (۱) آنچه را شما عبادت می کنید، من عبادت نمی کنم. (۲) و [نیز] شما آنچه را که من عبادت می کنم، عبادت نمی کنید. (۳) و نه من عبادت کننده آنچه شما عبادت کرده اید خواهم بود. (۴) و نه شما عبادت کننده آنچه من عبادت می کنم خواهید بود. (۵) [بنابراین] آیین شما [که آن را برای خویش ساخته اید] برای خودتان و آیین من [که الله آن را بر من فرستاده است] برای خودم است (۶)».

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾﴾ [الإخلاص: ۴-۱]، یعنی: «[بگو: او الله یکتا و یگانه است. (۱) الله بی نیاز است [و همه نیازمند او هستند]. (۲) نه [فرزندی زاده و نه [از کسی] زاده شده است (۳) و هیچ کس همانند و همتای او نبوده و نیست (۴)».

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾﴾ [الفلق: ۵-۱]، یعنی: «[ای پیامبر]، بگو: به پروردگار سپیده دم پناه

می‌برم. (۱) از شرِ تمام آنچه آفریده است. (۲) و از شر تاریکی شب،
 آنگاه که همه جا را فراگیرد. (۳) و از شر [زنان جادوگر] که با افسون
 در گره‌ها می‌دمند. (۴) و از شر حسود، آنگاه که حسد ورزد (۵)».

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾ مِنْ شَرِّ
 الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾ مِنَ الْجِنَّةِ
 وَالنَّاسِ ﴿٦﴾﴾ [الناس: ۱-۶]، یعنی: «ای پیامبر! بگو: به پروردگار مردم
 پناه می‌برم. (۱) فرمانروای مردم. (۲) معبود مردم. (۳) از شر [شیطان]
 وسوسه‌گر که پنهان می‌گردد. (۴) همان [وسوسه‌گری] که در دل‌های
 مردم وسوسه می‌کند. (۵) از جنیان [باشد] و [یا از] آدمیان».

و بعد از خواندن آنچه بیان شد بر آب، سه جرعه از آن می‌نوشد و با
 باقیمانده آن غسل می‌کند و آن بیماری ان شاء الله رفع می‌شود، و اگر
 نیاز بود این کار را دو بار و یا بیشتر تکرار کند تا وقتی که بیماری رفع
 می‌شود اشکالی ندارد، و این درمان بسیار تجربه شده و خداوند به‌وسیله

آن سود رساننده و این درمان مفید است برای کسی که قدرت همبستری با همسرش به وسیله سحر از او گرفته شده است^(۱).

دوم: سوره فاتحه و آیت الکرسی و دو آیه پایانی سوره بقره، و همچنین سوره اخلاص و معوذین [یعنی سوره های فلق و ناس] را سه مرتبه یا بیشتر می خواند و همزمان در دستانش فوت می کند و با دست راست به صورت خود می کشد^(۲).

سوم: تعویذات و رُقیه های شرعی و دعا های جامع:^(۳)

(۱) نگا: فتاوی بن باز (۳/۲۷۹)، و فتح المجید (ص ۳۴۶)، و الصارم البتار فی التصدی للسرعة والأشراثر وحید عبدالسلام (۱۰۹-۱۱۷)، و در آنجا به رُقیه ای مفید و طولانی اشاره شده است. و مصنف عبدالرزاق (۱۱/۱۳)، و فتح الباری اثر ابن حجر (۱۰/۲۳۳).

(۲) نگا: البخاری با فتح (۹/۶۲)، به شماره (۵۰۱۶)، و مسلم (۴/۱۷۲۳)، به شماره (۲۱۹۲)، و بخاری با فتح (۱۰/۲۰۸).

(۳) منظور از تعویذات دعاهایی است که با «اعوذ» یا «نعوذ» شروع می شود به معنای پناه بردن به خداوند متعال است.

۱- هفت بار گفتن «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيكَ»، یعنی: «از الله بزرگ، پروردگار عرش بزرگ می‌خواهم که تو را شفا دهد»^(۱).

۲- بیمار دستش را بر همان جایی از بدنش که درد می‌کند می‌گذارد و سه بار بسم الله می‌گوید و هفت بار می‌گوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَازِرُ»، یعنی: «به الله و قدرتش پناه می‌برم از دردی که احساس می‌کنم و از شری که از آن حذر می‌کنم»^(۲).

۳- «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، أَذْهِبِ الْبَأْسَ، وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا»، یعنی: «خدایا پروردگار مردم، درد را

(۱) به روایت ابوداود (۱۸۷/۳)، به شماره (۳۱۰۶)، و ترمذی (۴۱۰/۲) به شماره ۲۰۸۳، و شیخ آل‌بانی در صحیح الجامع (۱۸۰/۵) به شماره (۳۲۲) و در صحیح سنن ابوداود (۲۷۶/۲) آن را صحیح دانسته است.

(۲) مسلم (۱۷۲۸/۴) به شماره (۲۲۰۲).

برطرف کن و شفا بده که خودت شفا دهنده‌ای، هیچ شفایی جز شفای تو نیست، شفایی بده که هیچ دردی را باقی نگذارد»^(۱).

۴- «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَآمَةٍ»، یعنی: «پناه می‌برم به کلمات کامل الله از هر شیطان و گزنده سمی و از هر چشم زیان‌رسان»^(۲).

۵- «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»، یعنی: «پناه می‌برم به کلمات کامل الله از شر آنچه خلق نموده است»^(۳).

۶- «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ: مِنْ غَضَبِهِ، وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَخْضُرُونِ»، یعنی: پناه می‌برم به کلمات کامل

(۱) بخاری همراه با فتح (۲۰۶/۱۰) به شماره (۵۷۵۰)، و مسلم (۱۷۲۱/۴) به شماره (۲۱۹۱).

(۲) بخاری با فتح (۴۰۸/۶) به شماره (۳۳۷۱).

(۳) مسلم (۱۷۲۸/۴) حدیث (۲۷۰۹).

الله از خشم او و مجازات او و شر بندگانش و از وسوسه های شیاطین به تو پناه می برم و پناه می برم به تو از اینکه نزد من حاضر شوند^(۱).

۷- «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَبَرًّا، وَذَرًّا، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِي الْأَرْضِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمَنُ»، یعنی: «پناه می برم به کلمات کامل و جامع خداوندی که هیچ کس نه نیکوکار و نه فاسق از آن ها عبور نمی کند، از شر آنچه که آفریده، و بوجود آورده، و منتشر کرده، و از شر آنچه که از آسمان نازل می شود، و از شر آنچه که به سوی آسمان عروج می کند، و از شر آنچه که در زمین پراکنده کرده،

(۱) روایت ابوداود به شماره (۳۸۹۳)، و ترمذی به شماره (۳۵۲۸) و شیخ آلبنی در صحیح

سنن ترمذی (۱۷۱/۳) آن را حسن دانسته است.

و از شرّ آنچه که از آن خارج می‌شود، و از شرّ فتنه‌های شب و روز، و از شرّ هر پیشامدی به جز پیشامد نیک، ای رحمان!»^(۱)

۸- «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبَّ الْأَرْضِ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ ...»، یعنی: (الهی! پروردگار آسمان‌ها و زمین، و پروردگار عرش بزرگ، پروردگار ما و همه چیز، شکافنده دانه و هسته، و فرود آورنده تورات و انجیل و فرقان، از شرّ هر آنچه که در دست توست به تو پناه می‌برم. خداوند! اول تویی، قبل از

(۱) مسند احمد (۱۱۹/۳)، به شماره (۱۵۴۶۱)، با سند صحیح، و ابن سنی به شماره (۶۳۷)،

و نگا: مجمع الزوائد (۱۲۷/۱۰)، و شیخ آل‌بانی در سلسلة الأحادیث الصحيحة (۱۹۶/۷)

آنرا صحیح دانسته است.

تو چیزی نیست. و آخر توئی، بعد از تو چیزی نیست. تو ظاهری که بالاتر از تو نیست. تو باطنی، و هیچ چیز از تو پنهان نیست...»^(۱).

۹- «بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ»، یعنی: (بنام الله از هر چه اذیت می کند مداوایت می نمایم، از شر هر نفس یا چشم حسود، الله تعالی شفایت می دهد، بنام الله مداوایت می کنم)^(۲).

۱۰- «بِسْمِ اللَّهِ يُبْرِيكَ، وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشْفِيكَ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي عَيْنٍ»، یعنی: «به نام خداوند بیماری را از تو دفع می کند، و از هر بیماری تو را شفا می دهد، و تو را حفظ می کند از شر حسودی که حسادت می کند، و از شر هر کسی که چشم بد دارد»^(۳).

۱۱- «بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ حَسَدِ حَاسِدٍ، وَمِنْ كُلِّ ذِي عَيْنٍ اللَّهُ يَشْفِيكَ»، یعنی: (بنام الله از هر چه اذیت می کند مداوایت

(۱) مسلم (۲۰۸۴/۴) به شماره (۲۷۱۳).

(۲) روایت مسلم از ابوسعید خدری رضی الله عنه (۱۷۱۸/۴) به شماره (۲۱۸۶).

(۳) روایت مسلم از عایشه رضی الله عنها (۱۷۱۸/۴)، به شماره (۲۱۸۵).

می‌نمایم، از شر حسودان و از چشم دیگران خداوند شفایت دهد^(۱).

آنچه بیان شد تعویذات و دعاها و رُقِیّه‌های شرعی هستند که برای درمان جادو و چشم‌زخم و جن‌زدگی و همه بیماری‌ها به کار می‌رود زیرا درمانی جامع و مفید هستند به‌اذن و اراده الهی.

نوع سوم: تخلیه محل یا عضوی که اثر سحر و طلسم بر آن نمایان شده در صورت امکان. و اگر امکانش نبود، درمان‌هایی که قبلاً بیان کردیم به حمد الهی کافی است^(۲).

نوع چهارم: داروهای طبیعی، برخی از داروهای طبیعی مفید هستند و قرآن کریم و سنت پاک پیامبر صلی الله علیه وسلم هم بر آن

(۱) سنن ابن ماجه، به‌شماره (۳۵۲۷) از عباد بن صامت رضی الله عنه، و شیخ آل‌بانی در صحیح ابن ماجه (۲/۲۶۸) آن را صحیح دانسته است.

(۲) نگا: زادالمعاد (۴/۱۲۵)، و نمونه‌هایی از درمان سحر و جادو پس از وقوع آن وجود دارد که اگر تجربه شود مفید خواهند بود. نگا: مصنف ابن ابی شیبّه (۷/۳۸۶-۳۸۷)، و فتح الباری (۱۰/۲۳۳-۲۳۴)، و مصنف عبدالرزاق (۱۱/۱۳)، الصارم البتار (ص ۱۹۴ - ۲۰۰)، و السحر حقیقه و حکمه اثر دکتر مسفر الدمیني (ص ۶۴-۶۶).

دلالت دارند، مشروط بر اینکه انسان با یقین، صداقت و روی آوردن به خداوند و اعتقاد به اینکه سود آن از جانب خداوند است که اگر بخواهد آنرا مفید می گرداند، کما اینکه داروهای مرکب از گیاهان و غیره وجود دارند که بر اساس تجربه ثابت شده که مفید هستند، استفاده از آنها تا زمانی که حرام نباشد شرعا مشکلی ندارد^(۱).

و از درمان های طبیعی و مفید به اذن الهی: عسل، سیاه دانه، آب زمزم، و آب باران است، به دلیل فرموده خداوند: ^{(۲)(۳)(۴)}

﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبْرَكًا﴾ [ق: ۹]، یعنی: «و بارانی پربرکت از آسمان فرستادیم». و روغن زیتون به دلیل این فرموده پیامبر صلی الله

(۱) نگا: فتح الحق المبين في علاج الصرع والسحر والعين (ص: ۱۳۹).

(۲) نگا: فتح الحق المبين (ص ۱۴۴) و در مورد درمان با آب زمزم در این کتاب سخن خواهیم گفت.

(۳) نگا: فتح الحق المبين (ص ۱۴۱) و در مورد درمان با سیاه دانه در همین کتاب سخن خواهیم گفت.

(۴) نگا: فتح الحق المبين (ص ۱۴۰) و در مورد درمان با عسل در این کتاب سخن خواهیم گفت.

علیه وسلم: «كُلُوا الزَّيْتِ وَادَّهِنُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ»، یعنی: «روغن [زیتون] را بخورید و از آن بر خود بمالید، زیرا آن از درختی مبارک است»^(۱). و از واقع تجربه، استعمال و مطالعه ثابت شده که بهترین نوع روغن است^(۲)، و از درمان‌های طبیعی غسل کردن، رعایت نظافت شخصی و استفاده از خوش‌بویی است^(۳).

۲- درمان چشم‌زخم

درمان چشم‌زخم انواعی دارد:

نوع نخست: قبل از وقوع آن که خود انواع مختلفی دارد:

(۱) احمد در مسند (۴۹۷/۳) به شماره (۱۶۰۵۵)، و ترمذی به شماره (۱۸۵۱) و ابن ماجه

به شماره (۳۳۱۹) و شیخ آلبانی در صحیح ترمذی (۱۶۶/۲) آن را صحیح دانسته است.

(۲) نگا: فتح الحق المبین فی علاج الصرع والسحر والعین (ص ۱۴۲).

(۳) نگا: منبع پیشین (ص ۱۴۵).

۱- «پناه بردن و محافظت از کسی که ترسیده می شود به او آسیبی برسد با ذکرها، دعاها و تعوذات مشروع، همان طور که در بخش اول درمان سحر آمده است»^(۱).

۲- دعا برای کسی که ترس از آن می رود که توسط او به چشم زخم مبتلا شود، اگر در جان و مال خود یا فرزند و یا برادرش و یا شخص دیگری چیزی دید که مایه شگفتی او شود برایش دعای برکت می کند و می گوید: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَيْهِ»، یعنی: «آنچه خدا خواست و هیچ قدرتی جز با خدا نیست، خدایا در آن برکت قرار بده»، به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم: «إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ مِنْ أَخِيهِ مَا يُعْجِبُهُ فَلْيَدْعُ لَهُ بِالْبَرَكَةِ»، یعنی: «اگر کسی از شما از برادرش یا خودش یا مالش چیزی دید که آن را پسندید برایش دعای برکت کند»^(۲).

(۱) نگا: آنچه قبلاً در مورد درمان سحر در این کتاب گفتیم.

(۲) روایت مالک در موطأ (۹۳۸/۲)، و ابن ماجه (۱۱۶۰/۲) به شماره (۳۵۰۹)، و احمد

(۴۴۷/۴) به شماره (۱۵۷۰۰)، و شیخ آلبنی آنرا در صحیح ابن ماجه (۲۶۵/۲) صحیح

۳- پوشاندن ویژگی‌های خوب کسی که ترس از آن می‌رود که به چشم‌زخم مبتلا شود^(۱).

نوع دوم: بعد از مبتلا شدن به چشم‌زخم، که خود انواع مختلفی دارد:

۱- اگر شخص چشم‌زننده مشخص شد به او دستور داده می‌شود که وضو بگیرد و سپس آن کسی که چشم‌خورده بوسیله آن آب غسل کند^(۲).

۲- خواندن زیاد:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾

دانسته است، و زادالمعاد (۴/۱۷۰)، و الصارم البتار في التصدي للسحرة والأشرار اثر شيخ وحيد عبدالسلام (ص ۲۲۹-۲۵۲).

(۱) نگا: شرح السنة اثر بغوی (۱۳/۱۱۶)، و زادالمعاد (۴/۱۷۳).

(۲) نگا: سنن ابوداود (۴/۹) به‌شماره (۵۰۵۶)، و شيخ آلبانی در سلسله الأحادیث الصحيحة (۶/۶۱)، و زادالمعاد (۴/۱۶۳)، و نگا: الوقاية والعلاج من الكتاب والسنة لمحمد بن شایع، (ص ۱۴۴-۱۴۷).

[ای پیامبر] بگو: «او الله یکتا و یگانه است. معوذتین (سوره‌های فلق و ناس)، سوره فاتحه، آیت الکرسی، آیات پایانی سوره بقره، دعا‌های مشروع در رُقِیّه شرعی همراه با فوت کردن و کشیدن دست راست به جایگاه درد همان‌طور که در نوع دوم درمان سحر در بخش (ج) از شماره ۱-۱۱ به آن اشاره کردیم^(۱).

«بر آب می‌خواند و در آن می‌دمد سپس بیمار از آن می‌نوشد^(۲)، و باقیمانده آب را بر او می‌ریزند^(۳)، یا بر روغن می‌خواند و به بدن

(۱) نگا: آنچه قبلاً در مورد درمان سحر در این کتاب گفتیم.

(۲) سنن ابوداود (۱۰/۴) به شماره (۳۸۸۵) و پیامبر صلی الله علیه وسلم این کار را برای ثابت بن قیس انجام دادند. شیخ آل‌بانی در ضعیف سنن ابوداود به شماره (۸۳۶) آنرا ضعیف دانسته است.

(۳) مسند احمد (۴۹۷/۳)، به شماره (۱۶۰۵۵)، و شیخ آل‌بانی در سلسلة الأحادیث الصحیحة (۱۰۸/۱) به شماره (۳۷۹) آنرا صحیح دانسته است.

می‌کشد، و اگر در صورت امکان بر آب زمزم بخواند کامل‌تر است^(۱)،
و یا آب باران^(۲).

۴- اشکالی ندارد که شخص بیمار آیاتی از قرآن را بنویسد و آن را با
آب بشوید و از آن آب بنوشد، از جمله سوره فاتحه، آیت الکرسی، دو
آیه پایانی سوره بقره، و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾^(۳)، یعنی: «[ای پیامبر]
بگو: او الله یکتا و یگانه است»، و معوذتین (سوره‌های فلق و ناس) و
دعاهای رُقیه شرعی^(۴) همانگونه که در نوع دوم درمان سحر، بخش‌های
«ب» و «ج» از شماره ۱-۱۱ به آن اشاره کردیم.^(۴)

نوع سوم: گرفتن اسبابی که چشم‌زخم حسود را دفع می‌کند و به
شرح ذیل است:

۱- پناه بردن از شر آن.

(۱) نگا: آنچه قبلا در مورد درمان سحر در این کتاب گفتیم.

(۲) نگا: آنچه قبلا در مورد درمان سحر در این کتاب گفتیم.

(۳) نگا: زاد المعاد ابن القیم (۱۷۰/۴) و فتاوی ابن تیمیه (۶۴/۱۹).

(۴) نگا: نوع دوم از درمان سحر و جادو که در این کتاب آمده است.

۲- رعایت تقوای خداوند و حفظ امر و نهی او: «اَحْفَظِ اللهَ يَحْفَظُكَ»، یعنی: «الله متعال را حفظ کن، تو را حفظ می کند»^(۱).

۳- صبر کردن در برابر آزار حسود، و بخشیدن او، با وی درگیر نمی شود، و از او گلایه نمی کند و با خودش از آزار او نمی گوید.

۴- توکل بر خداوند، هر کسی به خداوند توکل کند، خداوند برای او کافی است.

۵- از شخص حسود نمی ترسد و قلبش را مملو از اندیشیدن به وی نمی کند، و این از بهترین درمان هاست.

۶- روی آوردن به خداوند، و اخلاص داشتن برای او، و جویای رضایت خدای سبحان بودن.

۷- توبه از گناهان؛ زیرا گناهان سبب می شوند که دشمن انسان بر او مسلط شود:

(۱) روایت ترمذی به شماره (۲۵۱۶) و شیخ آلبنی در صحیح سنن ترمذی (۳۰۹/۲) آن را صحیح دانسته است.

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشوری: ۳۰]، یعنی: «هر مصیبتی که به شما رسد، به خاطر کارهایی است که انجام داده‌اید؛ و [الله] از بسیاری [از گناهانتان] گذشت می‌کند».

۸- صدقه دادن و نیکی کردن تا جایی که امکان دارد؛ زیرا این کار تأثیر عجیبی در دفع بلا و چشم‌زخم و شر حسودان دارد.

۹- خاموش کردن آتش حسود و آزاررسان با نیکی کردن به او، هر چقدر آزارش و اذیت و بدی و حسادتش نسبت به تو بیشتر شد تو بیشتر در حق او خوبی کن و او را نصیحت کن و برای او دلسوزی کن، تنها کسانی به این کار توفیق می‌یابند که بهره بزرگی نزد خداوند دارند.

۱۰- خالص گرداندن توحید و اخلاص برای خدای عزیز و حکیم که هیچ ضرر و سودی به انسان نمی‌رسد مگر با اذن و اراده او، و او جامع همه آن است و مدار اسباب بر اوست، پس توحید پناهگاه بزرگ الهی است که اگر کسی وارد آن شد در امان می‌ماند.

این ده سببی بود که شر و بدی حسود، چشم‌زننده و ساحر و جادوگر را دفع می‌کند^(۱).

۳- درمان جن‌زدگی (وارد شدن جن در بدن انسان)

درمان کسی که بخاطر رفتن جن در بدن او دچار صرع و تشنج می‌شود دو نوع است:

نوع اول: قبل از وقوع آن

از راه‌های پیش‌گیری از آن، پابندی به همه فریضه‌ها و واجبات، و دوری از همه کارهای حرام، و توبه از همه گناهان و پناه گرفتن با اذکار، دعاها، و تعوذات مشروع است.

نوع دوم: درمان بعد از ورود جن به بدن.

که از طریق قرائت انسان مسلمانی که قلب و زبان او هماهنگ باشد و رُقیه کردن فرد متشنج انجام می‌شود، و بزرگ‌ترین درمان با رُقیه

(۱) نگا: بدائع الفوائد اثر امام ابن القیم (۲/۲۳۸-۲۴۵).

خواندن سورۀ فاتحه، آیت الکرسی، دو آیه پایانی سورۀ بقره و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ [ای پیامبر] بگو: «او الله یکتا و یگانه است». و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ [ای پیامبر،] بگو: «به پروردگار سپیده دم پناه می برم»، و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ [ای پیامبر،] بگو: «به پروردگار مردم پناه می برم»، همراه با فوت کردن و دمیدن بر شخصی که دچار تشنج شده، و تکرار آن سه مرتبه و یا بیشتر، و خواندن دیگر آیات قرآن، زیرا کل قرآن شفای دل هاست، و برای مؤمنان شفا^(۱)، هدایت و رحمت است، و همچنین دعاهاى مربوط به رُقِیّه شرعی که در نوع دوم درمان سحر بخش (ب) و (ج)^(۲) به آن اشاره شد، و در این درمان باید به دو نکته توجه کرد:

(۱) نگا: سنن ابوداود (۴/۱۳-۱۴) به شماره (۳۸۹۶)، و احمد (۵/۲۱۰) به شماره (۲۱۸۳۵)

و شیخ آلبنی در سلسله صحیح به شماره ۲۰۲۸ آن را صحیح دانسته است.

(۲) نگا: الفتح الربانی ترتیب مسند الإمام أحمد، (۱۷/۱۸۳).

(۳) نگا: نوع دوم از درمان سحر و جادو که در این کتاب آمده است.

اول: از جهت کسی که دچار صرع (تشنج) شده، که باید قدرت و توان داشته باشد و صادقانه به سوی خداوند روی کند، و با تعوذات صحیح که قلب و زبان در آن هم خوانی داشته باشند به او پناه ببرد.

امر دوم: از جهت کسی که درمان می کند نیز باید اینگونه باشد، زیرا قدرت سلاح به کسی است که از آن استفاده می کند^(۱).

و اگر در گوش کسی که دچار صرع (تشنج) شده اذان بگوید هم خوب است، زیرا شیطان از آن فرار می کند^(۲).

(۱) نگا: رقیه طولانی و مفید در الصارم البتار، (۱۰۹-۱۱۷)، اثر شیخ وحید عبد السلام، و نگا: زاد المعاد، (۴/۶۶-۶۹)، وایضاح الحق فی دخول الجنی بالإنسی والرد علی من أنکر ذلك اثر علامه عبد العزیز بن عبد الله ابن باز، (ص ۱۴)، و فتاوی ابن تیمیة، (۹/۱۹، ۶۵)، و (۲۴/۲۷۶)، و الوقایة والعلاج من الکتاب والسنة اثر محمد بن شایع، (ص ۶۶-۶۹)، و نگا: کیفیة طرد الجن من البيت، الوقایة والعلاج اثر محمد بن شایع، (ص ۵۹)، وعالم الجن والشیاطین اثر اشقر (ص ۱۳۰).

(۲) نگا: فتح الحق المبین فی علاج الصرع والسحر والعین (ص: ۱۱۲)، و بخاری به شماره (۵۷۴).

۴- درمان بیماری‌های روحی روانی:

بهترین درمان بیماری‌های روحی و روانی و احساس دل‌گرفتگی بصورت اختصار این است:^(۱)

۱- هدایت و توحید، کما اینکه گمراهی و شرک از بزرگ‌ترین اسباب دل‌گرفتگی هستند.

۲- نور ایمان راستین که خداوند در قلب بنده قرار می‌دهد، همراه با اعمال نیک.

۳- علم سودمند، هر چقدر دانش انسان بیشتر باشد، سینه‌اش فراخ‌تر خواهد بود.

۴- توبه و بازگشت به سوی خداوند و محبت داشتن نسبت به او با تمام وجود، و روی آوردن به او و لذت بردن از عبادتش.

(۱) نگا: اسباب گشایش سینه در زادالمعاد ابن القيم (۲/۲۳-۲۸)، و کتاب الوسائل المفيدة للحياة السعيدة اثر علامه عبد الرحمن بن ناصر السعدي رحمه الله.

۵- همیشه و در هر حال و در هر مکان ذکر خدا گفتن، زیرا ذکر تأثیر عجیبی در فراخی سینه و آرامش دل و زدودن غم و غصه دارد.

۶- نیکوکاری در حق مردم با انجام انواع نیکی‌ها، و سود رساندن به آن‌ها تا جایی که امکان دارد، انسان سخاوتمند نیکوکار گشاده‌سینه‌ترین، و نیکوسرشت‌ترین و آرام‌دل‌ترین انسان است.

۷- شجاعت، زیرا انسان شجاع سینه‌ای فراخ و قلبی گشاده دارد.

۸- خارج کردن دغل‌های قلب (ایرادها و عیب‌های آن) که همان ویژگی‌های نکوهیده‌ای هستند که سبب تنگی سینه و عذاب آن می‌شوند مانند: حسادت، بغض و کینه ورزیدن، دشمنی داشتن، و خصومت ورزیدن و تجاوز و.... و ثابت است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیده شد بهترین انسان کیست؟ ایشان فرمودند: ^(۱) «كُلُّ مَخْمُومِ الْقَلْبِ، صَدُوقِ اللِّسَانِ» فَقَالُوا: صَدُوقُ اللِّسَانِ نَعْرِفُهُ، فَمَا مَخْمُومُ الْقَلْبِ؟ قَالَ: «هُوَ التَّقِيُّ، النَّقِيُّ، لَا إِثْمَ فِيهِ، وَلَا بَغْيٍ، وَلَا غِلٍّ، وَلَا حَسَدٍ». «هر آن کس که دلی مخموم و زبانی راستگو دارد» صحابه

(۱) دغل هر چیزی: عیبی و ایرادی است که آنرا فاسد می‌کند.

عرض کردند زبان صادق را می‌فهمیم، مخموم دل چیست؟ ایشان فرمودند: «انسان با تقوای پاک، که نه مرتکب گناه می‌شود نه تجاوز و نه کینه می‌ورزد و نه حسادت می‌کند»^(۱).

۹- ترک نگاه‌ها، سخنان، شنیدن‌ها، هم‌نشینی‌ها، خوردن‌ها و نوشیدنی‌های اضافه و غیر ضروری، ترک این‌ها از اسباب فراخی سینه و رفاه دل و زدودن غم و غصه است.

۱۰- مشغول شدن به کار، یا علم مفید، زیرا قلب را از مشغولیت به آنچه موجب نگرانی‌اش شده باز می‌دارد.

۱۱- توجه به کارهای امروز، و نیندیشیدن به آینده، و اندوه گذشته را نخوردن، انسان برای آنچه در دین و دنیا برای او مفید است تلاش می‌کند و از خداوند می‌خواهد هدف او را موفقیت آمیز قرار دهد و از خداوند برای تحقق اهدافش یاری بطلبد؛ این کار غصه و اندوه را از بین می‌برد.

(۱) سنن ابن ماجه، به‌شماره (۴۲۱۶) و شیخ آل‌بانی در صحیح ابن ماجه (۴۱۱/۲) آن‌را صحیح دانسته است.

۱۲- نگاه کردن به کسی که [از ناحیه دنیوی] پایین تر از شماست، و به کسی که بالاتر از شماست نگاه نکنید: در تندرستی و توابع آن، در روزی و توابع آن.

۱۳- فراموش کردن اتفاقات ناگواری که امکان بازگشت و جبران آنها نیست، نباید به این اتفاقات اصلاً فکر کرد.

۱۴- اگر بلایی بر سر بنده آمد باید تلاش کند آثار آن را کاهش دهد، و بدترین احتمالات را در مورد فرجام آن کار در نظر بگیرد و بر اساس توان خود آن را دفع کند.

۱۵- قدرت دل، و آزرده نشدن آن و منفعل نشدن در برابر توهومات و خیالاتی که اندیشه‌های بد را سراغ انسان می‌آورد، و خشمگین نشدن، و فکر نکردن به از بین رفتن و زوال چیزهایی که دوست دارد و حدوث آنچه بدش می‌آید؛ بلکه امور را به خداوند واگذار می‌کند در عین اینکه به اسباب مفید چنگ می‌زند و از خداوند عفو و عافیت می‌طلبد.

۱۶- تکیه کردن دل به خداوند و توکل کردن به او و گمان نیک داشتن به خداوند، زیرا شخصی که بر خداوند توکل می‌کند توهّمات و خیالات اثری بر او نمی‌گذارند.

۱۷- عاقل خوب می‌داند که زندگی درست، زندگی سعادت‌مندانه و توأم با آرامش است که بسیار کوتاه می‌باشد؛ بنابراین شایسته و مناسب او نیست که آن را با نگرانی‌ها و تیرگی‌ها و ناملایمتهای سپری کند، چرا که چنین وضعیتی با زندگی درست و سالم نمی‌خواند و در تضاد است.

۱۸- همچنین اگر اتفاق ناگواری برایش پیش آمد باید بین بقیه نعمت‌های دینی و دنیوی و آن اتفاق ناگوار مقایسه کند، در هنگام مقایسه به‌خوبی به زیادی نعمت‌هایی که اطرافش وجود دارند پی می‌برد، همچنین بین ترسی که از وقوع اتفاق ناگوار دارد و بین احتمالات زیاد ایمن ماندن از آن را مقایسه می‌کند و اجازه نمی‌دهد هیچ احتمال ضعیفی بر احتمالات زیاد و قوی غلبه کند، و اینگونه غم و غصه‌اش پایان می‌یابد.

۱۹- اینکه بداند اذیت مردم هیچ آسیبی به او نمی‌رساند، خصوصاً گفتار پلیدشان؛ بلکه به خود آن‌ها آسیب می‌رساند، پس به آن توجهی نمی‌کند و حتی به آن فکر نمی‌کند تا از آزارش در امان بماند.

۲۰- به چیزهایی فکر می‌کند که برای دین و دنیای او سودمند باشند.

۲۱- بنده در برابر خوبی‌هایی که انجام داده نباید انتظار تشکر و قدردانی داشته باشد مگر از خداوند، و باید بداند که او با خداوند معامله می‌کند، پس برایش مهم نیست کسی که در حقش خوبی کرده از وی تشکر کند یا خیر:

﴿إِنَّمَا نُنْطَعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾^(۹)

[الإنسان: ۹]، یعنی: «[و در دل می‌گویند:] ما فقط به خاطر الله به

شما غذا می‌دهیم؛ نه از شما پاداشی می‌خواهیم و نه سپاسی».

۲۲- کارهای مفید را پیش چشم خود قرار دادن، و تلاش برای انجام آن و توجه نکردن به کارهای مضر، انسان نباید ذهن و فکر خود را درگیر آن کند.

۲۳- تصمیم قطعی و فوری گرفتن در مورد کارها، و فارغ شدن برای آینده تا اینکه کارهای آینده همراه با قدرت اندیشه و عمل باشند.

۲۴- در انجام کارها و کسب دانش‌های مفید مهم‌ترین‌ها را اولویت‌بندی می‌کند، بویژه آن‌هایی که شدیداً به آن‌ها علاقمند است و برای گرفتن آن از خداوند یاری می‌طلبد و سپس با دیگران مشورت می‌کند، اگر مصلحت برایش مشخص شد تصمیمش را گرفته و بر خداوند توکل می‌کند.

۲۵- بازگو کردن نعمت‌های آشکار و پنهان خداوند؛ زیرا شناخت نعمت‌ها و بازگو کردن آن سبب می‌شود خداوند غم و غصه را از انسان دور نموده و انسان را برای شکرگزاری تشویق می‌کند.

۲۶- رفتار خود با همسر، نزدیکان، و کارمندان، و هر کسی که بین تو و او رابطه‌ای وجود دارد، اگر در او عیبی یافتی به خوبی‌های وی هم نگاهی بینداز و آن‌ها را با هم مقایسه کن، با این کار دوستی‌ها استمرار می‌یابد و سینه‌ها فراخ می‌شود، و به‌همین دلیل پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «لَا يَفْرَكُ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً، إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا، رَضِيَ مِنْهَا

آخَر». «هیچ مرد مؤمنی از زنی مؤمن (یعنی همسرش) متنفر نشود؛ زیرا اگر یک اخلاق او را نپسندد، اخلاق دیگرش را می‌پسندد»^(۱).

۲۷- دعا کردن برای صلاح کارها، و بزرگ‌ترین این دعاها عبارتند از: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ»، یعنی: «خدایا! دین مرا اصلاح کن که حفظ کار من، در آن است و دنیا را اصلاح کن که روزی من در آن است و آخرت مرا اصلاح کن که معاد و بازگشت من به آن است و زندگی را در خیر بسیار و مرگ را راحتی از هر شر برایم بگردان»^(۲). و همچنین: «اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»، یعنی: «بارالها، به

(۱) مسلم (۱۰۹۱/۲) به شماره (۱۴۶۹).

(۲) مسلم (۲۰۸۷/۴) به شماره (۲۷۲۰).

رحمت تو امیدوارم، پس یک چشم بر هم زدن هم مرا به نفسم وامگذار؛ و همه‌ی کارهایم را اصلاح بفرما؛ معبود بر حقى جز تو نیست^(۱).

۲۸- جهاد در راه خداوند؛ به دلیل این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم: «جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، يُنَجِّي اللَّهُ بِهِ مِنَ الْهَمِّ وَالْغَمِّ»، یعنی: «در راه خداوند جهاد کنید؛ زیرا جهاد در راه خداوند دری از درهای بهشت است که خداوند به وسیله آن غم و غصه را از انسان دور می کند»^(۲).

این اسباب و وسیله‌ها برای درمان بیماری‌های روحی و روانی مفید هستند، و بزرگ‌ترین درمان بیماری‌های روحی و روانی به شمار می‌روند برای کسی که در آن‌ها تدبیر نموده و با صداقت و اخلاص به آن عمل

(۱) به روایت ابوداود (۳۲۴/۴) به شماره (۵۰۹۰)، و احمد (۴۲/۵) به شماره (۰۴۳۰) و شیخ آل‌بانی در صحیح الجامع به شماره (۳۳۸۸) آنرا صحیح و در سنن ابوداود (۲۵۱/۳) آنرا حسن دانسته است.

(۲) احمد (۳۱۶، ۳۱۹، ۳۳۰، ۳۲۶) به شماره‌های (۲۱۶۲۴، ۲۲۶۸۰، ۲۲۷۳۲)، و حاکم نیز این روایت را ذکر نموده و آنرا صحیح دانسته و ذهبی با وی موافقت کرده است (۷۲/۲)، و شیخ آل‌بانی در سلسله صحیحه (۲۷۴/۲) آنرا صحیح دانسته است.

کند، و برخی از علما در بسیاری از موارد بیماری‌های روحی و روانی به‌وسیله آن دیگران را درمان کرده‌اند و خداوند آن‌را بسیار سودمند گردانده است^(۱).

۵- درمان زخم و جراحت

پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه انسانی از درد می‌نالید، یا دچار زخم و جراحت می‌شد، انگشت سبابه خود را اینگونه می‌کرد، سفیان انگشت خود را به زمین زد سپس بالا آورد و گفت: «بِسْمِ اللَّهِ، تُرَبُّهُ أَرْضُنَا، بِرِيقَةٍ بَعْضُنَا، يُشْفَى بِهِ سَقِيمُنَا، بِإِذْنِ رَبِّنَا»، یعنی: «به نام خداوند، خاک زمین ما، با آب دهان بعضی از ما، شفا می‌دهد بیمار ما را، به‌اذن و ارادهٔ پروردگار ما»^(۲).

و معنای حدیث این است که آب دهان خود را به انگشتش سبابه می‌زند، سپس به خاک می‌مالد تا مقداری خاک به آن بچسبد سپس

(۱) نگا: مقدمه الوسائل المفيدة، چاپ پنجم، (ص ۶).

(۲) بخاری همراه با فتح (۲۰۶/۱۰) به شماره (۵۷۴۵)، و مسلم (۱۷۲۴/۴) به شماره

(۲۱۹۴).

آنرا بر روی زخم یا مکان درد می گذارد و در حال لمس کردن این دعا را می خواند ^(۱).

۶- درمان مصیبت

- ۱- ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ ﴿۲۲﴾ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ ﴿[الحديد: ۲۲-۲۳]
- یعنی: «هیچ آسیبی در زمین و یا در وجود شما روی نخواهد داد، مگر آنکه پیش از ایجادش، در کتابی [لوح محفوظ] رقم خورده است. به راستی که این کار، بر الله آسان است (۲۲). [این نکته را تذکر دادیم] تا بر آنچه از دستتان می رود افسوس نخورید و به آنچه به دست می آورید سرمست نگردید که الله هیچ متکبرِ فخرفروشی را دوست ندارد (۲۳)».
- ۲- ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ سَبِيلَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ ﴿[التغابن: ۱۱]
- یعنی: «هیچ مصیبتی [به

(۱) نگا: شرح نووی بر صحیح مسلم (۱۴/۱۸۴)، و فتح الباری ابن حجر (۱۰/۲۰۸)، و

نگا: شرح مفصل حدیث در زادالمعاد (۴/۱۸۶-۱۸۷).

انسان [نمی‌رسد، مگر به حکم] [و فرمان] الله؛ و هر کس به الله ایمان آورد، [الله] قلبش را هدایت می‌کند؛ و الله به همه چیز داناست».

۳- «مَا مِنْ عَبْدٍ تُصِيبُهُ مُصِيبَةٌ، فَيَقُولُ: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ أَجْرُنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا، إِلَّا أَجَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي مُصِيبَتِهِ، وَأَخْلَفَ لَهُ خَيْرًا مِنْهَا»، یعنی: «مسلمانی نیست که دچار مصیبتی شود، سپس آنچه الله به او امر کرده را بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ أَجْرُنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا» یعنی (ما از آن خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت) خداوند مرا در مصیبتم پاداش عطا کن، و بهتر از آن [چه از دست دادم] را جانشینش بگردان، مگر آنکه الله بهتر از آن را جانشینش قرار می‌دهد».^(۱)

۴- «إِذَا مَاتَ وَلَدُ الْعَبْدِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: قَبَضْتُمْ وَلَدَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: قَبَضْتُمْ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: مَاذَا قَالَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: حَمْدَكَ وَاسْتَرْجَعَ، فَيَقُولُ: ابْنُوا لِعَبْدِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، وَاسْمُوهُ بَيْتَ الْحَمْدِ»، یعنی: «چون فرزند بنده بمیرد، الله متعال به

(۱) مسلم (۶۳۳/۲) به شماره (۹۱۸).

فرشتگانش می‌فرماید: جان فرزند بنده‌ام را گرفتید؟ پس آنان می‌گویند: بله، می‌فرماید: آیا جگر گوشه‌اش را از او گرفتید؟ می‌گویند: بله، می‌فرماید: بنده من چه گفت؟ می‌گویند: تو را ستایش کرد و «انا لله و انا الیه راجعون» گفت^(۱)، پس می‌فرماید: برای بنده من خانه‌ای در بهشت بسازید و نام آن را خانه حمد بگذارید»^(۲).

۵- «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: مَا لِعَبْدِي الْمُؤْمِنِ عِنْدِي جَزَاءٌ إِذَا قَبَضْتُ صَفِيَّةً مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا ثُمَّ احْتَسَبَهُ إِلَّا الْجَنَّةَ»، یعنی: «الله متعال می‌فرماید: هرگاه یکی از عزیزان بنده مؤمنم را در دنیا از او بگیرم و او به امید اجر و ثواب صبر کند، نزد من پاداشی جز بهشت ندارد»^(۳).

۶- و پیامبر صلی الله علیه وسلم به مردی که پسرش از دنیا رفته بود گفت: «أَلَا تُحِبُّ أَنْ لَا تَأْتِيَ أَبَاكَ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَجَدَتْهُ يَنْتَظِرُكَ»،

(۱) یعنی می‌گوید: الحمد لله و انا لله و انا الیه راجعون.

(۲) ترمذی به شماره (۱۰۲۱) و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن ترمذی (۲۹۸/۱) آن را حسن دانسته است.

(۳) بخاری با فتح (۲۴۲/۱۱) به شماره (۶۴۲۴).

یعنی: «آیا دوست نداری در هر دری از درهای بهشت که می‌روی او را ببینی که منتظر تو است؟»^(۱).

۷- «يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدِي بِحَبِيبَتِيهِ فَصَبْرٍ [وَاحْتِسَبَ] عَوَضَتُهُ مِنْهُمَا الْجَنَّةَ». يُرِيدُ عَيْنِيهِ، یعنی: الله می‌فرماید: «هرگاه بنده ام را با دو عزیزش مورد ابتلا قرار دادم و صبر پیشه کرد [و انتظار اجر و پاداش داشت]، به جایشان به او بهشت خواهم داد». منظور دو چشمانش است^(۲).

۸- «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ أَذًى: مِنْ مَرَضٍ فَمَا سِوَاهُ إِلَّا حَطَّ اللَّهُ بِهِ سَيِّئَاتِهِ كَمَا تَحُطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا»، یعنی: «مسلمانی نیست که آزاری به او برسد،

(۱) احمد به شماره (۱۵۵۹۵)، و نسائی (۲۳/۴) در الجناز باب الأمر بالاحتساب والصبر عند نزول المصيبة به شماره (۱۸۷۰) و سند آن بر شرط صحیح است، و ابن حبان آن را صحیح دانسته (۲۰۹/۸)، و شیخ آلبنی در صحیح ترغیب و ترهیب به شماره ۲۰۰۷ آن را صحیح دانسته است. و نگا: فتح الباری (۲۴۳/۱۱).

(۲) بخاری با فتح (۱۱۶/۱۰) به شماره (۵۶۵۳) و بین دو پراکنش از سنن ترمذی است به شماره (۲۴۰۰) و نگا: صحیح سنن ترمذی (۲۸۶/۲).

از بیماری تا غیر آن، مگر آنکه الله به سبب آن گناهانش را فرو می ریزد، چنانکه درخت برگهای خود را فرو می ریزد»^(۱).

۹- «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَشَاكُ شَوْكَةً فَمَا فَوْقَهَا إِلَّا كُتِبَتْ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ، وَمُحِيتُ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ»، یعنی: «هیچ مسلمانی نیست که خاری یا چیزی بزرگ‌تر از آن به او برسد، مگر اینکه به سبب آن برای او درجه‌ای نوشته می‌شود و گناهی از او پاک می‌گردد»^(۲).

۱۰- «مَا يُصِيبُ الْمُؤْمِنَ مِنْ وَصَبٍ، وَلَا نَصَبٍ، وَلَا سَقَمٍ، وَلَا حَزَنِ، حَتَّى الْهَمُّ يَهْمُهُ، إِلَّا كُفِّرَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِهِ»، یعنی: «هیچ رنج، خستگی،

(۱) بخاری همراه با فتح (۱۲۰/۱۰) به شماره (۵۶۴۸)، و مسلم (۱۹۹۱/۴) به شماره (۲۵۷۱).

(۲) روایت مسلم (۱۹۹۱/۴) به شماره ۲۵۷۲

(۳) وصب: به دردی گفته می‌شود که همیشه همراه انسان است، برای نمونه قول خداوند:

(وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ) یعنی عذابی که رهایشان نمی‌کند. نگا: شرح نووی (۱۳۰/۱۶).

بیماری یا غمی به مؤمن نمی‌رسد^(۱)، حتی اندوهی که او را ناراحت می‌کند^(۲)، مگر اینکه به واسطه آن گناهانش بخشیده می‌شود^(۳).

۱۱- «إِنَّ عِظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ عِظَمِ الْبَلَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ، فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا، وَمَنْ سَخِطَ فَلَهُ السَّخَطُ»، یعنی: «بزرگی پاداش به اندازه بزرگی بلا است و همانا خداوند هرگاه قومی را دوست بدارد، آنان را دچار آزمایش می‌کند. پس هر کس راضی باشد، برای او

(۱) النصب: سختی و خستگی

(۲) گفته شده است که فعل «يُهْمُهُ» با فتح یاء و ضم هاء خوانده می‌شود و همچنین «يُهْمَهُ» با ضم یاء و فتح هاء نیز گفته شده است؛ به معنای غمگین کردن او. هر دو وجه صحیح است. برای اطلاعات بیشتر به شرح نووی بر صحیح مسلم، (۱۳۰/۱۶) مراجعه کنید.

(۳) روایت مسلم (۱۹۹۳/۴) به شماره ۲۵۷۳.

خشنودی است و هر کس ناراضی باشد، برای او نارضایتی خواهد بود»^{(۱)(۲)}.

۱۲- «... فَمَا يَبْرُحُ الْبَلَاءُ بِالْعَبْدِ حَتَّى يَتْرُكَهُ يَمْشِي عَلَى الْأَرْضِ وَمَا عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ»، یعنی: «... بلا همچنان بنده را در بر^(۳) می گیرد تا جایی

(۱) ترمذی به شماره ۲۳۹۶، و ابن ماجه به شماره ۴۰۳۱، و شیخ آلبنی در صحیح سنن ترمذی (۲/۲۸۶) آنرا حسن دانسته است.

(۲) گفته شده است: «سُخِطَ» و «سَخِطَ» به معنای نارضایتی و مخالف رضایت است. «سَخِطَ» یعنی خشمگین شد و او «سَاخِطَ» (خشمگین) است. «أَسَخَطَهُ» به معنای خشمگین کردن او است. همچنین گفته می شود: «تَسَخَّطَ عطاءه» یعنی عطای او را کم شمرد و برایش ارزشمند نبود. «سَخِطَ سَخَطًا» از باب «تعَب» است و «السُّخُطُ» (با ضم سین) اسم آن است. همچنین گفته می شود: «سَخِطْتُهُ» و «سَخِطْتُ عَلَيْهِ» و «أَسَخَطْتُهُ فَسَخِطَ» به معنای خشمگین کردن اوست، مانند «أَغْضَبْتُهُ فَغَضِبَ» از نظر وزن و معنا. برای اطلاعات بیشتر به «الصحاح» در ماده «سَخِطَ» و «المصباح المنیر» در ماده «سَخِطَ» مراجعه کنید.

(۳) یعنی: بنده مسلمان.

که او را در حالی رها می کند که بر روی زمین راه می رود و هیچ گناهی بر او باقی نمانده است»^(۱).

۷- درمان غم و اندوه

۱- هیچ غم و اندوهی به بنده نمی رسد که پس از آن بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمِّكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ، عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رِيعَ قَلْبِي، وَتُورَ صَدْرِي، وَجَلَاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي، إِلَّا أَذْهَبَ اللَّهُ حُزْنَهُ وَهَمَّهُ، وَأَبْدَلَهُ مَكَانَهُ فَرَحًا»، یعنی: «خدایا من تو را می خوانم که من بنده ات هستم، و فرزند بنده ات، و فرزند کنیزت. پیشانی من در دست توست، حکم تو در مورد من قطعی است، و قضای تو در مورد من عادلانه است. از تو می خواهم به هر نامی که مختص خودت است، نامی که خودت آن را به خود اختصاص داده ای، یا در کتابت نازل

(۱) ترمذی به شماره ۲۶۹۸، و ابن ماجه به شماره ۴۰۲۳، و شیخ آلبنی در صحیح سنن

ترمذی (۲۸۶/۲) آن را حسن دانسته است.

کرده‌ای، یا به یکی از مخلوقات آموخته‌ای، یا آن را در علم غیب خودت محفوظ داشته‌ای، که قرآن را بهار قلبم، نور سینه‌ام، زداینده غم‌هایم، و برطرف کننده غم‌هایم قرار دهی» مگر اینکه خداوند هم و غم او را برطرف می‌کند و به جای آن خوشحالی می‌آورد^(۱).

۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ»، یعنی: «خدایا، از غم و اندوه، از ناتوانی و تبلی، از بخل و بزدلی، و از سنگینی بدهی و چیرگی مردم به تو پناه می‌برم»^(۲).

۸- درمان سختی‌ها

۱- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ»، یعنی:

(۱) احمد (۳۹۱/۱)، به شماره (۳۷۱۲) و شیخ آل‌بانی در صحیح ترغیب و ترهیب به شماره ۱۸۲ آن را صحیح دانسته است.

(۲) بخاری (۱۵۸/۷) به شماره (۲۸۹۳)، پیامبر صلی الله علیه و سلم بسیار این دعا را می‌خواندند. نگا: بخاری همراه فتح ۱۷۳/۱۱.

«معبودی به حق نیست مگر خدای بزرگ و بردبار، معبودی به حق نیست مگر پروردگار عرش بزرگ، معبودی به حق نیست مگر پروردگار آسمانها و زمین و عرش بزرگ»^(۱).

۲- «اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو، فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلَحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»، یعنی: «بارالها، به رحمت تو امیدوارم، پس یک چشم بر هم زدن هم مرا به نفسم وامگذار؛ و همه‌ی کارهایم را اصلاح بفرما؛ معبود بر حقى جز تو نیست»^(۲).

(۱) امام بخاری (۱۵۴/۷) به شماره (۶۳۴۶)، و امام مسلم (۲۰۹۲/۴) به شماره (۲۷۳۰) روایت کرده اند.

(۲) روایت ابوداود (۳۲۴/۴) به شماره (۵۰۹۲)، و احمد (۴۲/۵) به شماره (۲۰۴۳۰) و شیخ آلبنی در ارواء الغلیل (۳۵۷/۳) و ارنائوط در تحقیق مسند (۷۵/۳۴) آنرا حسن دانسته‌اند.

۳- «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»، یعنی: «[پروردگارا،] هیچ معبودی [به حق] جز تو نیست. تو منزهی، بی تردید، من از ستمکاران بوده‌ام»^(۱).

۴- «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا»، یعنی: «الله، الله، پروردگار من است و چیزی را با او شریک قرار نمی‌دهم»^(۲).

۹- خود درمانی بیمار

دست را بر همان جایی از بدنت بگذار که درد می‌کند و سه بار بسم الله بگو و هفت بار بگو: «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَازِرُ»،

(۱) روایت ترمذی (۵۲۹/۵) به شماره (۳۵۰۵)، و حاکم، و آنرا صحیح دانسته و ذهبی با وی موافقت کرده است (۵۰۵/۱) و شیخ آلبنی در صحیح سنن ترمذی (۱۶۸/۳) آنرا صحیح دانسته است.

(۲) روایت ابوداود (۸۷/۲) به شماره (۱۵۲۵) و شیخ آلبنی در صحیح سنن ابن ماجه (۳۳۵/۲) و صحیح سنن ترمذی (۱۹۶/۴) آنرا صحیح دانسته است.

یعنی: «به الله و قدرتش پناه می‌برم از دردی که احساس می‌کنم و از شری که از آن حذر می‌کنم»^(۱).

۱۰- درمان بیمار در عیادت اوست.

«مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ يَعُودُ مَرِيضًا لَمْ يَحْضُرْ أَجَلُهُ، فَيَقُولُ سَبْعَ مَرَّاتٍ: أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ، رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، أَنْ يَشْفِيكَ، إِلَّا عُوْفِي»، یعنی: «هیچ بنده مسلمانی از بیماری عیادت نمی‌کند که اجلش فرا نرسیده باشد و سپس بگوید: «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ، رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، أَنْ يَشْفِيكَ»، یعنی: «از خداوند بزرگ، پروردگار عرش بزرگ می‌خواهم شفایت دهد» مگر اینکه شفا می‌یابد^(۲).

(۱) مسلم (۱۷۲۸/۴) به شماره (۲۲۰۲).

(۲) روایت ترمذی به شماره (۲۰۸۳) و ابوداود به شماره (۳۸۹۳)، و شیخ آل‌بانی در صحیح

سنن ترمذی (۲۱۰/۲) و صحیح الجامع (۱۸۰/۵) آنرا صحیح دانسته است.

۱۱- درمان نگرانی و پریشانی در خواب

«أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ: مِنْ غَضَبِهِ، وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونِ»، یعنی: «پناه می برم به کلمات کامل الله از خشم او و مجازات او و شر بندگان او و از وسوسه های شیاطین به تو پناه می برم و پناه می برم به تو از اینکه نزد من حاضر شوند»^(۱).

۱۲- درمان تب

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «الْحُمَّى مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ فَأَبْرِدُوهَا بِالْمَاءِ»، یعنی: «تب از حرارت جهنم است، پس آن را با آب خنک کنید»^(۲).

(۱) روایت ابوداود (۱۲/۴) به شماره (۳۸۹۳)، و شیخ آلبنی در صحیح سنن ترمذی (۱۷۱/۳) آن را حسن دانسته است.

(۲) روایت بخاری با فتح (۱۷۴/۱۰) به شماره (۳۲۶۴) و مسلم (۱۷۳۳/۴) به شماره (۲۲۱۰).

۱۳- درمان نیش و گزیدگی

۱- سورۀ فاتحه را می خواند، آب دهن را جمع می کند سپس بر روی محل گزیدگی می پاشد^(۱).

۲- با آب و نمک روی آن مسح می کند و سورۀ های کافرون و فلق و ناس را می خواند^(۲).

۱۴- درمان خشم

درمان خشم از دو راه خواهد بود:

راه اول: پیشگیری

و این با دوری از عوامل خشم به دست می آید. از جمله این عوامل: تکبر، خودپسندی، فخر فروشی، حرص ناپسند، شوخی نابجا، بیهوده گویی و مواردی مانند آن است.

(۱) روایت بخاری با فتح (۲۰۸/۱۰) کتاب الطب، باب رقیة النبی صلی الله علیه وسلم.

(۲) طبرانی در معجم الصغیر (۸۳۰/۲)، و هیشمی در مجمع الزوائد (۱۱۱/۵) سند آنرا حسن دانسته و شیخ آلبنانی در سلسله صحیحہ به شماره ۵۴۸ آنرا صحیح دانسته است.

راه دوم: درمان پس از وقوع خشم

که چهار نوع است:

۱- پناه بردن به خداوند از شر شیطان رجیم.

۲- وضو گرفتن.

۳- تغییر وضعیتی که فرد خشمگین در آن قرار دارد، مانند نشستن، دراز کشیدن، بیرون رفتن، سکوت کردن یا انجام کارهای دیگر.

۴- به یاد آوردن پاداشی که برای فرو خوردن خشم ذکر شده است و همچنین در نظر داشتن سرانجام ناپسند خشم و پیامدهای آن^(۱).

۱۵- درمان با سیاه‌دانه

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «فِي الْحَبَّةِ السَّوْدَاءِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ»، یعنی: «سیاه‌دانه درمان هر دردی است مگر مرگ».

(۱) برای دریافت این جزئیات با ادله صحیح آن به آفات اللسان (ص ۱۱۰-۱۱۲) والحکمة في الدعوة إلى الله، (ص ۶۴-۶۶) اثر مؤلف مراجعه شود.

ابن شهاب گفته است: السام یعنی مرگ، و حبه سوداء: سیاه دانه^(۱). و سیاه دانه منافع زیادی دارد و این گفته پیامبر صلی الله علیه وسلم که (درمان هر دردی است) همانند این فرموده خداوند است: ﴿...تَدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا...﴾ [الأحقاف: ۲۵]، یعنی: «همه چیز را به فرمان پروردگارش درهم می کوبد و نابود می سازد». یعنی هر چیزی که قابل نابود شدن است و همانند آن^(۲).

۱۶- درمان با عسل

۱- خداوند در مورد زنبور عسل می گوید:

﴿يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۶۹]، یعنی: «از درون زنبور عسل، مایعی بیرون می تراود که رنگهای مختلفی دارد. در این (مایع رنگارنگ)

(۱) بخاری به همراه فتح الباری (۱۰/ ۱۴۳) حدیث شماره‌ی (۵۶۸۸)، مسلم (۱۷۳۵) حدیث شماره‌ی (۲۲۱۵).

(۲) نگا: زاد المعاد (۴/ ۲۹۷) والطب من الكتاب والسنة اثر علامه موفق الدین عبد اللطیف البغدادی (ص: ۸۸).

بهبودی مردمان نهفته است. بی گمان در این (برنامه‌ی زندگی زنبوران عسل و ارمغانی که آنها به انسانها تقدیم می‌دارند که هم غذا و هم شفا است) نشانه‌ی روشنی (از عظمت و قدرت پروردگار) است برای کسانی که (درباره‌ی پدیده‌ها) می‌اندیشند (و رازها و رمزهای زندگی آفریدگان از جمله جانوران را پیش چشم می‌دارند).»

۲- پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «الشِّفَاءُ فِي ثَلَاثَةٍ: فِي شَرْطَةٍ مُحَجَّمٍ، أَوْ شَرْبَةِ عَسَلٍ، أَوْ كَيْتَةِ بَنَارٍ، وَأَنَا أَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الْكَيِّْ»، یعنی: «شفا در سه چیز است: در حجامت، نوشیدن عسل، یا داغ کردن با آتش. اما من امت خود را از داغ کردن (برای درمان) منع می‌کنم»^(۱).

(۱) بخاری همراه با فتح (۱۳۷/۱۰)، به شماره (۵۶۸۱)، و نگا: فوائد عسل در کتاب زادالمعاد (۴/۵۰-۶۲)، و الطب من الكتاب والسنة للعلامة موفق الدين عبد اللطيف البغدادي (ص ۱۲۹-۱۳۶).

۱۷- درمان با آب زمزم

۱- پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد آب زمزم می فرماید: «إِنَّهَا مُبَارَكَةٌ، إِنَّهَا طَعَامٌ طُعِمٍ [وَشِفَاءٌ سُقِمٍ]»، یعنی: «زمزم آب با برکتی است و مانند غذا باعث سیری می گردد [و شفای بیماری است]»^(۱).

و حدیث جابر که به طور مرفوع از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است که: «مَاءُ زَمْزَمَ لِمَا شُرِبَ لَهُ»، یعنی: «آب زمزم برای آن چیزی است که بخاطر آن نوشیده می شود»^(۲).

۳- و ثابت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم آب زمزم را در ظرف ها و مشک ها حمل می کرد و آن را بر بیماران می ریخت و به آنان

(۱) روایت مسلم (۱۹۲۲/۴) به شماره (۲۴۷۳) و بین پراتنز روایت بزار (۸۶/۲) و بیهقی در سنن کبری (۱۴۷/۵) و طبرانی در معجم الاوسط (۲۴۷/۳) است و سند آن صحیح است، نگا: مجمع الزوائد (۲۸۶/۳).

(۲) ابن ماجه (۳۰۶۲) و دیگران، و شیخ آلبنی در صحیح سنن ابن ماجه (۱۸۳/۲) و ارواء الغلیل (۳۲۰/۴) آن را صحیح دانسته است.

می‌نوشاند^{(۱)(۲)}. ابن قیم رحمه الله تعالی می‌گوید: «من و دیگران تجربه شگفت‌انگیزی از درمان با آب زمزم یافته‌ایم. خودم نیز برای درمان چندین بیماری از آن استفاده کردم و به خواست خداوند بهبود یافتم»^{(۳)(۴)}.

۱۸- درمان بیماری‌های قلب

قلب‌ها سه گونه‌اند:

۱- **قلب سالم:** که همان قلبی است که انسان در روز قیامت جز با داشتن آن نجات نمی‌یابد، خداوند می‌فرماید:

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾﴾
[الشعراء: ۸۸-۸۹]، یعنی: «همان روزی که مال و فرزندان سودی

(۱) الاداوة: تشت، و جمع آن اداوی است. الصحاح (۱۱/۱).

(۲) ترمذی (۱۸۰/۱) به شماره (۹۶۳)، و بیهقی (۲۰۲/۵) و شیخ آل‌بانی در صحیح سنن ترمذی (۲۸۴/۱) و سلسله احادیث صحیحه (۵۷۲/۲) به شماره (۸۸۳) و زاد المعاد (۳۹۲/۴).

(۳) و غیر از اهل حجاز می‌گویند: «فَبَرِئْتُ». نکا: النهاية في غريب الحديث (۱۱۱/۱).

(۴) زاد المعاد (۳۹۳/۴) و (۱۷۸).

نمی‌بخشد. (۱) مگر کسی که با قلبی پاک [و خالی از شرک و نفاق و ریا] به پیشگاه الله بیاید (۲)».

قلب سالم، قلبی است که از هر شهوتی که با فرمان و نهی خداوند مخالفت دارد، و از هر شبهه‌ای که با خبرهای الهی در تعارض است، پاک باشد. چنین قلبی از بندگی غیر خدا رها شده و از داور قرار دادن غیر از رسول او صلی الله علیه وسلم دوری کرده است.

به طور کلی، قلب سالم و درست، قلبی است که از هر گونه شرک آوردن به خدا پاک باشد و بندگی آن خالصانه برای خداوند باشد؛ از نظر اراده، محبت، توکل، بازگشت به او، فروتنی، ترس، امید و اخلاص در عمل.

پس اگر دوست بدارد، برای خدا دوست می‌دارد، اگر دشمنی کند، برای خدا دشمنی می‌کند، اگر ببخشد، برای خدا می‌بخشد، و اگر چیزی را منع کند، برای خدا منع می‌کند. تمام دغدغه‌اش برای خداست، تمام محبتش برای خداست، نیت و قصدش برای اوست، جسم و اعمالش برای اوست، خواب و بیداری‌اش برای اوست، سخنش

و حتی سخن درباره او برایش شیرین تر از هر سخنی است، و افکارش پیرامون چیزهایی می گردد که خداوند را خشنود می کند و مورد محبت اوست.

از خداوند متعال چنین قلبی را درخواست می کنیم^(۱).

۲- قلب مرده: این قلب برخلاف قلب سالم است. چنین قلبی نه پروردگارش را می شناسد و نه او را طبق فرمان و خواسته هایش عبادت می کند. بلکه تنها به دنبال شهوات و لذت های خود است، حتی اگر در این مسیر خشم و نارضایتی پروردگارش را برانگیزد.

این قلب، در محبت، ترس، امید، رضایت، خشم، بزرگداشت و خواری، تسلیم غیر خداست. اگر دشمنی کند، برای هوای نفسش است، اگر دوست بدارد، برای هوای نفسش است، اگر ببخشد، برای هوای نفسش است، و اگر چیزی را منع کند، باز هم برای هوای نفسش است.

(۱) نگا: إغاثة اللفهان من مصائد الشيطان اثر ابن قیم (۷/۱ و ۷۳).

هوا و هوس، پیشوای اوست؛ شهوت، راهبرش؛ جهل، راهنمایش؛ و غفلت، وسیله سواری اوست^(۱).

از چنین قلبی به خدا پناه می‌بریم.

۳- قلب بیمار: این قلب دارای زندگی است، ولی در عین حال دچار بیماری است. این قلب از دو نیرو تغذیه می‌کند که یکی از آن‌ها گاهی بر دیگری غلبه می‌کند. آنچه بر قلب غلبه کند، بر آن تاثیر می‌گذارد. در این قلب، محبت خداوند، ایمان به او، اخلاص در عبادت، و توکل بر او، به عنوان نیروهای حیاتی آن وجود دارد. اما در عین حال، محبت شهوات، حرص بر دستیابی به آن‌ها، حسادت، تکبر، خودپسندی، حبّ برتری، فساد در زمین از طریق ریاست‌طلبی، نفاق، ریا، بخل و خساست نیز در آن یافت می‌شود که این‌ها همه عامل هلاکت و نابودی این قلب هستند.

به خداوند از چنین قلبی پناه می‌بریم^(۲).

(۱) نگا: إغاثة اللفهان من مضایده الشیطان (۹/۱).

(۲) نگا: إغاثة اللفهان (۹/۱).

و درمان همه بیماری‌های قلب در قرآن کریم است.

خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [یونس: ۵۷]، یعنی: «ای مردم،

به راستی برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمده است و شفایی برای آنچه در دل‌هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان».

و الله عزوجل می‌فرماید:

﴿وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ [الإسراء: ۸۲]، یعنی: «و از قرآن، آنچه درمان [شرک و کفر] و رحمتی برای مؤمنان است نازل می‌کنیم و [این کتاب] بر ستمکاران [مشرک] جز زیان نمی‌افزاید».

و بیماری‌های قلب دو گونه است:

نوعی از بیماری وجود دارد که صاحب آن در همان لحظه از آن رنج نمی‌برد، [بلکه همیشه و در همه حال از آن رنج می‌برد] و آن بیماری

جهل، شبهات و شک‌هاست. این بیماری از هر دو نوع بیماری (جسمی و روحی) دردناک‌تر است، اما به دلیل فساد قلب، فرد متوجه آن نمی‌شود.

نوعی دیگر از بیماری وجود دارد که در همان لحظه دردناک است، مانند نگرانی، اندوه، غم، و خشم. این بیماری ممکن است با داروهای طبیعی و با از بین بردن علل آن و دیگر روش‌ها درمان شود^(۱).

و درمان قلب با یکی از چهار چیز است:

اولین امر با قرآن کریم است؛ زیرا قرآن شفای دردهایی است که در دل‌هاست، از جمله شک‌ها، و از بین برنده شرک، آلودگی کفر، بیماری‌های شبهات و شهوت‌هاست. قرآن هدایت است برای کسانی که به حق علم دارند و بر اساس آن عمل می‌کنند، و رحمت است برای آنچه که مؤمنان از پاداش‌های فوری و آخرتی از آن به دست می‌آورند. خداوند متعال می‌فرماید:

(۱) نگا: إغاثة اللفهان (۴۴/۱).

﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٢﴾﴾ [الأنعام: ١٢٢]، یعنی: «آیا کسی که [دلش از جهل و شرک] مرده بود و ما [با توحید و ایمان] زنده‌اش گردانیدیم و نوری برایش پدید آوردیم تا در پرتوی [هدایت] آن، میان مردم گام بردارد، همچون کسی است که گویی در تاریکی‌ها [گرفتار] است و از آن بیرون آمدنی نیست؟ آنچه کافران می‌کردند، این گونه برایشان آراسته شده است».

دوم: قلب به سه چیز نیاز دارد:

۱- آنچه قدرت آن را حفظ می‌کند، که همان ایمان، عمل صالح و انجام اذکار و اعمال عبادی است.

۲- پرهیز از ضررها، که با دوری از تمام گناهان و انواع نافرمانی‌ها حاصل می‌شود.

۳- رهایی از هرگونه آلودگی زیان‌آور، که با توبه و استغفار حاصل می‌شود.

سوم: درمان بیماری قلب از تسلط نفس بر آن.

که دو درمان دارد: محاسبه و بازخواست آن، و مخالفت با آن، و محاسبه دو نوع است:

نوع اول: قبل از انجام کار که چهار مقام دارد:

۱- آیا این عمل برای او مقدور است؟

۲- آیا انجام این کار بهتر از ترک آن است؟

۳- آیا هدف از انجام این کار خشنودی و رضایت خداوند است؟

۴- آیا این کار مورد حمایت است و برای انجام آن یارانی دارد که او را یاری کنند و در صورت نیاز از او پشتیبانی نمایند؟ اگر انجام این کار نیاز به همراهان داشته باشد، پس اگر پاسخ مثبت باشد، اقدام می‌کند، وگرنه هرگز به انجام آن پیش قدم نمی‌شود

نوع دوم: بعد از انجام کار که سه نوع دارد:

۱- محاسبه نفس در مورد عبادتی که در انجام آن کوتاهی کرده و حق خداوند متعال را به درستی ادا نکرده است. از حقوق خداوند متعال در عبادت: اخلاص، خیرخواهی، پیروی از دستور الهی، حضور قلب در مقام احسان، درک لطف و نعمت الهی در آن عبادت، و در نهایت، آگاهی از کوتاهی خود، حتی پس از انجام همه این امور است.

۲- محاسبه نفس بخاطر هر کاری که ترک آن بهتر از انجامش بود.

۳- محاسبه نفس در مورد کاری مباح یا عادی که انجام داده است؛ آیا قصد او از آن کار، رضای خدا و آخرت بوده تا سود ببرد، یا هدفش تنها دنیا بوده که در این صورت زیانکار خواهد شد.

خلاصه این روند آن است که انسان ابتدا خود را در مورد انجام واجبات محاسبه کند، سپس اگر در آن‌ها نقصی بود، آن را جبران نماید. پس از آن، نفس خود را درباره گناهان بررسی کند؛ اگر مرتکب چیزی از آن‌ها شده باشد، با توبه و استغفار جبران کند. سپس اعمالی را که

اعضای بدنش انجام داده‌اند ارزیابی کند و در نهایت، خود را از نظر لحظات غفلت مورد بررسی قرار دهد^(۱).

چهارم: درمان بیماری قلب از تسلط شیطان بر آن:

شیطان دشمن انسان است، و رهایی از او تنها با آنچه خداوند مقرر کرده، یعنی پناه بردن به او، امکان‌پذیر است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم در دعای خود میان پناه بردن از شر نفس و شر شیطان جمع کرده است. ایشان به ابوبکر رضی‌الله‌عنه فرمودند: «قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّهِ، وَأَنْ أَقْتَرِفَ عَلَى نَفْسِي سُوءًا، أَوْ أَجْرَهُ إِلَى مُسْلِمٍ، قُلُهُ إِذَا أَصْبَحْتَ، وَإِذَا أَمْسَيْتَ، وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ»، یعنی: «در صبح‌گاه و شام‌گاه و هر گاه به رختخواب رفتی بگو: «اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّهِ، وَأَنْ أَقْتَرِفَ عَلَى نَفْسِي سُوءًا،

(۱) نکا: إغاثة اللفهان (۱/۱۳۶).

أَوْ أَجْرَهُ إِلَى مُسْلِمٍ» یعنی: «خدایا، ای آفریننده آسمان‌ها و زمین، ای دانای نهان و آشکار، پروردگار و مالک همه چیز، گواهی می‌دهم که هیچ معبودی جز تو نیست. به تو پناه می‌برم از شر نفس خود، از شر شیطان و وسوسه‌هایش، و از اینکه مرتکب گناهی شوم یا آن را به مسلمانی بکشانم»^(۱).

و پناه بردن به خداوند و توکل و اخلاص مانع از تسلط شیطان می‌شود^(۲).

و درود و سلام الله بر پیامبر ما محمد، و بر آل و اصحاب او و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی می‌کنند باد.



(۱) روایت ترمذی به شماره (۳۳۹۲) و ابوداود به شماره (۵۰۵۸) و شیخ آل‌بانی در صحیح

سنن ترمذی (۱۴۲/۳) آن را صحیح دانسته است.

(۲) نگا: إغاثة اللهفان (۱۴۵/۱-۱۶۲).

فهرست

- دعا از قرآن و سنت ۲
- مقدمه ۴
- فضیلت دعا ۶
- دعا از قرآن و سنت ۱۶
- درمان با رُفیه ۸۹
- از قرآن و سنت ۸۹
- مقدمه: اهمیت درمان با قرآن و سنت ۸۹
- ۱- درمان سحر و جادو ۹۸
- ۲- درمان چشم‌زخم ۱۱۷
- ۳- درمان جن‌زدگی (وارد شدن جن در بدن انسان) ۱۲۴
- ۴- درمان بیماری‌های روحی روانی: ۱۲۷
- ۵- درمان زخم و جراحت ۱۳۶
- ۶- درمان مصیبت ۱۳۷
- ۷- درمان غم و اندوه ۱۴۴
- ۸- درمان سختی‌ها ۱۴۵
- ۹- خود درمانی بیمار ۱۴۷

- ۱۰- درمان بیمار در عیادت اوست. ۱۴۸
- ۱۱- درمان نگرانی و پریشانی در خواب ۱۴۹
- ۱۲- درمان تب ۱۴۹
- ۱۳- درمان نیش و گزیدگی ۱۵۰
- ۱۴- درمان خشم ۱۵۰
- ۱۵- درمان با سیاه دانه ۱۵۱
- ۱۶- درمان با عسل ۱۵۲
- ۱۷- درمان با آب زمزم ۱۵۴
- ۱۸- درمان بیماری‌های قلب ۱۵۵





رسالة الحرمين

پیام حرمین

محتوای ارشادی و شرعی برای زائران
مسجد الحرام و مسجد نبوی به زبان‌ها



978-603-8534-76-2

